**آموزش فقه) محمد حسين فلاح زاده(**

**1**

**جايگاه فقه و احكام**

**سعادت بشر در اين جهان و جهان آخرت در گرو عمل به برنامه هاى اسلامى و تطبيق برنامه هاى روزمرّه در تمام زواياى آن ـ چه فردى و چه اجتماعى ـ بر قوانين نجات بخش اسلام مى باشد.**

**برنامه هاى اسلام به سه دسته تقسيم مى شود:**

**الف : برنامه هاى اعتقادى (اصول دين ).**

**ب : دستورهاى عملى (فروع دين يا احكام ).**

**ج : مسائل روانى (اخلاق ).**

**دستهء اوّل**

**برنامه هايى است در رابطه با سالم سازى فكر و اعتقاد انسان و مكلّف بايد نسبت به آنها يقين كند و آنها را از روى دليل بپذيرد و چون اين بخش از برنامه هاى اسلام اعتقادى است و نياز به يقين دارد**

**پيروى از ديگران (تقليد) در آنها راه ندارد گرچه مى توان از راهنمايى ديگران براى تحصيل يقين بهره مند گرديد.**

**دستهء دوّم**

**كه برنامه هاى عملى است**

**مشتمل بر «بايدها» و «نبايده» يى است كه با انجام و ترك آنها (همراه با اعتقاد صحيح ) اطاعت الهى تحققّ مى يابد; مانند خواندن نماز و پرداخت زكات و پرهيز از غيبت و سرقت .**

**دستهء سوم**

**برنامه هايى در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمى است كه شيوهء تقويت صفات پسنديده مانند: عدالت ، سخاوت**

**شجاعت و عزت در نهاد انسانها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت ; مانند حسد ، بخل نفاق را بيان مى كند.**

**كتب فقهى كه با تلاش شبانه روزى دانشمندان اسلامى به رشته تحرير در آمده در بردارندهء دسته دوّم از مسائل دينى است كه احكام نام دارد.**

**2**

**وظايف مكلفين نسبت به احكام**

**شخص مكلّف براى شناخت و پى بردن به آن امر و نهى ها بايد اجتهاد كند و از منابع مربوط**

**بدآنهادست يابد يا از كسى كه با اجتهاد احكام را استنباط كرده تقليد كند و يا به احتياط عمل نمايد.**

**بنابراين وظيفه مكلّف نسبت به برنامه هاى عملى اسلام يكى از اين سه امر است : (اجتهاد) (تقليد) (احتياط)**

**3**

**شرايط تكليف**

**آدمى با گوهر گرانبهاى تفكر و تعقّل و قوّهء انتخاب و اختياراز ديگر موجودات متمايز است و كرامت مسوءوليت تكاليف الهى به او ارزانى شده كه با عمل به آنها به سعادت ابدى خواهد رسيد. افرادى كه داراى شرايط ذيل باشند مكلّف به آن تكاليف خواهند بود:**

**-- بلوغ -- عقل -- قدرت .**

**بنابراين فرد عاقل و بالغ كه قادر بر انجام وظايف شرعى باشد در مقابل امرها و نهى هاى الهى مسوءوليت دارد و در صورت سرپيچى از آنها عذاب خواهد شد و به پاداش اطاعت از آن فرامين هم خواهد رسيد. پس كودكان و افراد ديوانه و كسى كه قدرت بر انجام واجبات ندارد مكلّف نبوده و عملى بر او واجب يا حرام نيست . از اين روست كه اگر ديوانه يا طفل دروغ بگويد يا نماز نخواند عذاب نمى شود گرچه ـ از فضل الهى ـ در موارد بسيارى اعمال نيك آنها ثواب دارد; مثل اين كه اگر طفلى به طور صحيح نماز بخواند يا حج بجا آورد پاداش دارد. امّامكلّف بر انجام اين اعمال نمى باشد و در صورت ترك آنها عذاب نخواهد شد.**

**گفتنى است ولىِّ آنها و نظام اسلامى نسبت به بسيارى از اعمال ناپسند آنها مسئولند و به همين سبب بر ولىّ طفل است كه او را از تجاوز به حقوق مردم باز دارد و بر حاكم است كه جهت حفظ نظم عمومى و اجراى عدالت او را تنبيه كند.**

**4**

**تقسيم احكام**

**در يك تقسيم كلّى تمام احكام دينى را به دو دسته تقسيم كرده اند: -- تكليفى -- وضعى**

**دستهء اوّل :احكامى است كه تكليف و وظيفهء انسان را نسبت به اعمال و رفتار وى مشخص مى كند مانند واجب بودن نماز و حرام بودن ظلم .**

**دستهء دوم :احكامى است كه وضعيت و كيفيّت اشياء را در ارتباط با اعمال انسان مشخص مى كند مثل صحيح بودن نماز يا باطل بودن روزه طهارت برخى اشياء و نجاست برخى ديگر.**

**5**

**اقسام احكام تكليفى**

**1 واجب ; عملى است كه انجامش لازم است و ترك آن عذاب دارد .مانند نماز.**

**2 حرام ; عملى است كه ترك آن لازم و انجامش عذاب دارد مانند. دروغ .**

**3 مستحب ; عملى كه انجامش مطلوب است و ثواب دارد ولى ترك آن عذاب ندارد. مانند نماز شب .**

**4 مكروه ; عملى كه ترك آن مطلوب است و ثواب دارد و انجامش عذاب ندارد .مانند پوشيدن لباس سياه در نماز.**

**5 مباح ; عملى كه انجام و ترك آن مساوى است ; نه عذابى داردو نه ثوابى .مانند بسيارى از اعمال .**

**6**

**اقسام واجب**

**كارهايى كه بر افراد مكلّف واجب مى باشد, داراى اقسام مختلفى است كه شناخت آنها در چگونگى انجام وظيفه تاءثير دارد.**

**1 واجب عينى :آن است كه از همهء مكلفين خواسته شده و با انجام يك يا چند نفر ،از ديگران ساقط نمى شود; مانند نماز و روزه .**

**واجب كفايى: آن است كه اگر عده اى ـ به قدر كفايت ـ آن را انجام دهند از ديگران ساقط مى شود; مانند كفن و دفن و نماز بر ميّت امر به معروف و نهى از منكر و جهاد.**

**2 واجب تعيينى :آن است كه يك عمل مشخص از مكلّفين خواسته شده است و بدل و جايگزين ندارد; مانند نماز مغرب و عشاء.**

**واجب تخييرى :آن است كه دو يا چند عمل از مكلّف خواسته شده و او مخيّر است هر كدام را بخواهد انجام دهد; مثل وجوب نماز جمعه و ظهر در روز جمعه .**

**غير ازاينها اقسام ديگرى براى واجب بر شمرده اند كه بيشتر در علم اصول فقه به آنها پرداخته مى شود.**

**آموزش فقه ـ محمد حسين فلاح زاده ـ ص 19تا 31**

**8**

**اجتهاد**

**اجتهاد در لغت به معناى كوشش و تلاش كردن است . و در اصطلاح فقه عبارت است از استنباط و استخراج مسائل شرعى از منابع مربوط به آن .**

**به شخصى كه توانايى اجتهاد را داشته باشد «مجتهد» مى گويند.**

**9**

**تقليد**

**تقليد در اصطلاح فقه عبارت است از عمل مستند به فتواى فقيه .**

**1 بر هر مكلّفى كه به درجهء اجتهاد نرسيده و طريقهء احتياط را نمى داند واجب است در احكام از مجتهد تقليد كند.؟(1)**

**2 تقليد در احكام :اختصاص به واجبات و محرمات ندارد ،بلكه در مستحبات و مكروهات و مباحات هم جارى است .؟(2)**

**1- تحريرالوسيله ج 1 ص 5**

**2- همان .**

**10**

**منابع فقه**

**1- قرآن**

**2- سنّت :قول معصوم (ع ) ؛ فعل معصوم (ع ) ؛تقرير معصوم (ع )**

**3- عقل**

**4- اجماع (اتفاق فقها بر حكمى از احكام شرعى )**

**قرآن :كه مجموعهء وحى الهى بر پيامبر اكرم اسلام (ص ) مى باشد و به خواست خداوند بدون هيچگونه نقص و اضافه به دست ما رسيده اوّلين و بهترين ملاك عمل و منبع استنباط احكام مى باشد.**

**قول معصوم :مجموعهء گفتار امامان معصوم (ع ) و دستورها و آموزشهاى قولى آنان كه روش درست كردارى را به ما مى آموزد**

**يكى از منابع معتبر فقهى است كه در كتب روايى جمع آورى شده است .**

**11**

**فعل معصوم**

**از آنجا كه ائمهء معصوم (ع ) از هر خطا و اشتباهى در امان هستند ؛كردار آنان نيز مانند گفتارشان مى تواند ملاك عمل براى ما باشد ،كه اين دسته نيز در كتب تاريخى و روايى با عنوان <<سيرهء عملى معصومين >> آمده است .**

**12**

**تقرير معصوم**

**چون نهى از منكر و بازداشتن افراد جامعه از كار خلاف و اشتباه (در غير موارد تقيّه ) از وظايف پيشوايان معصوم (ع ) است**

**از اين رو در مواردى كه فرد يا افرادى در حضور معصوم (ع ) عملى را انجام داده باشند در حالى كه تقيه اى در كار نبوده**

**و معصوم (ع ) آن عمل را تاييدكرده يا لااقل از آن نهى نكرده باشد به عنوان عملى مورد امضا و تقرير ايشان مى تواند ملاك ديگرى براى عمل و منبعى براى استنباط فقه باشد.**

**13**

**عقل و اجماع**

**اگر براى حكمى از احكام دليلى از قرآن و سنّت نيابيم آنچه كه عقل بشرى بدان حكم كند و يا فقهاى شيعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند كه حاكى از رضايت معصوم (ع ) باشد مى توان مطابق آن فتوا داد و وظيفه مكلفين را مشخص كرد.**

**14**

**مرجع تقليد و شرايط آن**

**به مجتهدى كه ديگران از او تقليد مى كنند «مرجع تقليد» گويند. مرجع تقليد بايد داراى اين شرايط باشد:**

**اجتهاد - عقل - بلوغ - عدالت - مرد بودن - زنده بودن – حلال زادگى - شيعهء دوازده امامى بودن - و بنابر احتياط واجب اعلم بوده و حريص به دنيا نباشد.(1)**

**عادل به كسى گويند كه داراى قوّهء عدالت باشد. و عدالت حالتى نفسانى است كه انسان را به تقوا واداشته و از ارتكاب گناهان كبيره و اصرار بر گناهان صغيره باز مى دارد.)(2)**

**اعلم كسى است كه قواعد و مدارك مسأله را بهتر بشناسد و بر نظاير آن مسأله و اخبار اطلاع بيشتر داشته باشد و همچنين اخبار را بهتر بفهمد. به طور خلاصه اعلم كسى است كه در استنباط احكام از ديگران استادتر باشد.(3)**

**تقليد ابتدايى از مجتهد مرده جايز نيست ; يعنى كسى كه اكنون مكلّف شده يا تاكنون تقليد نكرده نمى تواند از مجتهدى كه از دنيا رفته است تقليد كند. بلكه بايد مقلّد مجتهد زنده باشد. (4)**

**1ـ توضيح المسائل م 2**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 فى فروع التقليد ص 10 م 28**

**3ـ همان ص 7 م 13**

**4ـ همان ص 7 م 13**

**16**

**بقاء بر تقليد از ميت**

**1- بقاى بر تقليد ميت اشكال ندارد يعنى كسى كه در زمان حيات مجتهدى به فتاوايش يا بعضى از آنها عمل كرده باشد مى تواند بر تقليد او باقى بماند حتى در مسائلى كه در زمان حيات آن مجتهد به آنها عمل نكرده نيز مى تواند از وى تقليد كند; مثلاً در زمان حيات او به حج نرفته و اكنون پس از مرگ او به حج مى رود مى تواند مناسك حج را مطابق فتواى او عمل كند.(1)**

**2- بقاى بر تقليد ميّت بايد با اجازهء مجتهد زنده باشد; يعنى چنانچه به فتواى مجتهد زنده بقاى بر تقليد ميت جايز باشد مى تواند همچنان از او تقليد كند.(2)**

**3- كسى كه بر تقليد ميّت باقى مانده است در مسائلى كه ميّت فتوا نداده و همچنين در مسائل جديد بايد از مجتهد زنده تقليد كند.(3)**

**1- تحرير الوسيله جلد 1 فى فروع التقليد ص 7 م 13**

**2- همان ص 7 م 13**

**3- ـ استفتاآت ج 1 ص 12 س 17**

**17**

**راههاى تشخيص اجتهاد و اعلميّت مرجع تقليد**

**الف : آزمودن و شناخت شخصى در صورتى كه خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخيص دهد.**

**ب : شهرتى كه مفيد علم باشد; يعنى بين اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلميّت مشهور باشد كه موجب علم به اجتهاد يا اعلميّت آن فرد باشد.**

**ج : گواهى دو نفر عادلِ اهل خبره به شرط آن كه دو نفر عالم عادل ديگر با گفتهء آنان مخالفت نكنند. افرادى كه صلاحيت علمى تشخيص اجتهاد و اعلميّت را دارا باشند(1).**

**1 بر مكلّف واجب است كه جهت شناختن مجتهد اعلم جستجو و تفحّص كند.(2)**

**2 چنانچه دو يا چند مجتهد از نظر علمى با هم مساوى باشند شخص مقلّد مخيّر است به هر كدام از آنان كه بخواهد رجوع كند. همچنانكه مى تواند بعضى از مسائل را از يكى و بعضى ديگر را از ديگرى تقليد كند(3).**

**3 اگر دو مجتهد هر يك در بخشى از احكام اعلم باشند مثلاً يكى در احكام عبادات اعلم است و ديگرى در معاملات مكلّف بايد بنابر احتياط واجب در هر بخش از اعلم تقليد كند.(4)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 8 م 19**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 فى فروع التقليد ص 6 م 5**

**3ـ تحرير الوسيله ج 1 ص 6 م 8**

**4ـ العروة الوثقى ج 1 فى التقليد ص 16 م 47**

**19**

**تغيير دادن مرجع تقليد**

**عدول از غير اعلم به اعلم بنابر احتياط واجب است . عدول از مساوى به مساوى هستند جايز نيست در صورتى كه به فتواى آن مجتهد عمل كرده باشد. عدول از اعلم به غير اعلم جايز نيست . عدول از مجتهدى كه مدتى از او تقليد مى كرده و اكنون معلوم شده است كه اهليّت فتوى نداشته واجب است . عدول از مجتهدى كه يكى از شرايط مرجعيّت را از دست داده ; مثلاً ديوانه شده يا فراموشى به او دست داده به مجتهد جامع الشرايط: واجب است .**

**عدول از مجتهدى كه تاكنون از او تقليد مى كرده و اكنون از دنيا رفته است به مجتهد زنده : جايز بلكه احتياط مستحب است .**

**عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده : بنابر احتياط واجب جايز نيست . هر چند قبلاً از او تقليد مى كرده و پس از مرگ وى به مجتهد زنده رجوع كرده است(1)**

**1ـ تحريرالوسيله**

**ج 1 ص 6ـ 7ـ 8 م 4 5 12 13و 18 العروة الوثقى**

**ج 1 ص 12و 13 م 33و 37**

**20**

**راههاى بدست آوردن فتواى مجتهد**

**شنيدن از خود مجتهد. شنيدن از دو يا يك نفر عادل . شنيدن از يك نفر مورد اطمينان . ديدن در رسالهء مجتهد كه اشتباه نداشته باشد.(1) چند مسأله :**

**1 فراگرفتن مسائل شك و سهو و غير اينها از مسائلى كه غالباً مورد احتياج مكلّف است واجب مى باشد مگر در جايى كه اطمينان دارد مسأله اى برايش پيش نمى آيد.(2)**

**2 اگر دو نفر بر خلاف يكديگر فتواى مجتهد را نقل كنند: گفته هيچكدام قبول نيست .ته ء**

**3 اگر آنچه در رسالهء مجتهد نوشته شده با آنچه كه ديگرى نقل مى كند سازگار نيست : در صورتى كه رساله اشتباه نداشته باشد**

**آنچه در رساله است معتبر مى باشد. مگر آنكه مسأله گو بگويد كه مجتهد از رأى خود كه در رساله است عدول كرده .**

**4 اگر مسأله اى در يكى از رساله هاى مجتهد به گونه اى است و در رساله اى ديگر به گونه اى ديگر: رساله اى كه تاريخ نوشتن آن (توسط مجتهد) متأخر است مقدم مى باشد. (مانند موارد اختلاف تحريرالوسيله با رسالهء توضيح المسائل امام خمينى قدس سرّه كه آنچه در تحريرالوسيله آمده مقدم است .**

**5 اگر مسأله گو در بيان فتواى مجتهد اشتباه كند (مسأله اى را اشتباه بگويد) واجب است به آنها كه از او ياد گرفته اند اطلاع داده و رفع اشتباه كند.(3)**

**6 اگر شخصى فتواى مجتهد را براى ديگرى بگويد سپس فتواى مجتهد در آن مساله عوض شود بر آن فرد واجب نيست به كسى كه از او مسأله شنيده است تغيير فتوى را اطلاع دهد گرچه احتياط مستحب است(4) .**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 8 م 21**

**2ـ همان ص 9 م 23**

**3ـ استفتاآت ج 1 ص 18 س 42و العروة الوثقى ج 1 فى التقليد ص 20 م 59**

**4ـ العروة الوثقى ج 1 كتاب فى التقليد ص 16 م 48**

**5ـ العروة الوثقى ج 1 ص 20 م 58**

**22**

**حكم عمل بدون تقليد**

**وظيفهء كسى كه بدون تقليد عمل كرده يا تقليدش صحيح نبوده**

**1 كسى كه مدتى اعمال خود را بدون تقليد انجام داده**

**در صورتى كه بفهمد:**

**ـ به وظيفهء واقعى خود عمل كرده ; مثلاً بعداً مجتهد شود و وظيفهء واقعى خود را بفهمد.**

**ـ يا عمل او با فتواى مجتهدى كه وظيفه اش تقليد از او بوده مطابق بوده است .**

**ـ يا با فتواى مجتهدى كه هم اكنون بايد از او تقليد كند مطابق است .**

**در تمام اين صور اعمال گذشته اش صحيح است(1) .**

**2 اگر مكلّف زمانى از كسى تقليد كرده كه جامع شرايط نبوده ; مانند كسى است كه بدون تقليد عمل كرده است(2)**

**3 اگر مكلّف بفهمد مدتى از زمان را بدون تقليد عمل كرده و مقدار آن را نداند ولى كيفيت آن را مى داند**

**با شرايطى كه در مسأله 1گذشت**

**اعمال قبلى صحيح است و گرنه حداقل مقدارى كه يقين دارد باطل بوده بايد قضا كند.(3)**

**4 اگر در صحت تقليد گذشتهء خود شك كند**

**بنا را بر صحت مى گذارد(4).**

**5 اگر بدون اجازهء مجتهد زنده بر تقليد ميّت باقى مانده باشد مانند كسى است كه بدون تقليد عمل مى كند(5)**

**1ـ توضيح المسائل م 14**

**2ـ العروة الوثقى فى التقليد ج 1 ص 10 م 25**

**3 ـ همان ص 14 م 40**

**4 ـ همان ص 14 م 41**

**5 ـ همان ص 17 م 52**

**23**

**احتياط**

**احتياط در اصطلاح فقه عبارت است از عمل كردن به احكام به گونه اى كه يقين داشته باشد به وظيفه اش عمل كرده است .**

**1- عمل به احتياط براى هر فردى (مجتهد يا غيرمجتهد) جايز است ولى بايد موارد احتياط را بشناسد و كمتر افرادى اين موارد را مى شناسند چون شناخت آنها كار دشوارى است و مستلزم اطلاع كامل بر كيفيّت آن است .(1)**

**2- عمل به احتياط**

**گاهى موجب تكرار عمل است و گاهى موجب تكرار نيست(2) .**

**مثال اوّل : شخصى كه نمى داند وظيفه اش نماز تمام است يا شكسته اگر بخواهد به احتياط عمل كند بايد نماز را هم تمام بجا آورد و هم شكسته .**

**مثال دوّم : شخصى كه نمى داند اذان و اقامه براى نماز واجب است يا مستحب اگر بخواهد به احتياط عمل كند بايد آن را بجا آورد.**

**3 اگر مكلّف بداند عملى حرام نمى باشد ولى نمى داند واجب است يا مستحب يا مكروه يا مباح مى تواند به اميد مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد.(3)**

**4 اگر مكلّف بداند عملى واجب نيست ولى نمى داند حرام است يا مكروه يا مستحب يا مباح مى تواند آن عمل را ترك كند. چون احتمال مبغوض بودن آن وجود دارد(4).**

**1 ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 5ـ العروة الوثقى ج 1 ص 3 م 2**

**2 ـ الفتاوى الواضحه ج 1 ص 118 تحريرالوسيله ج 1 ص 5 م 1**

**3 ـ العروة الوثقى ج 1 ص 11 م 30**

**4 ـ همان .**

**25**

**فرق بين احتياط واجب و احتياط مستحب**

**كليّهء احتياطهايى كه در رساله ها آمده است يا وجوبى است يا استحبابى و تفاوت بين آنها از دو جهت است :**

**يكى در مقام شناخت و تشخيص كه احتياط از كدام قسم است و ديگرى در مقام عمل كه وظيفهء مكلف نسبت به هر يك از آنها چيست ؟**

**تفاوت اوّل : احتياط واجب ,احتياط بدون فتواست .**

**احتياط مستحب ،احتياط همراه با فتواست .**

**اگر مجتهد در مساله اى فتوا داده و احتياط نيز داشته باشد اين احتياط مستحب است . و اگر مجتهد در مسأله اى فتوا نداده و از ابتدا احتياط كرده باشد ،احتياط واجب است كه به آن «احتياط مطلق » هم مى گويند.(1)**

**مثال احتياط مستحب : «در غسل ارتماسى اگر به نيّت غسل ارتماسى به تدريج در آب فرو رود تا تمام بدن زير آب قرار گيرد غسل او صحيح است و احتياط آن است كه يك دفعه زير آب رود(2).**

**مثال احتياط واجب : اگر نذر كند كه به فقير معينى صدقه بدهد نمى تواند آن را به فقير ديگرى بدهد و اگر آن فقير بميرد**

**بنابر احتياط بايد به ورثهء او بدهد.(3)**

**تفاوت دوّم : در احتياط مستحب ،مقلّد بايد به همان احتياط عمل كند يا به فتواى همراه آن و نمى تواند در آن مسأله به مجتهد ديگر رجوع كند. و در احتياط واجب مقلّد مى تواند به همان احتياط عمل كند يا به فتواى مجتهد ديگرى كه پس از آن مجتهد از ديگران اعلم است مراجعه كند(4).**

**1 ـ العروة الوثقى ج 1 ص 23 م 64**

**2 ـ توضيح المسائل م 367**

**3 ـ توضيح المسائل م 2659**

**4 ـ توضيح المسائل م 7**

**26**

**حكم و فتوا و فرق آن دو**

**ائمه معصوم (ع ) پس از پيامبر (ص ) و به هنگام حضور ظاهرى دو وظيفهء مهم امامت را بر عهده داشته اند كه طبق روايات و ديگر منابع فقهى در زمان غيبت آنها بر عهدهء فقهاى جامع الشرايط نهاده شده است :**

**1 بيان فتوا و ابلاغ احكام الهى به مردم .**

**2 رهبرى و مديريت جامعهء انسانى و اجراى احكام دينى .**

**اختلاف در بيان فتوا و وجود مراجع فتوايى متعدد مشكل زيادى در جامعه پديد نمى آورد همچنانكه در ادوار مختلف تاريخ تشيع**

**پس از غيبت حضرت ولى عصر (ع ) اين امر وجود داشته است ولى تشتت و دو گانگى در احكام اجرايى و دستورات حكومتى به خصوص اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دو دستگى در جامعه خواهد شد**

**حال پرسش اين است كه فرق اين دو چيست و قلمرو هر يك كدام است و در مورد تعارض فتواى مرجع تقليد با حكم حاكم (ولى فقيه ) وظيفهء مردم چيست ؟**

**«فتوا» در اصطلاح فقها بيان حكم خداست به وسيلهء فقيه . و فقيه كسى است كه نسبت به حكمى كه از منابع فقهى استنباط كرده اظهار نظر مى كند. مثل اين بيان كه :**

**ـ در ركعت سوم و چهارم نماز تسبيحات را يك مرتبه خواندن كافى است .**

**ـ اگر روزه گرفتن براى بدن ضرر داشته باشد صحيح نيست .**

**ـ در صورتى كه خريدار در معامله گول خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...**

**«حكم حاكم» دستور به اجراى يك حكم شرعى و تعيين مصداق و يا موضوع و يا وقت و مكان اجراى حكم شرعى و نيز الزام بر انجام يا ترك كارى به خاطر مصلحت است ; مانند:**

**ـ دستور به اين كه : فلان روز اوّل ماه است .**

**ـ حكم به دريافت زكات يا خمس با شرايطى ويژه (در زمان يا مكان و يا مورد خاص ).**

**ـ فروش اموال محتكر و قيمت گذارى آن بدون اجازه از صاحبش .**

**ـ تعيين و تقسيم و مصرف انفال و اموال عمومى .**

**27**

**ـ اقامهء حدود و تعزيرات .**

**28**

**اختلاف فتوا با حكم**

**تقديم حكم حاكم بر فتواى مرجع تقليد در صورتى كه فتواى مرجع تقليد و حكم فقيه حاكم خلاف يكديگر باشد به يقين حكم ولى فقيه مقدم و مخالفت با آن حرام است ; مثل آن كه مجتهدى فتوا دهد احتكار در غير طعام اشكال ندارد ولى فقيه حاكم با توجه به مشكلات اقتصادى جامعه حكم كند كه احتكار هر گونه كالاى مورد نياز جامعه حرام است . در اينجا دستور ولى فقيه اجرا مى شود و بر مقلدان آن مرجع نيز تبعيت لازم است ..**

**مرحوم شيخ محمدحسن نجفى (قدس سره ) صاحب جواهر در بحث احتكار چنين مى نويسد:**

**«اگر محتكر خود مجتهد باشد مجتهد حاكم مى تواند او را به فروش كالاى احتكار شده يا فروش به قيمت معينى وادار كند هر چند حاكم نسبت به مجتهد محتكر از نظر علمى پايين تر باشد». (جواهر الكلام ج 22 ص 487.**

**در فتاواى فقهاى بزرگ آمده است : نقض حكم حاكم جامع الشرايط جايز نيست حتى براى ساير مجتهدان مگر در جايى كه اشتباهش روشن باشد .(1)**

**1 ـ العروة الوثقى ج 1 ص 57**

**3**

**كارهاى وضو**

**نمازگزار بايد قبل از نماز «وضو» بگيرد و خود را براى انجام اين عبادت بزرگ آماده كند.**

**31**

**كارهاى وضو(1)**

**1- شستن :**

**الف ـ صورت : از جائى كه موى سر روييده تا آخر چانه (طول ) و از پهنا فاصله بين شست و انگشت ميانه كه بر صورت قرار گيرد (عرض ).**

**ب ـ دست راست : از آرنج تا نوك انگشتان .**

**ج ـ دست چپ : از آرنج تا نوك انگشتان .**

**2- مسح :**

**الف ـ سر: قسمت جلوى آن كه بالاى پيشانى است .**

**ب ـ پاى راست : روى پا از نوك انگشت تا برآمدگى .**

**ج ـ پاى چپ : روى پا از نوك انگشت تا برآمدگى .**

**1- تحرير الوسيله ـ ج 1 فصل فى الوضو ص 21و 23 م 1و 3و 12**

**32**

**احكام وضو**

**33**

**شستن صورت و دستها**

**1- بنابر احتياط واجب بايد صورت و دستها را از بالا به پايين شست و اگر از پايين به بالا بشويد وضو باطل است .(1)**

**2- اگر صورت يا دست كسى كوچكتر از صورت و دست معمولى باشد يا بر پيشانى او مو روييده يا جلوى سر او مو ندارد**

**بايد همان مقدارى كه مردمان معمولى مى شويند ؛ بشويد.(2)**

**3- اگر صورت و دست كسى هر دو برخلاف معمول باشد ولى متناسب با هم است .لازم نيست ملاحظهء معمول را بنمايد بلكه بايد همانگونه كه در اعمال وضو بيان شد ،وضو بگيرد.(3)**

**4- اگر پوست صورت از لاى موها (ريش ـ ابرو) پيدا باشد ، بايد آب را به پوست برساند و اگر پيدا نباشد ،شستن مو كافى است و رساندن آب به زير مو لازم نيست .(4)**

**5- اگر شك كند كه پوست صورت از لاى مو پيداست يا نه ؟ بنابر احتياط واجب بايد مو را بشويد و آب را به پوست هم برساند.(5)**

**6- شستن داخل بينى و دهان و مقدارى از لب و چشم كه هنگام بستن ديده نمى شود ،واجب نيست . ولى براى آن كه يقين كند از جاهايى كه بايد شسته شود چيزى باقى نمانده ،واجب است مقدارى از آنها را هم بشويد.(6)**

**7- پوست يا گوشتى كه از اعضاى وضو بريده شده ـ اگر كاملاً قطع شده باشد بايد زير آن (جاى آن ) شسته شود ـ و در صورتى كه به عضو متصل است بايد آنهم شسته شود و هر مقدار از جاى آن كه ظاهر شده بشويد.(7)**

**8- تاولهايى كه مثلاً بر اثر سوختگى بر پوست ظاهر شده تا زمانى كه باقى است شستن ظاهر (روى ) آن كافى است هر چند پوستهء آن سوراخ شده باشد و چنانچه قسمتى از آن كنده شده شستن همان مقدارى از پوست كه ظاهر شده كافى است وكندن مابقى يا رساندن آب به زير آن لازم نيست ولى اگر به گونه اى است كه پوست گاهى بر بدن مى چسبد و گاه جدا مى شود بايد زير آن هم شسته شود.(8)**

**34**

**9- پوسته اى كه در حال بهبودى زخم روى آن بسته شده و مانند پوست بدن مى باشد كندن آن لازم نيست و شستن ظاهر آن كافى است . هر چند كندن آن راحت باشد امّا دوايى كه بر زخم خشكيده است اگر برداشتن آن راحت است بايد بردارد و اگر برداشتن آن ممكن نيست حكم جبيره را دارد كه به تفصيل در احكام وضوى جبيره اى خواهد آمد.(9)**

**10- شستن اعضاى وضو:**

**بار اوّل : واجب**

**بار دوّم : جايز**

**بار سوّم : بدعت و حرام(10)**

**11- مقصود از شستن آب ريختن نيست بلكه شستن كامل است ; يعنى اگر يكبار بطور كامل به نيّت وضو تمام صورت يا دست را بشويد و بار ديگر هم بطور كامل بشويد بار سوّم آن حرام مى باشد. بنابراين اگر چندين مرتبه هم آب بريزد ولى به تمام جاهاى عضو نرسد يكبارمحسوب نمى شود. و اگر با يكبار ريختن يا يكبار فرو بردن در آب تمام عضو را فراگيرد. يك بار شستن به حساب مى آيد.(11)**

**12- سه بار شستن اعضاى وضو (به نيت وضو) علاوه بر آنكه بدعت و حرام است گاهى اوقات موجب بطلان وضو هم مى شود و آن در صورتى است كه آب مسح از آب شستن سوّم باشد چون مسح بايد با آب وضو انجام شود.(12)**

**35**

**مسح سر**

**1- جاى مسح : يك قسمت از چهار قسمت سر كه بالاى پيشانى است (جلوى سر).**

**2- مقدار واجب مسح : هر قدر باشد كافى است (به مقدارى كه اگر كسى ببيند بگويد مسح كرد).**

**3- احتياط مستحب : به پهناى سه انگشت بسته و طول يك انگشت .**

**4- مسح با دست چپ : جايز است .**

**5- لازم نيست مسح بر پوست سر باشد بلكه بر موى جلوى سر هم صحيح است مگر موى سر انسان به قدرى بلند باشد كه هنگام شانه زدن به صورتش بريزد كه بايد پوست سر يا قسمت پايين (بيخ ) مو را مسح نمايد.**

**6- مسح بر موى جاهاى ديگر سر صحيح نيست هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.**

**7- مسح سر لازم نيست از بالا به پايين باشد.(13)**

**36**

**مسح پا**

**1- جاى مسح : روى پا است .**

**2- مقدار واجب مسح : طول ; از سرانگشت تا برآمدگى روى پا. عرض ; هر اندازه باشد كافى است هر چند به قدر يك انگشت باشد.**

**3- احتياط مستحب آن : همه روى پا.**

**4- پاى راست را بايد قبل از پاى چپ مسح كند ولى لازم نيست پاى راست را با دست راست و پاى چپ را با دست چپ مسح كند.(14)**

**37**

**مسائل مشترك مسح سر و پا**

**1- در مسح بايد دست را بر سر و پاها بكشد و اگر دست را نگه دارد و سر يا پا را به آن بكشد وضو باطل است ولى اگر موقعى كه دست را مى كشد سر يا پا مختصرى حركت كند اشكال ندارد.(15)**

**2- اگر براى مسح رطوبتى در كف دست نمانده باشد نمى تواند دست را با آب خارج تر كند بلكه بايد از اعضاى ديگرِ وضو رطوبت بگيرد و با آن مسح كند.(16)**

**3- رطوبت دست بايد بقدرى باشد كه بر سر و پا اثر بگذارد.(17)**

**4- اگر رطوبت كف دست به اندازهء مسح سر باشد مى تواند سر را با همان رطوبت مسح كند و براى مسح پاها از اعضاى ديگر وضو رطوبت بگيرد.(18)**

**5- محل مسح (سر و روى پاها) بايد خشك باشد بنابراين اگر جاى مسح تر باشد بايد آن را خشك كرد ولى اگر رطوبت آن بقدرى كم باشد كه مانع از تاءثير رطوبت دست بر آن نباشد مانع ندارد.(19)**

**6- بين دست و سر يا پاها بايد چيزى مانند چادر و كلاه يا جوراب و كفش فاصله نباشد. هر چند بسيار رقيق و نازك باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچارى ).(20)**

**7- محل مسح بايد پاك باشد پس اگر نجس است و نمى تواند آن را آب بكشد بايد تيمم كند.(21)**

**1- توضيح المسائل ـ م 243**

**2- همان م 238**

**3- همان .**

**4- همان م 240**

**5- توضيح المسائل م 241**

**6- توضيح المسائل م 242**

**7- العروْ الوثقى ج 1 فصل فى افعال الوضوء ص 205 م 14**

**8- العروْ الوثقى ج 1 ص 206 م 16**

**9- همان م 17**

**10- توضيح المسائل م 248**

**11- استفتائات ج 1 ص 34 ص 35**

**12- توضيح المسائل م 248و استفتاآت ج 1 ص 34و 35**

**13- توضيح المسائل م 249و 250و 251و تحريرالوسيله ج 1 فصل فى الوضوء ص 23 م 12و 13و 14**

**14- العروْ الوثقى ج 1 فصل فى افعال الوضوء ص 210**

**15- توضيح المسائل م 255**

**16- توضيح المسائل م 257**

**17- العروْ الوثقى ج 1 فصل فى افعال الوضو ص 212 م 26**

**18- توضيح المسائل م 258**

**19- العروْ الوثقى ج 1 ص 212 م 26**

**20- همان م 27**

**21- توضيح المسائل ـ م 260**

**39**

**وضوى ارتماسى**

**1- وضوى ارتماسى آن است كه انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد يا آنها را در آب فرو برده و به قصد وضو بيرون آورد.(1)**

**2- چون در وضوى ارتماسى نيز بايد ترتيب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پايين شسته شود بنابراين وضوى ارتماسى به گونه هاى زير انجام مى شود: به قصد وضو صورت را از پيشانى يا دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعى كه آنها را از آب بيرون مى آورد و ريزش آب تمام مى شود به نيّت وضو باشد. چون آبى كه بر دست مى ماند و در مسح بكار مى رود بايد آب وضو باشد. بدون قصد وضو صورت يا دست را در آب فرو برد و به قصد وضو بيرون آورد كه صورت را بايد ابتدا از پيشانى بيرون آورد و دستها را از آرنج(2) .**

**3- اگر بعضى از اعضاى وضو را ارتماسى و بعضى را غير ارتماسى انجام دهد اشكال ندارد.(3)**

**1- توضيح المسائل م 261**

**2- توضيح المسائل م 261و 262**

**3- ـ همان م 263**

**40**

**چگونگى وضوى افرادى كه دست يا پايشان قطع شده(1)**

**41**

**1- قطع دست :**

**الف ـ يك دست :**

**1- پايين تر از آرنج قطع شده : ــ قسمت باقيمانده را بايد بشويد**

**2- از آرنج يا بالاتر قطع شده : ــ شستن آن دست ساقط است و مسح سر و پاها را با دست سالم انجام دهد.**

**ب ـ هر دو دست :**

**1- هر دو پايين تر از آرنج قطع شده : قسمتهاى باقيمانده بايد شسته شود ،مسح سر و پاها را اگر مى تواند با باقيمانده دست انجام مى دهد و گرنه نائب مى گيرد.**

**2- هر دو از آرنج يا بالاتر قطع شده : شستن دستها ساقط است صورت را شسته (ارتماسى يا غير ارتماسى ) و براى مسح نايب مى گيرد.**

**3- يكى بالاتر و ديگرى پايين تر از آرنج قطع شده :**

**قسمت باقيمانده را بايد بشويد و مسح را با همان باقيمانده انجام دهد يا نائب بگيرد.**

**42**

**2- قطع پا:**

**الف ـ يك پا:**

**1- پايين تر از برآمدگىِ روى پا قطع شده : مقدار باقيمانده بايد مسح شود.**

**2- بالاتر از برآمدگى قطع شده : مسح پاى قطع شده ساقط است .**

**ب ـ هر دو پا:**

**1- هر دو پايين تر از برآمدگى قطع شده : قسمتهاى باقيمانده بايد مسح شود.**

**2- هر دو بالاتر از برآمدگى قطع شده : مسح پاها ساقط است و وضوى چنين فردى عبارت است از شستن صورت و دستها و مسح سر.**

**3- يكى بالاتر و ديگرى پايين تر از برآمدگى قطع شده : قسمت باقيمانده بايد مسح شود و مسح پاى ديگر ساقطاست .**

**43**

**3 قطع دست و پا:**

**1- چيزى از اعضاى وضو در دست و پا باقى نمانده (دستها بالاتر از آرنج و پاها بالاتر از برآمدگى قطع شده ):جشستن دستها و مسح پاها ساقط است و چنين فردى بايد صورت را شسته و براى مسح سر نايب بگيرد.**

**2- چيزى از اعضاى وضو در دست يا پا و يا هر دو باقى است : قسمتهاى باقيمانده در دست بايد شسته وخقسمتهاى باقيمانده در پا مسح شود و در مواردى كه خود نمى تواند اعمال وضو را انجام دهد بايد نايب بگيرد.**

**1ـ العروة الوثقى ج 1 ص 204 الثانى ; استفتائات ج 1 ص 29 30و 31 س 20تا 24و 26**

**45**

**شرايط وضو**

**با شرايطى كه خواهد آمد وضو صحيح است و با از بين رفتن هر يك از آنها وضو باطل است .**

**46**

**شرايط وضو(1):**

**1- شرايط آب و ظرف وضو:**

**الف ـ آب وضو پاك باشد (نجس نباشد).**

**ب ـ آب وضو مباح باشد (غصبى نباشد).**

**ج ـ آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).**

**د ـ ظرف آب وضو مباح باشد.**

**ز ـ ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.**

**2- شرايط اعضاى وضو:**

**الف ـ پاك باشد.**

**ب ـ مانعى از رسيدن آب در آن نباشد**

**3- شرايط كيفيت وضو:**

**الف ـ رعايت ترتيب (به همان ترتيب كه در اعمال وضو گذشت ).**

**ب ـ رعايت موالات (بين اعمال وضو فاصله نيفتد).**

**ج ـ شخصاً انجام دهد (از ديگرى كمك نگيرد).**

**4- شرايط وضو گيرنده :**

**الف ـ استعمال آب براى او مانعى نداشته باشد.ب ـ با قصد قربت وضو بگيرد (ريا نكند).**

**1ـ توضيح المسائل شرايط صحيح بودن وضو.**

**47**

**برخى از دعاهاى وضو**

**مستحب است هنگام شستن صورت بگويد:**

**اللّهم بيّض وجهى يوم تسودّ فيه الوجوه و لا تسوّد وجهى يوم تبيضّ فيه الوجوه >> و در وقت شستن دست راست بخواند: <<اللّهمّ اعطنى كتابى بيمينى و الخلد فى الجنان بيسارى و حاسبنى حساباً يسيراً>> و موقع شستن دست چپ بگويد: <<اللّهمّ لا تعطنى كتابى بشمالى و لا من وراءظهرى و لا تجعلها مغلولة اًّلى عنقى و اءعوذبك من مقطّعات النّيران >> و موقعى كه سر را مسح مى كند بگويد: <<اللّهمّ غشّنى برحمتك و بركاتك و عفوك >> و در وقت مسح پا بخواند: <<اللّهمّ ثبّتنى على الصّراط يوم تزلّ فيه الاءقدام واجعل سعيى فى ما يرضيك عنّى يا ذا الجلال و الاًّكرام . (1)**

**1- توضيح المسائل م 264**

**49**

**احكام شرايط وضو**

**50**

**شرايط آب وضو**

**1- وضو با آب نجس و مضاف باطل است خواه بداند آن آب نجس يا مضاف است يا نداند يا فراموش كرده باشد.(1)**

**2- آب وضو بايد مباح باشد بنابراين در موارد زير وضو باطل است :**

**-- وضو گرفتن با آبى كه صاحب آن راضى نيست (راضى نبودن او معلوم است ).**

**-- آبى كه معلوم نيست صاحب آن راضى است يا نه .**

**-- آبى كه وقف افراد خاصى است ; مانند حوض برخى از مدارس و وضوخانهء بعضى از هتلها و مسافرخانه ها و...(2)**

**3- وضو گرفتن از نهرهاى بزرگ**

**گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضى هستند يا نه اشكال ندارد امّا اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگيرى كنند احتياط واجب آن است كه وضو نگيرد.(3)**

**51**

**شرايط اعضاى وضو**

**1- اعضاى وضو در موقع شستن و مسح بايد پاك باشد.(4)**

**2- اگر در بين وضو جايى را كه شسته يا مسح كرده نجس شود وضو صحيح است ; مثلاً مشغول شستن دستها است صورت وى نجس شود.(5)**

**3- اگر غير اعضاى وضو جايى از بدن نجس باشد وضو صحيح است ولى اگر مخرج بول يا غايط را تطهير نكرده بهتر آن است كه اوّل آن را تطهير كند بعد وضو بگيرد.(6)**

**4- اگر زير ناخن چرك باشد وضو اشكال ندارد ولى اگر ناخن بيشتر از معمول بلند باشد بايد چرك زير آن مقدار را برطرف كند.(7)**

**5- چرك بدن اگر مانع رسيدن آب به اعضاى وضو نباشد وضو اشكال ندارد.(8)**

**6- اگر پس از گچ كارى و مانند آن چيز سفيدى كه از رسيدن آب به پوست جلوگيرى نمى كند بر دست بماند يا ظاهر شود اشكالى ندارد ولى اگر مانع رسيدن آب مى باشد يا شك دارد كه با بودن آنها آب به پوست مى رسد يا نه بايد آنها را برطرف كند.(9)**

**7- اگر چيزى بر اعضاى وضو باشد (اعضاى شستن ) كه از رسيدن آب به آن جلوگيرى كند براى وضو بايد برطرف شود ولى بر اعضاى مسح هر چند از رسيدن آب جلوگيرى نكند براى وضو بايد برطرف شود.(10)**

**8- خطوط قلم خودكار و لكه هاى رنگ و چربى و كِرم در صورتى كه رنگ بدون جِرم باشد مانع وضو نيست ولى اگر جِرم داشته باشد (روى پوست را گرفته ) بايد برطرف شود.(11)**

**9- خال كوبيهايى كه زير پوست قرار دارد (جوهر است ) و مانع از رسيدن آب به پوست نمى باشد براى وضو اشكال ندارد.(12)**

**52**

**شرايط كيفيّت وضو**

**53**

**1 ترتيب (13)**

**كارهاى وضو بايد بدين ترتيب انجام شود:**

**شستن صورت**

**شستن دست راست**

**شستن دست چپ**

**مسح سر**

**مسح پاى راست**

**مسح پاى چپ**

**اگر ترتيب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است ،حتى اگر پاى چپ و راست را همزمان مسح كند.**

**54**

**2 مُوالات**

**1- موالات ; يعنى پشت سر هم انجام دادن و فاصله نينداختن بين اعمال وضو.**

**2- اگر بين كارهاى وضو به قدرى فاصله شود كه وقتى مى خواهد جايى را بشويد يا مسح كند رطوبت جاهايى كه پيش از آن شسته يا مسح كرده خشك شده باشد وضو باطل است ولى اگر فقط رطوبت جايى كه جلوتر از محلى است كه مى خواهد بشويد يا مسح كند خشك شده باشد وضويش صحيح است (14).**

**3- راه رفتن بين وضو اشكال ندارد پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود جبه قدرى كه موالات به هم نخورد و بعد سر و پا را مسح كند وضوى او صحيح است (15).**

**55**

**3 از ديگران كمك نگيرد**

**1- كسى كه مى تواند اعمال وضو را انجام دهد نبايد از ديگرى كمك بگيرد پس اگر شخص ديگرى صورت و دست او را بشويد يا مسح او را انجام دهد وضو باطل است ولى اگر شخص ديگرى آب را در دست وى بريزد و وضو گيرنده خودش آن را بر اعضاء مى ريزد ومى شويد وضو باطل نيست ولى اينگونه كمك گرفتن مكروه است .(16)**

**2- كسى كه نمى تواند وضو بگيرد بايد نايب بگيرد كه او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتى كه بتواند بايد بدهد ولى خود او بايد نيّت وضو كند.(17)**

**3- كسى كه در وضو از ديگرى كمك مى گيرد هر كدام از كارهاى وضو را كه مى تواند به تنهايى انجام دهد نبايد در آن عمل كمك بگيرد.(18)**

**4- كسى كه ديگرى را وضو مى دهد در مسح بايد دست او را بر سر و پاهايش بكشد مگر آن كه ممكن نباشد كه در آن صورت بايد از دست او رطوبت بگيرد و با دست خود مسح او را انجام مى دهد و چنانچه ممكن است بنابر احتياط واجب تيمم هم بنمايد.(19)**

**56**

**شرايط وضو گيرنده**

**1- كسى كه مى داند اگر وضو بگيرد مريض مى شود يا مى ترسد كه مريض شود بايد تيمم كند و اگر وضو بگيرد باطل است . ولى اگر نداند كه آب براى او ضرر دارد و وضو بگيرد و بعد بفهمد كه ضرر داشته وضويش صحيح است .(20)**

**2- وضو بايد به قصد قربت انجام شود يعنى براى انجام فرمان خداوند عالم وضو بگيرد.(21)**

**3- لازم نيست نيّت را به زبان آورد يا از قلب خود بگذراند بلكه همين مقدار كه مى داند وضو مى گيرد كافى است به طورى كه اگر از او بپرسند چه مى كنى ؟ بگويد: وضو مى گيرم .(22)**

**4- در وضو قصد قربت كافى است و لازم نيست نيّت وجوب يا استحباب كند; يعنى لازم نيست نيّت كند وضوى واجب است يا مستحب .(23)**

**57**

**دو مساءله :**

**1- اگر وقت نماز به قدرى تنگ است كه اگر وضو بگيرد تمام نماز يا قسمتى از آن بعد از وقت خوانده مى شود بايد تيمم كند.(24)**

**2- كسى كه در تنگى وقت نماز بايد تيمم كند اگر وضو بگيرد صحيح است چه براى آن نماز وضو بگيرد يا براى كار ديگر.(25)**

**1- توضيح المسائل م 265**

**2- العروْ الوثقى ج 1 فصل فى شرايط الوضو ص 219ـ 225 م 6 ،7 ،8و توضيح المسائل م 265**

**3- توضيح المسائل مساءله 271**

**4- توضيح المسائل شرايط وضو ص 35 شرط ششم و مساءلهء 276و 277**

**5- همان .**

**6- همان .**

**7- توضيح المسائل م 291**

**8- توضيح المسائل م 294**

**9- توضيح المسائل م 294**

**10- توضيح المسائل شرايط وضو شرط سيزدهم و مساءلهء 259**

**11- استفتاآت ج 1ص 36و 37 س 40تا 45**

**12- همان .**

**13- تحريرالوسيله ج 1 فصل به شرايط الوضو ص 28**

**14- همان ج 1ص 28 م 15و توضيح المسائل ـ م 283**

**15- توضيح المسائل م 285**

**16- العروْ الوثقى**

**ج 1 فى شرايط الوضو التاسع ص 234**

**17- توضيح المسائل ـ م 286**

**18- توضيح المسائل م 287**

**19- همان م 286**

**20- العروْالوثقى م ج 1 فى شرايط الوضوء السابع ص 232ـ توضيح المسائل م 288و 672**

**21- توضيح المسائل ـ شرايط وضو شرط هشتم .**

**22- توضيح المسائل م 282**

**23- تحريرالوسيله ج 1 ص 29 م 20**

**24- توضيح المسائل م 280**

**25- همان م 281**

**58**

**وضوى جبيره اى**

**دوايى كه بر زخم مى زنند و چيزى كه با آن زخم يا عضو شكسته را مى بندند «جَبيره» نام دارد.**

**1- شخصى كه بر اعضاى وضويش زخم يا شكستگى است اگر بتواند به طور معمول وضو بگيرد بايد چنين كند(1) مثلاً:**

**ـ روى زخم باز است و آب براى آن ضرر ندارد.**

**ـ روى زخم بسته است ولى باز كردن آن امكان دارد و آب ضرر ندارد.**

**2- چنانچه زخم بر صورت يا دستهاست و روى آن باز است و آب ريختن روى آن ضرر دارد اگر اطراف آن را بشويد كافى است .(2)**

**3- اگر زخم يا شكستگى در جلوى سر يا روى پاها است (محل مسح ) و روى آن باز است چنانچه نتواند آن را مسح كند**

**بايد پارچهء پاكى روى آن بگذارد و روى پارچه را با ترى آب وضو كه در دست مانده مسح كند و اگر گذاشتن پارچه ممكن نباشد**

**بايد به جاى وضو تيمم كند و بهتر است يك وضو بدون مسح هم بگيرد.(3)**

**59**

**چند مسائله :**

**1- كسى كه نمى داند وظيفه اش وضوى جبيره اى است يا تيمم بنابر احتياط واجب بايد هر دو را انجام دهد.(4)**

**2- كسى كه در كف دست و انگشتها جبيره دارد و در موقع وضو دست تر روى آن كشيده است مى تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح كند يا از جاهاى ديگر وضو رطوبت بگيرد.(5)**

**3- اگر در صورت و دستها چند جبيره باشد بايد بين آنها را بشويد و اگر جبيره ها در سر يا روى پاها باشد بايد بين آنها را مسح كند و در جاهايى كه جبيره است بايد به دستور جبيره عمل كند.(6)**

**4- مقدار جبيره و وظيفهء وضو گيرنده :**

**1- اگر جبيره تمام اعضاى وضو را گرفته باشد بايد تيمم كند.**

**2- اگر جبيره بعضى از اعضاى وضو را گرفته باشد مثل تمام صورت يا تمام يك دست بايد وضوى جبيره اى بگيرد.**

**3- اگر جبيره بيشتر اعضاى وضو را گرفته باشد بنابر احتياط واجب بايد وضوى جبيره بگيرد و تيمم هم انجام دهد.**

**4- اگر جبيره بيش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممكن نباشد بايد وضوى جبيره بگيرد و بنابر احتياط واجب تيمم هم بنمايد.(7**

**1- توضيح المسائل م 324**

**2- همان م 325**

**3- همان م 326**

**4- توضيح المسائل ـ م 343**

**5- توضيح المسائل ـ م 332**

**6- توضيح المسائل ـ م 334**

**7- توضيح المسائل م 330 331و 335**

**61**

**حكم شك در وضو و اعمال آن :**

**62**

**چند مسائله :**

**1- پس از انجام وضو شك كند چيزى كه مانع رسيدن آب مى باشد بر اعضاى وضو بوده يا نه ــ به شك اعتنا نمى شود و وضو صحيح است .(1)**

**2- اگر مى داند چيزى بر اعضاى وضو چسبيده ولى شك دارد كه از رسيدن آب جلوگيرى مى كند يا نه ــ بايد آن را برطرف كند يا آب را زير آن برساند.(2)**

**3- اگر پيش از وضو بداند كه در بعضى ازاعضاى وضو مانعى از رسيدن آب هست بعد از وضو شك كند آب را به آنجا رسانده يا نه .**

**مى داند موقع وضو ملتفت آن مانع بوده ــ وضو صحيح است . نمى داند موقع وضو ملتفت آن مانع بوده يا نه ــ وضو صحيح است .**

**مى داند موقع وضو ملتفت آن نبوده ــ بايد دوباره وضو بگيرد.(3)**

**4- اگر بر اعضاى وضو مانعى باشد كه گاهى آب به خودى خود زير آن مى رسد و گاهى نمى رسد و بعد از وضو شك كند آب زير آن رسيده يا نه ــ حكم مساءله قبل را دارد.(4)**

**5- اگر بعد از وضو چيزى كه مانع رسيدن آب مى باشد در اعضاى وضو ببيند و نداند موقع وضو بوده يا بعد پيدا شده وضوى او صحيح است ولى اگر بداند كه در وقت وضو گرفتن ملتفت آن مانع نبوده ــ احتياط واجب آن است كه دوباره وضو بگيرد.(5)**

**6- كسى كه در كارهاى وضو و شرايط آن مثل پاك بودن آب و وجود داشتن مانعى بر اعضا خيلى شك مى كند ــ بايد به شك خود اعتنا نكند.(6)**

**1- توضيح المسائل م 298**

**2- همان م 290**

**3- همان م 295**

**4- همان م 296**

**5- همان م 297**

**6- همان م 299**

**63**

**براى چه كارهايى بايد وضو گرفت**

**64**

**وضو(1):**

**1- شرط صحّت عمل يعنى اگر آن عمل بدون وضو انجام شود صحيح نيست :**

**-- نماز (بجز نماز ميّت ) -- اجزاء فراموش شدهء نماز (سجده و تشهّد) -- طواف**

**2- شرط جواز عمل و حرام نبودن يعنى اگر آن عمل بدون وضو انجام گيرد حرام است :**

**-- مسّ نوشتهء قرآن -- مس اسم خداوند و صفات خاص او -- به احتياط واجب مس اسم انبياء (ص ) و ائمهء (ع ) و ملائكه**

**3- شرط كمالِ عمل ; يعنى براى درك ثواب يا ثواب بيشتر مانند قرائت قرآن .**

**4- رفع كراهت عمل مانند غذا خوردن در حال جنابت كه با وضو كراهت آن رفع مى شود.**

**65**

**چند مساءله :**

**1- كسى كه وضو ندارد نبايد جايى از بدن خود را به اين نوشته ها برساند:**

**-- خط قرآن ولى ترجمه آن اشكال ندارد. -- اسم خداوند به هر زبانى نوشته شده باشد مانند: <<الله >> <<خدا>> <<حراً>>.**

**-- نام پيامبر اكرم (ص ) امامان (ع ) و حضرت زهرا (عليهاالسلام ) (بنابر احتياط واجب ). (2)**

**2- در حرام بودن مَسِّ قرآن بدون طهارت بين اين موارد فرقى نيست : با دست باشد يا ساير اجزاى بدن (بجز مو). ابتداى به مس باشد يا ادامهء آن بنابراين اگر دست او بر خط قرآن بودو متوجه شد ولى دست را برنداشت مرتكب حرام شده است . خط آن معمول و متعارف باشد و يا متعارف نباشد; مثل خط كوفى . نوشته با قلم باشد يا چاپ يا گچ يا غير آن . نوشته برجسته باشد يا گود; مانند سنگ قبر. حرفى است كه خوانده مى شود يا خوانده نمى شود مانند الف در <<قالوا>>. نوشتهء قرآنى در قرآن باشد يا در غير قرآن مثلاً آيه اى يا كلمه اى از قرآن در كتابى نوشته شده باشد. و يا حتى مثلاً نصف كلمه را بريده باشند. آنچه قرآن بر آن نوشته شده فرقى نيست بين اين كه كاغذ باشد يا چوب يا سنگ يا لباس يا ديوار و مانند آن . بطور عادى نوشته شده يا برعكس مثل يا ايها اللذين . حروف عربى باشد يا غير آن ; مثلاً "ALLAH" يا "MOHAMMAD". كلمات قرآنى نيكو باشد; مانند موءمن ,صبر**

**يا كلمات ناپسند; مانند ابليس ،شيطان و كافر. (3)**

**66**

**3 مس در موارد زير حرام نيست :**

**-- مس خطوط قرآن با مو «گرچه احتياط مستحب ترك آن است».**

**-- مس از پشت شيشه يا پلاستيك كه در واقع مس خطوط نمى باشد.**

**-- مس ما بين حروف و فضاى خالى درون حروف ; مانند فضاى «ح » «ن » و...**

**-- مس ورق قرآن و حواشى و ما بين سطور و جلد آن (گرچه مكروه است ).**

**-- ترجمه قرآن به هر لغتى باشد. مگر اسم خداوند(4)**

**4- كلماتى كه مشترك بين لغات قرآن و غير آن است اگر قصد نويسنده كلمه قرآنى بوده است مس آن جايز نيست و اگر قصد او قرآن نبوده جايز است .(5)**

**5- مس آرم جمهورى اسلامى ايران بدون طهارت بنابر احتياط واجب جايز نيست .(6)**

**67**

**براى اين كارها وضو گرفتن مستحب است :**

**-- براى نماز ميّت .**

**-- رفتن به مسجد و حرم امامان .**

**-- خواندن قرآن .**

**-- همراه داشتن قرآن .**

**-- خوابيدن .**

**-- رساندن جايى از بدن به جلد يا حاشيهء قرآن .**

**-- زيارت اهل قبور.(7)**

**1- تحريرالوسيله ج 1 فصل فى غايات الوضو ص 31**

**2- توضيح المسائل م 317و 319**

**3- العروْ الوثقى ج 1 فصل فى غايات الوضو ص 189تا 191 م 3تا 12و استفتاآت ج 1 ص 47 48**

**4- همان ج 1 ص 189تا 192 م 11تا 17**

**5- همان ج 1 ص 190 م 9**

**6- استفتاآت ج 1 ص 47 س 80**

**7- توضيح المسائل ـ م 322**

**69**

**مواردى كه وضو باطل مى شود**

**70**

**چگونه وضو باطل مى شود؟**

**1- خارج شدن ادرار يا مدفوع از انسان .**

**2- خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط.**

**3- خواب چنانچه گوش نشنود و چشم نبيند.**

**4- چيزهايى كه عقل را از بين مى برد; مانند ديوانگى مستى بيهوشى .**

**5- استحاضه زنان .**

**6- آنچه سبب غسل شود; مانند جنابت و مسّ ميّت .(1)**

**1- توضيح المسائل ـ م 323**

**71**

**مستحبات و مكروهات وضو**

**72**

**مستحبات وضو**

**1- مصرف آب بيش از يك مدّ نباشد (يك مد حدود 750گرم است ).**

**2- مسواك كردن هر چند با انگشت .**

**3- اگر از ظرف وضو مى گيرد آن را سمت راست خود قرار دهد.**

**4- شستن دستها قبل از شروع وضو.**

**5- مضمضه (آب در دهان گرداندن ).**

**6-استنشاق (آب در بينى كردن و بيرون ريختن ).**

**7- گفتن «بسم الله » هنگامى كه دست را در آب مى برد يا آب را بر آن مى ريزد و بهتر است بگويد «بسم الله و بالله اللهم اجعلنى من التوابين و اجعلنى من المتطهّرين ».**

**8- آب را در دست راست بريزد هر چند براى شستن دست راست ; بدين معنا كه اوّل آب را در دست راست بريزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بريزد.**

**9- خواندن دعاهاى وارده هنگام وضو و بعد از آن .(1)**

**10- براى شستن بار اوّل دستها مردان آب را بر قسمت بيرونى آرنج و زنان بر قسمت داخلى جايى كه دست خم مى شود بريزند.**

**11- آب را بر قسمت بالاى عضو بريزد.**

**12- آب را بر عضو بريزد نه عضو را در آب فرو برد.**

**13- براى شستن دست بر اعضا بكشد هر چند بدون كشيدن دست شسته شود.**

**14- تمام اعمال وضو را با حضور قلب انجام دهد.**

**15- هنگام وضو سورهء «قدر» بخواند.**

**16- پس از اتمام وضو «آيْات لكرسى» بخواند.**

**17- هنگام شستن صورت چشمها را باز بگذارد.(2)**

**73**

**مكروهات وضو**

**1- كمك گرفتن از ديگران در مقدمات قريبهء وضو; مثل ريختن آب در دست وضو گيرنده .**

**2- وضو گرفتن در محل استنجاء مثلاً در توالت .**

**3- وضو گرفتن از ظرفى كه طلاكوب يا نقره كوب است يا نقش صورت بر آن مى باشد.**

**4- وضو گرفتن با اين آبها:**

**-- آبى كه در آفتاب گرم شده .**

**-- آبى كه در انجام غسل واجب بكار رفته .**

**-- آب متعفّن . (ولى اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد جايز نيست )**

**-- آب نيم خوردهء هر حيوان حرام گوشتى .(1)**

**1- برخى از دعاهاى وضو در صفحهء 47 گذشت .**

**2- عروْ الوثقى ج 1 فصل فى بعض مستحبات الوضوء ص 198تا 200**

**3- عروْ الوثقى ج 1 ص فصل فى مكروهات الوضوء ص 200تا 202**

**75**

**مسائل متفرقه وضو**

**1- وضو گرفتن در دستشويى هايى كه آب آن به چاه توالت مى ريزد باطل نيست .(1)**

**2- اگر در حال وضو گرفتن به نامحرمى نگاه كند يا دروغ بگويد و يا غيبت كند (گرچه كار حرامى مرتكب شده است ) ولى اين عمل وضو را باطل نمى كند.(2)**

**3- اگر شخص براى غرضى ; مثلاً خواندن قرآن وضو بگيرد و پس از وضو از آن قصد برگردد وضو باطل نيست . پس مى تواند با همان وضو نماز بخواند.(3)**

**5- وضو گرفتن بدين نيّت كه با وضو باشد صحيح است و با همان وضو مى تواند نماز بخواند.(4)**

**6- با وضوى صحيح خواه براى عمل واجب باشد يا عمل مستحب هرگونه عمل واجب يا مستحبى كه مشروط به طهارت است مى توان انجام داد.(5)**

**7- وضو گرفتن قبل از وقت نماز به نيت نماز مانع ندارد; مثلاً قبل از ظهر براى آن كه با اين وضو نماز ظهر بخواند وضو مى گيرد.(6)**

**76**

**حكم كلّى**

**تمام نمازها بايد با طهارت انجام شود بجز نماز ميّت كه بدون طهارت نيز صحيح است .(7)**

**77**

**استفتاء**

**س ـ از آنجا كه در حال حاضر بيشتر روزنامه ها و مجلات كشور مشتمل بر آيات قرآن است معمولاً افراد پس از مطالعه آنها را به جاهاى هتك آميز مى اندازند لذا تقاضا مى كنيم دستور فرماييد كه اين نشريات از چاپ آيات قرآن و كلماتى كه احترام آنها لازم است خوددارى كنندو اگر بهتر است در هنگام ضرورت سعى كنند آيات قرآن را نقل به معنا كنند نه اينكه عيناً چاپ نمايند.**

**ج ـ چاپ و نشر ممنوع نيست ولى از انداختن در جاهايى كه موجب هتك مى شود بايد خوددارى كنند.(8)**

**1- استفتاآت ج 1 ص 45 س 69و 70**

**2- همان س 71**

**3- استفتائات ج 1 ص 45 س 73**

**4- همان ص 46 س 74و 78**

**5- همان .**

**6- همان س 76**

**7- تحريرالوسيله ج 1 فصل فى غايات الوضوء ص 31**

**8- استفتائات ج 1 ص 114 س 308**

**78**

**غسل و اقسام آن**

**گاهى اوقات بايد براى نماز (و هر كارى كه نياز به طهارت دارد) غسل كرد; يعنى براى اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست**

**اكنون به بيان موارد غسل و چگونگى آن مى پردازيم :**

**79**

**اقسام غسل :**

**الف ـ واجب :**

**1- مشترك بين مردان و زنان :**

**-- جنابت**

**-- مس ميت**

**-- ميت**

**2- مخصوص بانوان :**

**-- حيض**

**-- استحاضه**

**-- نفاس**

**ب - مستحب :**

**1- زمانى**

**غسلى كه به جهت زمان خاصى مستحب است مانند: شب قدر و روز عرفه و غسل جمعه .**

**2- مكانى**

**غسلى كه به جهت رفتن به مكان معينى مستحب مى شود مانند: رفتن به مسجدالحرام .**

**3- فعلى**

**غسلى كه به جهت انجام كار خاصى مستحب است مانند: غسل احرام عمره يا حج .**

**1ـ تحرير الوسيله ج 1 كتاب الطهارة فصل فى الاغسال ص 36و القول فى الاغسال المندوبة ص 97**

**81**

**عوامل جنابت و مسايل آن**

**82**

**غسل جنابت**

**1- چگونه انسان جنب مى شود؟**

**83**

**عوامل جنابت :**

**1- بيرون آمدن منى از انسان :**

**-- كم باشد يا زياد.**

**-- در خواب باشد يا بيدارى .**

**2- جماع (آميزش ):**

**-- با حلال باشد يا با حرام**

**-- منى بيرون بيايد يا نيايد.(1)**

**2- اگر منى از جاى خود حركت كند ولى بيرون نيايد سبب جنابت نمى شود.(2)**

**3- كسى كه مى داند منى از او خارج شده يا مى داند آنچه بيرون آمده منى مى باشد جنب است و بايد غسل كند.(3)**

**4- نشانه هاى منى : با شهوت بيرون آيد. با فشار و جستن بيرون آيد. بعد از بيرون آمدن بدن سست شود.(4)**

**5- كسى كه آبى از او خارج شده و نمى داند منى است يا نه در صورتى كه تمام اين نشانه ها را داشته باشد جنب است و گرنه جنب نمى باشد حتى اگر يكى از علامتها وجود نداشته باشد بجز زن و مريض كه وجود يك نشانه ; يعنى بيرون آمدن از روى شهوت كافى است ولى اگربعداً متوجه شود جنب بوده نمازهايى كه با آن حال خوانده است باطل است .(5)**

**6- بيرون آمدن منى از انسان يكى از نشانه هاى بلوغ است و دو نشانهء ديگر آن عبارت است از:**

**1- روييدن موى خشن بر عانه .(6)**

**2- كامل شدن 15سال قمرى براى پسران و 9سال قمرى براى دختران .**

**براى تحقق بلوغ ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد بلكه با پديدار شدن يكى از آنها بلوغ حاصل مى شود. پس اگر جوانى از خود منى ببيند هر چند به سن بلوغ نرسيده باشد بالغ است و بايد به تكاليف شرعى عمل نمايد.(7)**

**7- مستحب است انسان بعد از بيرون آمدن منى بول كند و اگر بول نكند و بعد از غسل رطوبتى از او خارج شود كه نداند منى است يا رطوبت ديگر حكم منى را دارد.(8)**

**8- زنان هم ممكن است مانند مردان در خواب محتلم شوند و در صورتى كه يقين به خروج منى پيدا كردند غسل واجب مى شود و در صورت شك چيزى بر آنها نيست .(9)**

**9- استمنا**

**84**

**عملى است حرام و در صورت بيرون آمدن منى بايد غسل كند.(10)**

**1- حريرالوسيله ج 1 فصل فى الاغسال ص 36 م 1**

**2- همان .**

**3- همان و العروْ الوثقى ـ ج 1 فصل فى غسل الجنابْ ص 278**

**4- همان و العروْ الوثقى ج 1 ص 378**

**5- همان .**

**6- بالاى عورت و پايين شكم .**

**7- تحريرالوسيله ج 2 كتاب الحجر القول فى الصغر ص 13 م 3و استفتائات ج 1 ص 126 س 1**

**8- توضيح المسائل م 348**

**9- استفتاآت ج 1 ص 50 س 90ـ 91**

**10- استفتاآت ج 1 ص 51 س 94ـ 95**

**85**

**كارهايى كه بر جنب حرام است (1)**

**رساندن جايى از بدن به خط قرآن اسم خداوند و بنابر احتياط واجب اسامى پيامبران و ائمه (ع ). رفتن به مسجدالحرام و مسجد النبى (ص ) هر چند از يك در داخل شود و از در ديگر بيرون رود.**

**86**

**توقف در مساجد.**

**گذاشتن چيزى در مسجد هر چند از بيرون مسجد باشد. خواندن سوره هايى از قرآن كه سجده واجب دارد حتى يك حرف از آن .**

**توقف در حرم امامان : (بنابر احتياط واجب ).**

**87**

**دو مساءله :**

**1- اگر جنب از يك درِ مسجد وارد شود و از در ديگر خارج شود (عبور بدون توقف ) مانع ندارد بجز مسجدالحرام و مسجد النبى كه عبور هم جايز نيست .(2)**

**2- مكانى را كه در خانه براى نماز خواندن قرار مى دهند و همچنين نمازخانهء موءسسات و ادارات حكم مسجد ندارد.(3)**

**88**

**سوره هاى سجده دار قرآن(4)**

**سورهء 32‌ سجده آيه 15**

**سورهء 41‌ فصّلت آيه 37**

**سورهء 53‌ نجم آيه آخر**

**سورهء 96‌ علق آيه آخر**

**1- تحريرالوسيله ج 1 فصل فى الاغسال القول فى احكام الجنب ص 38ـ 39**

**2- همان ص 38ـ 39**

**3- العروْ الوثقى ـ ج 1ص 288 م 3 استفتاآت ج 2 ص 343**

**4- تحريرالوسيله ج 1 فصل فى غسل الجنابة فيما يحرم على الجنب ص 38ـ 39**

**90**

**انجام غسل**

**در غسل بايد تمام بدن و سر و گردن شسته شود خواه غسل واجب باشد; مانند جنابت و يا مستحب ; مانند غسل جمعه**

**به عبارت ديگر تمام غسلها در انجام فرقى ندارند مگر در نيّت .**

**91**

**نحوهء انجام غسل :**

**1- ترتيبى (1):**

**اول سر و گردن را بشويد. و سپس نيمه راست بدن . و بعد از آن نيمه چپ بدن را.**

**2- ارتماسى :**

**- با نيت غسل يكباره زير آب مى رود به طورى كه تمام بدن در آب قرار گيرد.**

**- يا به تدريج زير آب مى رود كه در نهايت تمام بدن در آب قرار گيرد.**

**- يا زير آب رفته و در آب به نيت غسل بدن را حركت مى دهد.**

**92**

**حكم كلّى**

**تمام غسلها در چگونگى انجام با هم تفاوتى ندارد بجز در نيّت .**

**1- توضيح المسائل ـ م 361و 367و 368**

**93**

**احكام غسل**

**1- تمام شرطهايى كه براى صحيح بودن وضو گفته شد در صحيح بودن غسل هم شرط است بجز موالات و از بالا به پايين شستن بدن .(1)**

**2- كسى كه چند غسل بر او واجب است مى تواند به نيّت همهء آنها يك غسل به جا آورد.**

**3- كسى كه غسل جنابت كرده نبايد براى نماز وضو بگيرد ولى با غسلهاى ديگر نمى شود نماز خواند و بايد وضو هم بگيرد.(2)**

**4- در غسل ارتماسى بايد تمام بدن پاك باشد ولى در غسل ترتيبى پاك بودن تمام بدن لازم نيست و اگر هر قسمتى را پيش از غسل دادن همان قسمت تطهير كند كافى است .(3)**

**5- غسل جبيره اى مثل وضوى جبيره اى است ولى بنابر احتياط واجب بايد آن را ترتيبى بجا آورد.(140**

**6- كسى كه در حال روزه يا در احرام عمره يا حج است نمى تواند غسل ارتماسى انجام دهد ولى اگر از روى فراموشى غسل ارتماسى كند صحيح است .(5)**

**7- در غسل لازم نيست تمام بدن با دست شسته شود و چنانچه با نيت غسل آب به تمام بدن برسد كافى است .(6)**

**8- در اين موارد غسل باطل است : قصد دارد پول حمامى را ندهد و در حمام غسل كند هر چند بعد از غسل حمامى را راضى كند. بدون آن كه بداند صاحب حمام راضى است بخواهد مبلغ آن را نسيه بگذارد اگر چه بعد از غسل حمامى را راضى كند. بخواهد پول حرام يا پولى كه خمس آن را نداده به حمامى بدهد.(7)**

**9- اگر در بين غسل حدث اصغر از او سر زند غسل باطل نمى شود ولى بايد براى نماز وضو بگيرد هر چند غسل جنابت باشد.(8)**

**10- وظيفهء كسى كه بعد از غسل بفهمد به قسمتى از بدن آب نرسيده است :**

**الف : غسل ارتماسى بوده : بايد دوباره غسل كند چه جاى آن را بداند يا نداند.**

**ب : غسل ترتيبى بوده :**

**1- جاى آن را نمى داند: بايد دوباره غسل كند.**

**2- جاى آن را مى داند:**

**94**

**-- در طرف چپ است : شستن همان مقدارى كه شسته نشده كافى است .**

**-- در طرف راست است : بايد آن مقدار را شسته سپس طرف چپ را بشويد.**

**-- در سر و گردن است : بايد آن مقدار را شسته و سپس طرف راست و چپ بدن را بشويد.(9)**

**1- توضيح المسائل ـ م 380**

**2- توضيح المسائل م 391**

**3- توضيح المسائل م 372**

**4- توضيح المسائل م 339**

**5- توضيح المسائل م 371**

**6- استفتائات ج 1 ص 56 س 117**

**7- توضيح المسائل م 381ـ 382**

**8- توضيح المسائل م 386**

**9- توضيح المسائل م 369و 364و 365**

**96**

**شكيات غسل(1)**

**97**

**شك در انجام غسل (نمى داند غسل كرده يا نه )**

**بايد غسل كند (ولى چنانچه نمازيخوانده صحيح است ولى براى نمازهاى بعدى بايد غسل كند).**

**98**

**شك در صحت غسل**

**1- پس از اتمام غسل شك كند --- به شك اعتنا نمى شود (بنا بر صحت مى گذارد).**

**2- در بين غسل شك كند :**

**-- در شستن مقدارى از طرف چپ بدن شك كند --- ششستن همان مقدار كافى است .**

**-- در شستن مقدارى از طرف راست شكست كند**

**---- مشغول شستن طرف چپ شده به شك اعتنا نمى شود**

**---- مشغول شستن طرف چپ نشده بايد آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشويد.**

**-- در شستن مقدارى از سروگردن شك كند**

**---- مشغول شستن طرف چپ شده به شك اعتنا نمى شود.**

**---- مشغول شستن طرف چپ نشده --- بايد آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشويد.**

**3- جايى كه بدن را شك دارد جزء ظاهر است يا باطن (مانند سوراخ جاى گوشواره ) --- شستن آن لازم نيست .**

**4- در بين غسل شك كند چيزى كه مانع رسيدن آب باشد در بدن هست يا نه --- اگر احتمال او در نظر مردم بجاست (احتمال عقلائى ) بايد وارسى كند و گرنه لازم نيست**

**1- توضيح المسايل ، م 366 ، 375 ، 378 ، 388.**

**99**

**غسل مسّ ميّت**

**1- اگر كسى جايى از بدن خود را به بدن انسان مرده اى كه سرد شده و غسلش نداده اند برساند بايد غسل مسّ ميت كند.(1)**

**2- در اين موارد مس بدن انسان مرده سبب غسل نمى باشد:**

**-- انسانى كه در ميدان نبرد به شهادت رسيده است در صورتى كه در ميدان جان دهد.**

**-- مرده اى كه بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است .**

**-- مرده اى كه غسلش داده اند.(2)**

**3- غسل مس ميّت را بايد مانند غسل جنابت انجام دهند ولى كسى كه غسل مسّ ميّت كرده اگر بخواهد نماز بخواند بايد وضو هم بگيرد.(3)**

**4- اگر چند ميّت را مسّ كند يا يك ميّت را چند بار مسّ نمايد يك غسل كافى است .(4)**

**5- براى كسى كه بعد از مس ميّت غسل نكرده است توقف در مسجد و خواندن سوره هايى كه سجدهء واجب دارد مانعى ندارد ولى براى نماز و مانند آن بايد غسل كند و وضو بگيرد.(5)**

**1- توضيح المسائل م 521**

**2- تحريرالوسيله ج 1 ص 63و توضيح المسائل م 522و 526و استفتاآت ص 179**

**3- توضيح المسائل م 530**

**4- توضيح المسائل م 531**

**5- توضيح المسائل م 532**

**101**

**غسل ميّت**

**يكى ديگر از غسلهاى واجب غسل ميّت است . .**

**1ـ هرگاه مؤمنى از دنيا برود بر همهء مكلفين واجب است كه او را غسل داده و كفن كنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن كنند و اگر بعضى انجام دهند از ديگران ساقط مى شود(1).**

**2ـ واجب است ميت را سه غسل بدهند:**

**اول : با آبى كه به سدر مخلوط باشد.**

**دوم : با ابى كه به كافور مخلوط باشد.**

**سوم : با آب خالص .(2)**

**3ـ كيفيت غسل ميت با ساير غسلها تفاوتى ـ به جز در نيت ـ ندارد و احتياط واجب آن است كه تا غسل ترتيبى ممكن است**

**ميت را غسل ارتماسى ندهند.(3)**

**4ـ سدر و كافور بايد به اندازه اى زياد نباشد كه آب را مضاف كند و به اندزه اى هم كم نباشد كه نگويند سدر و كافور با آب مخلوط شده است(4) .**

**5ـ اگر سدر و كافور يا يكى از يانها پيدا نشود بايد به جاى هر كدام كه ممكن نيست ميت را با آب خالص غسل بدهند.(5)**

**1 - توضيح المسائل م 542**

**2 - توضيح المسائل م 550**

**3 - توضيح المسائل م 565**

**4 - توضيح المسائل م 551**

**5 - توضيح المسائل م 554**

**102**

**غسلهاى اختصاصى بانوان**

**سه غسل از غسلهاى واجب ; يعنى غسل حيض استحاضه و نفاس تنها بر دخترها و بانوان واجب مى شود و سبب اين غسلها**

**خونى است كه از رحم بيرون مى آيد و هر يك احكام خاصى دارد كه در اين درس به بيان آنها مى پردازيم :**

**103**

**غسل حيض (قاعدگى )**

**زمانى كه خونريزى قاعدگى قطع شود زن بايد براى نماز و ساير كارهايى كه نياز به طهارت دارد غُسل كند.(1)**

**104**

**نشانه هاى خون حيض**

**قبل از بلوغ ديده نمى شود و اگر دخترى قبل از بلوغ خونى ببيند حكم حيض ندارد.(2) زنهاى سيده پس از 60سالگى و زنهاى غيرسيّده پس از 50سالگى خون حيض نمى بينند و چنانچه پس از آن سنين خونى ببينند حكم حيض ندارد. دورهء قاعدگى كمتر از سه روز نيست پس اگر جريان خون قبل از سه روز قطع شود حكم حيض ندارد. دورهء قاعدگى بيش از ده روز طول نمى كشد و چنانچه خونريزى بيش از ده روز طول بكشد پس از ده روز حكم حيض ندارد. خونريزى در سه روز اوّل به طور مستمر مى باشد ـ هر چند در داخل خون باشد و بيرون نيايد ـ پس اگر مثلاً دو روز خون ببيند سپس بطور كامل قطع شود و يك روز ديگر دوباره خون ببيند از آغاز حيض نبوده است . فاصلهء دو حيض حداقل ده روز مى باشد پس اگر بعد از تمام شدن دورهء قاعدگى قبل از آن كه ده روز فاصله شود خون ببيند خون دوّم حكم حيض ندارد.(3) خون حيض معمولاً غليظ و گرم و پر رنگ است و با فشار و كمى سوزش مى آيد.(4)**

**105**

**احكام دوران قاعدگى**

**در مدّت قاعدگى اين كارها بر بانوان حرام است : نماز و طواف كعبه . كارهايى كه بر جُنب حرام است ; مانند توقف در مسجد. آميزش با همسر براى زن و مرد هر دو حرام است .(5) در ايّام قاعدگى نماز و روزه بر زن واجب نيست و نمازها قضا ندارد ولى قضاى روزه هاى واجب را بايد پس از ماه مبارك رمضان بجا آورد.(6)**

**106**

**استفتاء**

**س ـ خوردن قرص در ايام حج يا بعضى مواقع كه زنها ميل دارند عادت ماهيانه نداشته باشند اشكال دارد يا نه ؟**

**ج ـ در صورت مضرّ نبودن اشكال ندارد.(7)**

**107**

**وظيفهء زن**

**هنگام شروع خونريزى (8)**

**108**

**چگونگى جريان خون**

**1-تاكنون خونريزى قاعدگى نداشته مانند دخترى كه خونريزيش براى اوّلين مرتبه شروع شده .(مبتدئه) )**

**2- اوّلين خونريزى قاعدگى او نيست ولى هنوز عادت منظمى پيدا نكرده است . (مضطربه)**

**3- خونريزى قاعدگى او از نظر تعداد روزها منظم است مثلاً هميشه پس از 5 روز خونريزى پاك مى شود ولى از نظر وقت شروع خونريزى منظم نشده است . (عدديه)**

**109**

**وظيفه**

**در اين سه صورت از ابتداى خونريزى اگر نشانه هاى خون قاعدگى را دارد يا يقين كند تا سه روز طول مى كشد بايد آن را حيض به حساب آورد و به احكام آن عمل كند.**

**110**

**چگونگى جريان خون**

**4- خونريزى قاعدگى از نظر تعداد روزها منظم نيست ; مثلاً گاهى پس از 5 روز خونريزى پاك مى شود و گاهى پس از 6 روز**

**ولى از نظر وقت شروع خونريزى منظم است ; مثلاً هميشه 25 روز پس از پاك شدن دوباره خونريزى شروع مى شود.(وقتيّه )**

**5- خونريزى قاعدگى او هم از نظر تعداد روزها و هم از نظر وقت شروع خونريزى منظم است مثلاً هميشه بيستم ماه خونريزى شروع مى شود و پس از 5 روز قطع مى گردد. (وقتيّه و عدديّه )**

**111**

**وظيفه**

**در اين دو صورت چون وقت شروع خونريزى مشخص است از ابتداى شروع بايد آن را حيض به حساب آورد و به احكام آن عمل كند.**

**112**

**چگونگى جريان خون**

**6- عادت منظمى در خونريزى داشته است ولى اكنون آن را فراموش كرده . (ناسيه )**

**113**

**وظيفه**

**اگر نشانه هاى خون قاعدگى را دارد يا يقين كند كه 3روز طول مى كشد بايد آن را حيض بحساب آورد و به احكام آن عمل كند.**

**114**

**وظيفهء زن پس از قطع خونريزى**

**1- پس از پايان دورهء قاعدگى و قطع خونريزى زن بايد غُسل حيض به جا آورد و نماز و ساير عبادتهاى خود را انجام دهد.(9)**

**2- غسل حيض با غسل جنابت بجز در نيّت تفاوتى ندارد.(10)**

**3- با غسل حيض به تنهايى نمى توان نماز خواند بلكه بايد به علاوهء غسل وضو هم بگيرد و اگر پيش از غسل وضو بگيرد بهتر است .(11)**

**115**

**غسل استحاضه**

**استحاضه**

**يكى ديگر از خونهايى كه گاهى اوقات از رحم دختر يا زن بيرون مى آيد <<استحاضه >> است . خون استحاضه معمولاً زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بيرون مى آيد و غليظ نيست ولى ممكن است گاهى پر رنگ و گرم و غليظ باشد و با فشار بيرون آيد.(12)**

**<<به زنى كه خونريزى استحاضه دارد مُستحاضه گويند.>>**

**116**

**اقسام استحاضه**

**خون استحاضه بر اساس كمى و زيادى آن به سه دسته تقسيم مى شود: قليله متوسطه و كثيره . بر پايهء اين تقسيم وظيفهء زن نيز متفاوت است .(13)**

**117**

**وظيفهء مستحاضهء قليله**

**اگر جريان خون تنها يك طرفِ پنبهء بهداشتى را آلوده كرده باشد و به درون آن نفوذ كرده ولى از طرف ديگر ظاهر نشده قليله (14) است و زن بايد براى نماز بدن را تطهير كرده و بنابر احتياط واجب پنبه را عوض كند و وضو بگيرد. بنابراين استحاضهء قليله غسل ندارد.(15)**

**118**

**وظيفهء مستحاضهء متوسطه**

**اگر خونريزى به قدرى است كه به درون پنبه بهداشتى نفوذ كرده و از طرف ديگر آن ظاهر شده ولى لباس يا پارچهء روى پنبه را آلوده نكرده باشد استحاضهء متوسطه است و زن بايد براى نماز افزون بر وظايفى كه براى قليله گفته شد براى آن نمازى كه قبل از آن يا در بين آن مستحاضه شده است غسل كند و تا زمانى كه خونريزى مستحاضه متوسطه ادامه دارد هر روز قبل از نماز صبح غسل كند. بنابراين در استحاضهء متوسطه در هر شبانه روز يك غسل كافى است امّا پس از قطع خونريزى نيز بايد غسل كند.(16)**

**119**

**وظيفهء مستحاضهء كثيره**

**اگر خونريزى به قدرى است كه به پنبهء بهداشتى نفوذ كرده و از طرف ديگر آن ظاهر شده و لباس يا پارچهء روى پنبه را آلوده كرده استحاضهء كثيره است و زن بايد براى هر نماز علاوه بر وظايفى كه براى قليله گفته شد دستمال را عوض كند يا آب بكشد و غسلى هم انجام دهدولى اگر نماز ظهر و عصر را با هم بخواند و فاصله نيندازد يك غسل براى هر دو كافى است و همچنين براى نماز مغرب و عشا.(17)**

**120**

**چند مساءله :**

**1- مستحاضه متوسطه و كثيره نيز بايد پس از قطع خونريزى غسل كنند.(18)**

**2- غسل استحاضه با ساير غسلها تفاوتى ندارد مگر در نيّت .**

**3- با غسل استحاضه نمى توان نماز خواند بلكه بايد به علاوهء غسل وضو هم بگيرد.(19)**

**121**

**غسل نفاس**

**غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان ديگرى ديده نمى شود كه زن پس از خونريزى زايمان بايد آن را انجام دهد.**

**1- خونريزى نفاس ممكن است يك لحظه باشد و ممكن است چندين روز طول بكشد ولى از ده روز بيشتر نخواهد شد و چنانچه از ده روز بگذرد زياده بر آن حكم نفاس ندارد.(20)**

**2- زن بايد پس از قطع خونريزى زايمان غسل نفاس بجا آورد و نماز و ساير عبادتهاى خود را انجام دهد بنابراين آنچه در بعضى مناطق مرسوم است كه پس از 7يا 10روز به حمام رفته و غسل مى كنند و قبل از آن هر چند خونريزى قطع شود نماز و ساير عبادتها را انجام نمى دهند كار صحيحى نيست .(21)**

**3- آنچه در ايّام قاعدگى بر زن حرام است در حال نفاس نيز حرام است .(22)**

**4- غسل نفاس با ساير غسلها بجز در نيّت تفاوتى ندارد و براى نماز كافى نيست بلكه زن بايد علاوه بر غسل وضو نيز بگيرد.(23)**

**1ـ توضيح المسائل م 466**

**2-ممكن است دخترى بالغ باشد ولى خونريزى قاعدگى نداشته باشد چون وراثت و تغذيه و آب و هوا هم در اين مساءله تاءثير دارد چنانچه امروزه معمولاً نخستين خونريزى دخترها در سنين 12يا 13سالگى مى باشد.**

**3- گر آن كه ابتدا سه روز يا بيشتر خون ببيند و پاك شود و دوباره چند روزى خون ببيند و مجموع خونريزى اوّل و دوّم و پاكى در وسط بيش از ده روز نباشد.**

**4- العروْ الوثقى ج 1 فصل فى الحيض ص 315و 316و توضيح المسائل م 434تا 441**

**5- توضيح المسائل م 450**

**6- همان م 469**

**7- استفتائات ج 1 ص 470 س 111**

**8- العروْ الوثقى ج 1 ص 226 م 8و ص 228 م 15و توضيح المسائل م 499و 500**

**9- توضيح المسائل م 466**

**10- همان .**

**11- همان .**

**12- توضيح المسائل م 392**

**13- توضيح المسائل م 393**

**14- براى آشنايى بيشتر با چگونگى شناخت نوع استحاضه به رسالهء توضيح المسائل مساءلهء 404مراجعه كنيد.**

**15- توضيح المسائل م 393و 394**

**16- همان م 393و 395**

**17- توضيح المسائل م 396**

**123**

**18- توضيح المسائل م 412**

**19- توضيح المسائل م 391**

**20- توضيح المسائل م 511**

**21- توضيح المسائل م 515**

**22- توضيح المسائل م 513**

**23- العروْ الوثقى ج 1 ص 210 سطر 3و توضيح المسائل م 391**

**124**

**غسلهاى مستحب**

**غسلهاى مستحب بسيار است در اينجا به برخى از آنها اشاره مى شود و گفته شد كه غسلهاى مستحب به سه دسته زمانى مكانى و فعلى تقسيم مى شود:**

**125**

**غسلهاى زمانى**

**1- غسل جمعه كه از مستحبات مؤكد است و وقت آن از اذان صبح روز جمعه تا ظهر است و اگر تا ظهر انجام نداد تا غروب روز جمعه و در روز شنبه تا ظهر به نيّت قضا بجا آورد.**

**2- غسلهايى كه در شبهاى ماه رمضان وارد شده است .**

**3- غسل روز عيد فطر و قربان .**

**4- غسل روزهاى هشتم و نهم ذى حجه .**

**5- غسل روزهاى اوّل وسط و آخر ماه رجب .**

**6- غسل روز عيد غدير.**

**7- غسل روز مبعث .**

**8- غسل شب نيمهء شعبان .**

**9- غسل روز ميلاد پيامبر 17ربيع الاول .**

**10- غسل روز اوّل فروردين .**

**126**

**غسلهاى مكانى**

**1- غسل ورود به حرم مكّه .\* شهر مكه و قسمتى از اطراف آن تا حدودى كه مشخص شده منطقهء حرم مى باشد كه داراى احترام واحكام خاصى است .**

**2- غسل ورود به شهر مكه .**

**3- غسل رفتن به مسجدالحرام .**

**4- غسل رفتن به مدينهء منوره .**

**5- غسل رفتن به مسجدالنبى (ص ).**

**127**

**غسلهاى فعلى**

**غسلهاى فعلى دو قسم است :**

**الف : غسل براى كارى كه مى خواهد انجام دهد.**

**ب : غسل براى كارى كه انجام داده است .**

**و امّا دسته اوّل مانند:**

**1- غسل احرام عمره يا حج .**

**2- غسل طواف .**

**3- غسل زيارت .**

**4- غسل وقوف به عرفات .**

**5- براى خواب ديدن يكى از ائمه (ع ).**

**6- غسل سفر به خصوص براى زيارت اباعبدالله الحسين (ع ).**

**7- براى خواندن نماز استسقاء (طلب باران ).**

**و دسته دوّم مانند:**

**1- براى كشتن قورباغه .**

**2- ديدن كسى كه به دار آويخته اند.**

**3- كسى كه براى خورشيد گرفتگى و ماه گرفتگى نماز آيات را عمداً نخوانده در صورتى كه تمام آن گرفته باشد.**

**4- براى مسّ ميت پس از غسل دادن آن .(1)**

**1- ـ تحريرالوسيله ج 1 القول فى الاغسال المندوبه ص 97**

**128**

**تيمّم**

**در اين موارد بايد به جاى وضو و غسل تيمّم كرد:**

**1- آب نباشد و يا دسترسى به آن نداشته باشد.**

**2- آب براى انسان ضرر داشته باشد (مثلاً; به سبب استفاده از آب مرضى در او پيدا مى شود).**

**3- اگر آب را به مصرف وضو يا غسل برساند بيم آن مى رود كه خود يا همسر يا فرزندان يا رفيق يا كسانى كه به انسان مربوطند**

**از تشنگى بميرند يا مريض شوند يا به قدرى تشنه شوند كه تحمل آن مشقت دارد و همچنين كسى كه حفظ جان او واجب است طورى تشنه باشد كه اگر آب را به او ندهند تلف مى شود.**

**4- بدن يا لباس او نجس است و آب بيش از تطهير آن ندارد و لباس ديگرى هم ندارد.**

**5- وقت براى وضو گرفتن يا غسل كردن ندارد بطورى كه اگر وضو بگيرد يا غسل كند تمام نماز يا مقدارى از آن بعد از وقت خوانده مى شود.(1) مقدار جستجو براى پيدا كردن آب :**

**الف : در آبادى : تا وقتى كه از پيدا شدن آب نااميد شود.**

**ب : در بيابان :**

**- زمين آن پست و بلند است يا به واسطهء درخت و مانند آن عبور در آن مشكل است بايد از هر طرف به اندازه ء پرتاب يك تير كمان كه تقريباً دويست گام است به دنبال آب برود.**

**- زمين آن پست و بلند نيست و عبور مشكل نمى باشد بايد در هر طرف به اندازهء پرتاب دو تير به دنبال آب برود(2).**

**129**

**چند مسأله :**

**1- در هر طرفى كه يقين دارد آب نيست در آن طرف جستجو لازم نيست .(3)**

**2- براى تيمم لازم نيست يقين كند كه آب براى او ضرر دارد بلكه اگر احتمال ضرر بدهد و احتمال او در نظر مردم بجا باشد**

**و از آن احتمال ترس براى او پيدا شود بايد تيمم كند.(4)**

**3- كسى كه مبتلا به درد چشم است و آب براى او ضرر دارد بايد تيمم كند.(5)**

**4- اگر تيمم كند و پيش از نماز بفهمد آب برايش ضرر ندارد تيمم او باطل است اگر بعد از نماز بفهمد نمازش صحيح است .(6)**

**5- كسى كه مى داند آب برايش ضرر ندارد چنانچه غسل كند يا وضو بگيرد و بعد بفهمد آب براى او ضرر داشته**

**وضو و غسل او صحيح است .(7)**

**6- اگر عمداً نماز را به قدرى تأخير بيندازد كه وقت وضو يا غسل نداشته باشد معصيت كرده ولى نماز او با تيمم صحيح است**

**گرچه احتياط مستحب است قضاى آن نماز را بخواند.(8)**

**7- كسى كه شك دارد اگر وضو بگيرد يا غسل كند وقت براى نماز او مى ماند يا نه بايد تيمم كند.(9)**

**8- اگر انسان به قدرى وقت دارد كه مى تواند وضو بگيرد يا غسل كند و نماز را بدون كارهاى مستحبى آن ; مثل اقامه و قنوت بخواند بايد غسل كند يا وضو بگيرد و نماز را بدون كارهاى مستحبى آن بجا آورد بلكه اگر به اندازه ء سوره هم وقت ندارد بايد غسل كند يا وضو بگيرد و نماز را بدون سوره بخواند.(10)**

**130**

**استفتاء**

**س ـ اگر در جايى انسان ; مانند منزل خود جنب شود و به عللى ; مثل دور بودن حمام يا خجالت كشيدن يا... در حال جنابت بماند تكليف چيست و همينطور در كوه و بيابان كه به موقع دسترسى به آب ندارد؟**

**ج ـ عذرهاى ذكر شده مجوّز تيمم نيست و بايد غسل كند ولى اگر غسل كردن به واسطهء نبودن آب يا دور بودن بآب و دسترسى نداشتن به آن ميسور نبود بايد براى نماز تيمم كند.(11)**

**1ـ توضيح المسائل تيمّم .**

**2ـ توضيح المسائل م 648**

**3ـ توضيح المسائل م 650**

**4ـ توضيح المسائل م 670**

**5ـ توضيح المسائل م 671**

**6ـ توضيح المسائل م 672**

**7ـ توضيح المسائل م 673**

**8ـ توضيح المسائل م 679**

**9ـ توضيح المسائل م 680**

**10ـ توضيح المسائل م 683**

**11 ـ استفتائات ج 1 ص 92 س 236**

**132**

**چگونه تيمم كنيم ؟**

**133**

**اعمال تيمّم**

**زدن كف دو دست با هم بر چيزى كه تيمم بر آن صحيح است . كشيدن كف هر دو دست بر تمام پيشانى و دو طرف آن**

**از جايى كه موى سر مى رويد تا ابروها و بالاى بينى و بنابر احتياط واجب بايد دستها روى ابروها هم كشيده شود.**

**كشيدن كف دست چپ بر تمام پشت دست راست . كشيدن كف دست راست بر تمام پشت دست چپ .**

**تمام كارهاى تيمم بايد با قصد تيمم و براى اطاعت از دستور الهى انجام شود و همچنين بايد معلوم كند كه تيمم به جاى وضو است يا غسل .(1)**

**چيزهايى كه تيمم بر آنها صحيح است : -- خاك -- ريگ -- اقسام سنگها; مانند سنگ سياه سنگ مرمر**

**سنگ گچ و سنگ آهك (قبل از پخته شدن ) ولى تيمم بر جواهر مانند عقيق و فيروزه باطل است .**

**-- گل پخته ; مانند آجر و كوزه .(2)**

**134**

**چند مسأله :**

**1- تيمّمى كه به جاى وضو است با تيمّمى كه به جاى غسل است فرقى ندارد مگر در نيّت .(3)**

**2- به هنگام نيّت بايد معين كند كه تيمم او بدل از غسل است يا بدل از وضو و اگر به جاى غسل است بايد آن غسل را معين كند.(4)**

**3- كسى كه به جاى وضو تيمم كرده است ; اگر يكى از چيزهايى كه وضو را باطل مى كند از او سر بزند تيمّمش باطل مى شود(5).**

**4- كسى كه به جاى غسل تيمم كرده است هرگاه يكى از اسباب غسل مثل جنابت يا مسّ ميت پيش آيد تيممش باطل مى شود.(6)**

**5- تيمم در صورتى صحيح است كه نتواند وضو بگيرد يا غسل كند بنابر اين اگر بدون عذر تيمم كند صحيح نيست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود; مثلاً آب نداشته و آب پيدا كند**

**تيمم او باطل مى شود.(7)**

**6- اگر به جاى غسل جنابت تيمم كند لازم نيست براى نماز وضو بگيرد ولى اگر به جاى غسلهاى ديگر تيمم كند**

**با آن تيمم نمى تواند نماز بخواند و بايد براى نماز وضو بگيرد و اگر نتواند وضو بگيرد بايد تيمم ديگرى به جاى وضو انجام دهد.(8)**

**7- اگر بدل از غسل تيمم كند و بعد كارى كه وضو را باطل مى كند براى او پيش آيد چنانچه براى نمازهاى بعد نتواند غسل كند بايد وضو بگيرد و اگر نمى تواند وضو بگيرد**

**بايد بدل از وضو تيمم نمايد.(9)**

**1 ـ توضيح المسائل م 700**

**2 ـ توضيح المسائل م 684و 685 و العروة الوثقى ج 1 فصل فى بيان ما يصح التيمم به ص 485**

**3ـ توضيح المسائل م 701**

**4ـ توضيح المسائل م 705**

**5ـ توضيح المسائل م 720**

**6ـ توضيح المسائل م 720**

**7ـ توضيح المسائل م 722**

**8ـ توضيح المسائل م 723**

**9ـ توضيح المسائل م 724**

**135**

**شرايط صحّت تيمم**

**اعضاى تيمم پاك باشد; يعنى پيشانى و دستها. پيشانى و پشت دستها را از بالا به پايين مسح كند. چيزى كه بر آن تيمم مى كند پاك و مباح باشد. ترتيب را رعايت كند. موالات را رعايت كند. چيزى بين دست و پيشانى و دست و پشت دست به هنگام مسح فاصله نباشد.(1)**

**1ـ العروةالوثقى ج 1 فصل فى كيفية التيمم ص 495و توضيح المسائل م 692ـ 694 704تا 706**

**137**

**احكام تيمم**

**1- اگر خاك و ريگ و كلوخ و سنگ پيدا نشود بايد به گرد و غبارى كه روى فرش و لباس و مانند اينهاست تيمم كند.(1)**

**2- اگر با خاك و ريگ چيز ديگرى ; مثلاً كاه كه تيمم بر آن باطل است مخلوط باشد نمى تواند بر آن تيمم كند ولى اگر آن چيز به قدرى كم باشد كه در خاك يا ريگ از بين رفته حساب شود اشكال ندارد.(2)**

**3- براى آن كه يقين كند تمام پشت دست را مسح كرده بايد مقدارى بالاتر از مچ را هم مسح كند ولى مسح بين انگشتان لازم نيست .(3)**

**4- پيشانى و پشت دستها را بايد از بالا به پايين مسح كند و كارهاى آن را نيز پشت سر هم انجام دهد و اگر بين آنها به قدرى فاصله دهد كه نگويند تيمم مى كند باطل است .(4)**

**5- انسان بايد براى تيمم انگشتر را از دست بيرون آورد و مانعى اگر بر پيشانى يا دستها باشد برطرف كند.(5)**

**6- اگر پيشانى و پشت دستها مو داشته باشد اشكال ندارد ولى اگر موى سر روى پيشانى آمده باشد بايد آن را عقب بزند.(6)**

**7- كسى كه وظيفه اش تيمم است اگر بداند تا آخر وقت عذر او برطرف مى شود بايد صبر كند و با وضو يا غسل نماز بخواند**

**ولى اگر بداند كه تا آخر وقت عذرش باقى مى ماند مى تواند در وسعت وقت هم با تيمم نماز بخواند.(7)**

**8- كسى كه نمى تواند وضو بگيرد يا غسل كند مى تواند نمازهاى قضاى خود را با تيمم بخواند. هرچند احتمال بدهد بزودى عذر او برطرف مى شود ولى در صورتى كه بداند عذرش برطرف مى شود بايد تا پيش از تنگ شدن وقت منتظر بماند.(8)**

**9- كسى كه نمى تواند وضو بگيرد يا غسل كند جايز است آن دسته از نمازهاى مستحبى كه وقت معين دارد، مثل نافله هاى شبانه روز را با تيمم بخواند.(9)**

**احكام كلّى**

**1 تمام كارهايى كه با وضو صحيح است با تيمم بدل از وضو هم صحيح است .(10)**

**2- كسى كه بدل از غسل تيمم كرده**

**138**

**تا زمانى كه تيمم و عذر او باقى است مانند كسى است كه غسل كرده است .(11)**

**3- تمام مبطلات وضو تيمم بدل از وضو را باطل مى كند و تمام موجبات غسل تيمم بدل از غسل را باطل مى كند.(12)**

**استفتاء س ـ كسى كه آب نداشته يا آب براى او ضرر داشته و تيمم بدل از غسل جنابت كرده آيا مى تواند نماز را باآجماعت بخواند و مى تواند به مسجد برود و حكم در خواندن قرآن چيست ؟ج ـ مانع ندارد و حكم كسى را دارد كه غسل كرده است .(13)**

**1ـ توضيح المسائل م 686**

**2ـ توضيح المسائل م 689**

**3ـ توضيح المسائل م 703**

**4ـ توضيح المسائل م 704**

**5ـ توضيح المسائل م 707**

**6ـ توضيح المسائل م 709**

**7ـ توضيح المسائل م 715**

**8ـ توضيح المسائل م 716**

**9ـ توضيح المسائل م 717**

**10ـ توضيح المسائل م 726**

**11ـ استفتاآت ج 1 ص 97 س 251**

**12ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 112 م 5**

**13 ـ استفتائات ج 1 ص 97 س 251**

**139**

**طهارت بدن و لباس**

**از جمله مسائلى كه دين اسلام به آن اهميت فوق العاده اى داده و مقررات ويژه اى براى آن دارد**

**مسأله طهارت و پاكيزگى بدن و محيط زندگى است . تا آنجا كه يكى از شرايط قبولى برخى عبادات از جمله نماز و طواف پاكى بدن و لباس است و بخش عمده اى از احكام شرعى نيز به اين امر اختصاص يافته است . افزون بر طهارت روح و باطن كه با انجام وضو غسل يا تيمم حاصل مى شود بدن و لباس نمازگزار بايد از نجاسات (آلودگيها) پاك باشد.**

**لباس نمازگزار**

**علاوه بر طهارت شرايط ديگرى نيز دارد كه در بحث <<لباس نمازگزار>> خواهد آمد. <<طهارت >> غير از <<نظافت >> و <<نجاست >> غير از <<كثافت >> است . ممكن است چيزى تميز باشد ولى از نظر احكام اسلام پاك نباشد خواستهء اسلام هم طهارت است و هم نظافت ; يعنى انسان بايد به فكر پاكى و تميزى خود و محيط و زندگى اش باشد و اكنون سخن دربارهء طهارت است : براى پاكى از نجاسات شناخت آنها و راه پاك كردن اشياء نجس نيز لازم است (1).**

**1ـ پاك بودن بدن و لباس اختصاص به نماز ندارد و در مواردى ديگر از جمله در حال احرام و طواف نيز لازم است و اين بحث در ابواب ديگر فقهى نيز به تناسب مطرح خواهد شد.**

**141**

**نجاسات**

**1- ادرار (بول )**

**2- مدفوع (غايط): انسان و حيوانهاى حرام گوشتِ خون جهنده دارد، مانند گربه و موش . حيوانى كه اگر رگ آنرا بِبُرند خون از آن جستن مى كند خون جهنده دارد.**

**3- منى 4- مردار 5- خون : از انسان و حيوانى كه خون جهنده دارد; مانند گوسفند. 6- سگ**

**7- خوك : كه در خشكى زندگى مى كند ولى دريايى آن نجس نمى باشد.**

**8- شراب و هر مايع مست كننده 9- آبجو (فُقّاع ) ـ آبجوى غيرطبى 10- كافر 11- عرق شتر نجاست خوار**

**1- ادرار و مدفوع انسان و تمامى حيوانهاى حرام گوشت كه خون جهنده دارند نجس است مثل گربه و روباه .**

**2- ادرار و مدفوع حيوانهاى حلال گوشت مانند گاو و گوسفند و حيوانهايى كه خون جهنده ندارند مانند: مار و ماهى پاك است .(1)**

**3- بول و غايط حيوانهايى كه گوشت آنها مكروه است پاك مى باشد; مانند اسب و الاغ .(2)**

**4- فضلهء پرندگان حرام گوشت ; مانند كلاغ نجس است .(3)**

**142**

**احكام مردار**

**1 انسان مرده هر چند تازه از دنيا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزاء بى روح او; مانند ناخن و مو و دندان ) تمام بدنش نجس است**

**مگر آن كه :(4)**

**1ـ العروة الوثقى ـ ج 1ص 55**

**2ـ العروة الوثقى ـ ج 1ص 55**

**3ـ توضيح المسائل م 85**

**4ـ العروة الوثقى ـ ج 1 ص 58 الرابع و ص 61 م 12**

**143**

**انواع نجاسات**

**1- ادرار (بول ) 2- مدفوع (غايط): انسان و حيوانهاى حرام گوشتِ خون جهنده دار(211 مانند گربه و موش .**

**3- منى 4- مردار 5- خون : از انسان و حيوانى كه خون جهنده دارد; مانند گوسفند.**

**6- سگ 7- خوك : كه در خشكى زندگى مى كند ولى دريايى آن نجس نمى باشد.**

**8- شراب و هر مايع مست كننده 9- آبجو (فُقّاع ) ـ آبجوى غيرطبى**

**10- كافر 11- عرق شتر نجاست خوار**

**144**

**احكام نجاسات**

**145**

**احكام ادرار و مدفوع**

**1- ادرار و مدفوع انسان و تمامى حيوانهاى حرام گوشت كه خون جهنده دارند نجس است مثل گربه و روباه .**

**2- ادرار و مدفوع حيوانهاى حلال گوشت مانند گاو و گوسفند و حيوانهايى كه خون جهنده ندارند مانند: مار و ماهى پاك است .(1)**

**3- بول و غايط حيوانهايى كه گوشت آنها مكروه است پاك مى باشد; مانند اسب و الاغ .(2)**

**4- فضلهء پرندگان حرام گوشت ; مانند كلاغ نجس است .(3)**

**146**

**احكام مردار**

**1- انسان مرده هر چند تازه از دنيا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزاء بى روح او; مانند ناخن و مو و دندان ) تمام بدنش نجس است مگر آن كه :(4)**

**الف : شهيد معركه باشد.**

**ب : او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).**

**2- كسانى كه در بمب گذاريها يا ترور دشمنان به شهادت مى رسند يا افرادى كه در جبههء نبرد مجروح مى شوند و بيرون معركه جان مى دهند مشمول اين حكم نيستند.(5)**

**3- معركه محدودهء تيررس دشمن است تا آنجايى كه درگيرى بين نيروهاى دو طرف جريان دارد و اختصاص به خط مقدم يا وقت حمله ندارد.(6)**

**4- مردار حيوان :**

**1- سگ و خوك ــ تمام اجزاى آن نجس است .**

**2- غير سگ و خوك :**

**الف ـ خون جهنده دارد: 1- اجزاى روح دار; مانند گوشت و پوست نجس است . 2- اجزاى بى روح ; مانند مو و شاخ پاك است .**

**ب ـ خون جهنده ندارد: تمام اجزاى آن پاك است .**

**5- اجزايى كه در حال حيات (قبل از مردن ) از بدن انسان يا حيوانى كه خون جهنده دارد جدا مى شود در حكم طهارت و نجاست با اجزاى مردار تفاوتى ندارد; يعنى اگر جزء بى روح باشد پاك است و اگر روح دار باشد نجس است .(7)**

**6- اگر جزئى از بدن انسان زنده قطع شود ولى به وسيلهء پوست به بدن متصل باشد هر چند آن پوست بسيار نازك باشد تا وقتى كه كاملاً جدا نشده آن عضو پاك است و حكم مردار را ندارد.(8)**

**1- العروْ الوثقى ـ ج 1ص 55**

**2- العروْ الوثقى ـ ج 1ص 55**

**3- توضيح المسائل م 85**

**4- العروْ الوثقى ـ ج 1 ص 58 الرابع و ص 61 م 12**

**5-استفتاآت ج 1 ص 83 س 206**

**6- همان ج 1 ص 504 س 42**

**7- العروْ الوثقى ج 1 ص 62 م 14**

**8- همان .** **148**

**مواردى كه حكم به طهارت آنها مىشود**

**1 بول و غائط حيوانى كه انسان نمى داند حلال گوشت است يا حرام گوشت ; مثلاً فضلهء پرنده اى كه انسان نمى داند آن پرنده حلال گوشت است يا حرام گوشت .(1)**

**2 فضله اى كه انسان نمى داند از حيوانى است كه خون جهنده دارد يا از حيوانى است كه خون جهنده ندارد مثلاً معلوم نباشد از موش است يا سوسك(2) .**

**3 استخوانى يافت شده كه گوشت بر آن نيست و نمى دانيم از حيوان نجس العين (سگ و خوك ) است يا غير آن .(3).**

**4 استخوان انسانى پيدا شده و گوشت بر آن نيست و نمى دانيم از كافر است يا از مسلمان .(4)**

**5 پوستى كه نمى دانيم از حيوان خون جهنده دار است يا از حيوانى كه خون جهنده ندارد.(5)**

**1ـ العروة الوثقى ج 1 ص 57 م 3**

**2ـ همان .**

**3ـ العروة الوثقى ج 1 ص 62 م 17و 18**

**4ـ همان .**

**5ـ همان .**

**149**

**حكم اشياء چرمى**

**1- اشيايى كه از اجزاء بى روح حيوان ـ غير از سگ و خوك ـ تهيه شده پاك است هر چند رنج شرعى نشده باشد بنابراين لباسهاى پشمى كركى مويى پاك است هر چند غيرمسلمان آن را ساخته باشد و يا در بازار غير مسلمين به فروش مى رسد ولى اگر از مردار يا حيوان حرام گوشت باشد نماز خواندن با آن لباس باطل است .(1)**

**2- اشيائى كه از اجزاء روحدار مردار حيوان خون جهنده دار تهيه شده باشد نجس است مانند چيزهايى كه از چرم تهيه مى شود; مانند كفش كيف كلاه كمربند كاپشن دستكش و بند ساعت .(2)**

**3- چيزى كه معلوم نيست چرم است يا نه محكوم به طهارت است .(3)**

**4- چيزى كه معلوم نيست از اجزاء حيوان خون جهنده دار است يا از حيوانى كه خون جهنده ندارد محكوم به طهارت است ; مانند كمربندى كه معلوم نيست از پوست مار است يا غير آن .(4)**

**5- چيزى كه از چرم حيوان خون جهنده دار تهيه شده مانند كفشى كه معلوم است از چرم گاو دوخته اند اگر ذبح شرعى آن معلوم نيست ; يعنى نمى دانيم به طريق شرعى ذبح شده يا نه مسأله اقسام مختلفى دارد**

**بدين شرح : از مسلمان خريدارى مى شود و ساخت كشور اسلامى است : پاك است .**

**از مسلمان خريدارى مى شود ولى ساخت كشور غيراسلامى است ; مثلاً در بازار كويت كفشى مى خرد كه ساخت ايتاليا است : نجس است مگر آن كه معلوم شود ذبح شرعى شده و وارد كنندهء مسلمان با احراز اين كه ذبح شرعى شده وارد كرده است .**

**از غير مسلمان خريدارى مى شود ولى ساخت كشور اسلامى است ; مثلاً در لندن كفشى مى خرد كه ساخت سوريه مى باشد: پاك است .**

**از غير مسلمان خريدارى مى شود و ساخت كشور غيراسلامى است : نجس است .**

**از مسلمان مى خرد ليكن معلوم نيست از چه كشورى است : پاك است .**

**از غير مسلمان مى خرد ولى معلوم نيست از چه كشورى است : نجس است .(5)**

**1ـ العروة الوثقى ج 1 ص 58**

**151**

**2ـ همان .**

**3- العروة الوثقى ج 1 ص 62**

**4ـ همان .**

**5ـ العروة الوثقى ج 1 كتاب الصلاة**

**فى شرائط لباس المصلى ص 558 م 9و ص 559 م 10و فى النجاسات ص 60 م 6و 7**

**152**

**احكام فرآورده هاى لبنياتى**

**فرآورده هاى لبنياتى كه از حيوان حلال گوشت زنده گرفته مى شود; مانند شير ماست پنير كشك كره و خامه كه از گاو و گوسفند مى باشد همگى پاك و خوردن آن حلال است**

**هر چند شخص كافر آن را تهيه كرده باشد و يا در بازار غيرمسلمان به فروش برسد و يا از كشورهاى غيراسلامى وارد كرده باشند**

**مگر آن كه انسان يقين كند كه با بدن كافر تماس پيدا كرده و نجس شده است و شك و احتمال كافى نيست و نيازى به تحقيق و جستجو ندارد.(1)**

**153**

**دو حكم كلّى**

**1- همه چيز در عالم پاك است مگر يازده چيز و هر آنچه با اينها برخوردى مؤثر داشته باشد.(2)**

**2- هر چيز نجس حرام است ولى هر حرامى نجس نيست .(3)**

**1- براى آشنايى بيشتر به درس 60مراجعه كنيد.**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 114 م 1و ص 121**

**3ـ تحريرالوسيله ج 2 ص 163**

**154**

**احكام خون**

**1- خون انسان و هر حيوانى كه خون جهنده دارد نجس است ; مانند: مرغ و گوسفند.**

**2- خون حيوانى كه خون جهنده دار نيست پاك است : مانند ماهى و پشه .**

**3- خونى كه گاهى در تخم مرغ يافت مى شود نجس نيست ولى بنابر احتياط واجب بايد از خوردن آن اجتناب كرد و اگر خون را با زردهء تخم مرغ به هم بزنند كه از بين برود خوردن زرده هم مانعى ندارد.**

**4- خونى كه از لاى دندان (لثه ) مى آيد اگر با آب دهان مخلوط شده و از بين برود پاك است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشكال ندارد.**

**5- خونى كه به واسطهء كوبيده شدن زير ناخن يا زير پوست مى ميرد اگر به گونه اى عوض شود كه به آن خون نگويند (استحاله شده ) پاك است و اگر هنوز به آن خون گفته مى شود نجس است (تا زمانى كه زير ناخن يا پوست است و راهى به بيرون ندارد**

**بيرون آوردن لازم نمى باشد و براى وضو و غسل هم اشكال ندارد(1)).**

**155**

**در موارد زير حكم به طهارت مى شود**

**1- شىء قرمز رنگى كه خون بودن آن معلوم نباشد.(2)**

**2- خونى كه نمى داند از حيوان خون جهنده دار است يا نه ؟ مثل اينكه خونى در لباس خود مى بيند و نمى داند خون پشه است يا بدن خودش .(3)**

**3- خون حيوانى كه نمى داند آن حيوان خون جهنده دار است يا نه .(4)**

**4- آنچه از دهانهء زخم بيرون مى آيد و نمى داند خون است يا چرك در صورتى كه دهانهء زخم پاك است . امّا اگر نجس باشد چرك يا زردابه اى كه بيرون مى آيد با برخورد به محل نجس نجس مى شود.(5)**

**5- بر اثر خراش برداشتن بدن رطوبتى از آن بيرون آيد كه معلوم نيست خون است يا نه ؟**

**6- زردابه اى كه در حال بهبودى زخم در اطراف آن پيدا مى شود اگر معلوم نباشد كه با خون مخلوط است پاك مى باشد.(6)**

**1ـ توضيح المسائل م 96و 98تا 101**

**2ـ العروة الوثقى ج 1 فى النجاسات ص 64 م 7**

**3ـ همان .**

**4ـ همان .**

**5ـ همان ص 65 م 8و 9**

**6ـ توضيح المسائل م 104**

**157**

**احكام شراب**

**1 شراب و هر مايع مست كننده (كه در اصل مايع مى باشد) گرچه به شكل جامد درآيد نجس است .(1)**

**2 شىء جامد مست كننده ; مانند بنگ و حشيش نجس نيست هر چند آن را ساييده و با آب مخلوط كنند و به صورت مايع درآورند.**

**3 آب انگور جوش آمده اگر مست كننده باشد نجس است و اگر مست كننده نباشد گرچه خوردن آن حرام است ولى نجس نيست .(2)**

**4 خرما و كشمش را اگر همراه غذا (مثل برنج ) بپزند حرام نيست هر چند به جوش آيد.(3).**

**158**

**استفتاء**

**س ـ آيا الكل صنعتى كه در انواع اودلكن و عطرها و برخى رنگها و داروها و امثال آن به كار مى رود پاك است يا خير؟**

**ج ـ الكل صنعتى پاك است مگر آن كه يقين به نجاست آن پيدا شود.(4)**

**1ـ توضيح المسائل م 104 .**

**2ـ همان ص 69 م 1**

**3ـ همان ص 70 م 3**

**4ـ استفتائات ج 1 ص 100 س 261**

**159**

**كافر و احكام آن**

**160**

**اين افراد كافر و نجس هستند:**

**منكر خدا (كسى كه وجود خداوند را انكار كند).**

**منكر توحيد (كسى كه براى خدا شريك قرار دهد).**

**منكر پيامبرى حضرت محمد (ص ) (كسى كه نبوت پيامبر اكرم را انكار كند).**

**منكر ضرورى دين طلا در صورتى كه بداند آن چيز ضرورى دين است و انكار آن به انكار رسالت يا تكذيب ضرورى دين يعنى چيزى كه مسلمانان جزء دين اسلام مى دانند مانند نماز و روزه .**

**6پيامبر (ص ) يا نقص دين برگردد. كسى كه به ائمه اطهار دشنام دهد يا با آنها دشمنى ورزد هر چند با يكى از آنها.(1)**

**161**

**چند مسأله :**

**1 تمام بدن كافر حتى مو و ناخن و رطوبتهاى او نجس است .(2)**

**2 طفلى كه از زنا به دنيا آمده اگر پدر يا مادر او يا هر دو مسلمان باشند پاك است .(3)**

**3 گروههاى شيعى غير دوازده امامى اگر دشمن ائمه (ع ) نباشند و به آنها دشنام ندهند نجس نمى باشند.(4)**

**4 كسى كه معلوم نيست مسلمان است يا نه پاك مى باشد ولى احكام ساير مسلمانان را ندارد مثلاً نمى تواند زن مسلمان بگيرد و نبايد در قبرستان مسلمانان دفن شود.(5)**

**1 ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 118 العاشر.**

**2 ـ توضيح المسائل م 107**

**3ـ العروة الوثقى ج 1 ص 68 م 1**

**4 ـ همان ص 69 م 3 تحريرالوسيله ج 1 فصل فى النجاسات ص 119 م 12**

**5 ـ توضيح المسائل م 109**

**163**

**چگونه چيز پاك نجس مى شود؟**

**در عالم همه چيز پاك است مگر برخى از آنها ولى چيزهاى پاك هم ممكن است به وسيله برخورد با نجاسات نجس شود**

**البته در صورتى كه يكى از آن دو (چيز پاك يا نجس ) طورى تر باشد كه رطوبت يكى از آن دو به ديگرى برسد.(1)**

**در موارد زير حكم به پاكى مى شود:**

**-- نداند پاك و نجس به هم برخورد كرده اند يا نه .**

**-- نداند چيز پاك و نجس مرطوب بوده اند يا نه .**

**-- نداند رطوبت يكى به ديگرى سرايت كرده است يا نه .(2) ؟**

**1- ـ توضيح المسائل م 125**

**2- ـ توضيح المسائل م 126 و العروة الوثقى احكام النجاسات ج 1 ص 79 م 1**

**164**

**چند مسأله :**

**1 خوردن و آشاميدن چيز نجس حرام است(1) .**

**2- اگر انسان ببيند كسى چيز نجسى را مى خورد يا با لباس نجس نماز مى خواند لازم نيست به او تذكر دهد.(2)**

**3- چيز پاك را اگر انسان شك كند نجس شده يا نه پاك است و جستجو و وارسى هم لازم نيست هر چند بتواند نجس بودن يا پاك بودن آن را بفهمد بنابراين در نمونه مثالهايى كه آورده مى شود حكم به طهارت مى شود و نياز به سؤال كردن و تحقيق و پرهيز نيست .(3)**

**عطر و ادكلنى كه غيرمسلمان ساخته است ولى معلوم نيست كه با بدن وى تماس داشته است يا نه پاك است . وسايل و لوازمى كه در هتل ها يا منزلها ـ در كشورهاى غيراسلامى ـ وجود دارد از جمله: ظروف غذا ،حوله ،حمام ،دستشويى ،صابون ،رختخواب ،تخت فرش و ساير چيزها اگر يقين به تماس با بدن كافر به گونه اى كه رطوبت سرايت كرده باشد و يا يقين به نجس شدن آن از راه ديگر نمى باشد پاك است .**

**صندلى اتوبوس و تاكسى در كشورهاى غيراسلامى در مواقعى كه باران مى بارد و بدن خيس است ولى يقين به نجس شدن صندلى ماشين وجود ندارد با نشستن بر آن بدن نجس نمى شود.**

**استفاده از قاشق ،چنگال ، بشقاب، ليوان و ساير امكانات در رستورانها در صورتى كه يقين به نجس شدن آنها نباشد پاك است .**

**نوشابه ها و ساير نوشيدنيهايى كه اصل آنها پاك و حلال است و معلوم نيست كه با بدن كافر تماس داشته است يا نه پاك است . (امروزه غالباً اينگونه چيزها را بيشتر با دستگاه مى سازند و پر مى كنند).**

**خوراكى هايى از قبيل : قند، شكر، بيسكويت، شكلات ، آدامس و غيره اگر در ساخت آنها غير مسلمان دست داشته باشد ولى يقين به تماس با بدن وى نداريم و به گونه اى ديگر نجس نشده پاك است .**

**حبوبات و سبزيجات و ميوه هايى كه غيرمسلمان مى فروشد و يقين به نجس شدن آنها نيست**

**165**

**پاك مى باشد هر چند غيرمسلمان آن را كاشته و چيده و حمل كرده باشد.**

**روغن ; اعم از حيوانى و غير آن كه يقين به نجس بودن يا نجس شدن آن نباشد پاك است . مايعات مورد نياز وسايل نقليّه يا منزل ; اعم از بنزين، گازوئيل، نفت سفيد، روغن، گريس و غيره كه استخراج و تصفيه و توزيع آن به دست غيرمسلمان است ولى يقين به نجس شدن آن نيست پاك مى باشد. وسايلى كه براى كار به غيرمسلمان داده شده ; مانند پارچه براى دوخت لباس و ماشين براى تعمير اگر پس 7 تحويل گرفتن يقين به نجس شدن آن نباشد پاك است . لباسى كه براى شستن يا اتو كردن به خشك شويى داده شده و غيرمسلمان كار آن را انجام داده است در0ورتى كه يقين به نجس شدن آن نباشد پاك است . نان و ديگر پختنيها كه غير مسلمان طبخ آن را انجام داده و مادهء اوليهء آن پاك بوده است و ما يقين به نجس شدن آن نداريم پاك مى باشد. اگر مسلمانى با كافر دست بدهد در حالى كه دست او رطوبت ندارد و يا رطوبت به حدّى نيست كه سرايت کند يا يقين به سرايت نباشد دستش نجس نمى شود.**

**1ـ توضيح المسائل م 141**

**2ـ توضيح المسائل م 143**

**3ـ توضيح المسائل م 123ـ العروة الوثقى ج 1 احكام النجاسات ص 79 م 1**

**167**

**انواع مطهرات (پاك كننده ها)**

**168**

**چگونه چيز نجس پاك مى شود؟**

**همهء اشياء نجس پاك مى شود و پاك كننده ها عبارتند از:**

**1- آب**

**2- زمين**

**3- آفتاب**

**4- استحاله**

**5- انتقال**

**6- اسلام**

**7- تبعيت**

**8- برطرف شدن نجاست**

**9- استبراء حيوان نجاستخوار**

**10- غايب شدن مسلمان .(1)**

**1ـ توضيح المسائل م 148**

**169**

**اقسام آبها**

**آب**

**بسيارى از چيزهاى نجس را پاك مى كند و اقسام مختلفى دارد كه شناخت آنها ما را براى ياد گرفتنِ بهترِ مسائل مربوط به آن كمك مى كند.**

**170**

**اقسام آبها:**

**1- مُضاف**

**2- مُطلق :**

**1- آب چاه**

**2- آب جارى**

**3- آب باران**

**4- آب راكد:**

**كُر**

**قَليل**

**آب مضاف : آبى است كه از چيزى گرفته باشند; مانند آب سيب و هندوانه يا با چيزى مخلوط كرده باشند به قدرى كه ديگر به آن آب نگويند; مانند شربت .(1)**

**آب مطلق : آبى است كه مضاف نباشد.**

**171**

**احكام آب مضاف**

**1- آب مضاف چيز نجس را پاك نمى كند (از مطهرات نيست ).**

**2- با برخورد به نجاست نجس مى شود هر چند نجاست كم باشد و بو يا رنگ يا مزهء آب عوض نشود.**

**3- وضو و غسل با آب مضاف باطل است .(2)**

**172**

**اقسام آب مطلق**

**<<آب >> يا از زمين مى جوشد يا از آسمان مى بارد و يا نه مى جوشد و نه مى بارد. به آبى كه از آسمان ببارد <<باران >> گويند.**

**و آبى كه از زمين مى جوشد اگر جريان داشته باشد <<آب جارى >> است و اگر بدون جريان باشد به آن <<آب چاه >> گويند.(3)**

**آبى كه از زمين نمى جوشد و از آسمان نمى بارد <<آب راكد>> است . <<آب راكد>> اگر مقدارش زياد باشند <<كر>> و اگر كم باشد <<قليل >> است .**

**مقدار كُر:(4)**

**حجم : 42875وجب . مقدار آبى را در ظرفى كه درازا و پهنا و گودى آن هر يك حداقل 35وجب باشد بريزند و آن ظرف پر شود**

**به مقدار كر است .**

**وزن : 377419كيلوگرم .**

**مقدار آب قليل : آبى كه از زمين نمى جوشد اگر از كر كمتر باشد قليل است .**

**تنها آب مطلق نجس را پاك مى كند. گرچه ممكن است آب مضاف چيز كثيفى را تميز كند ولى همانگونه كه پيشتر گفته شد هرگز نجس را پاك نمى كند.**

**1ـ توضيح المسائل م 15**

**2ـ توضيح المسائل م 47و 48**

**3ـ تحريرالوسيله ج 1 كتاب الطهارات ص 13 م 8**

**4ـ همان ص 14 م 14 توضيح المسائل م 16**

**174**

**احكام آبها**

**175**

**آب قليل**

**1- آب قليل با برخورد به نجاست نجس مى شود خواه روى چيز نجس ريخته شود يا چيز نجس به آن برسد.(1)**

**2- اگر آب قليل از بالا با فشار بر چيز نجس بريزد مقدارى كه به شىء نجس مى رسد نجس است و هر چه بالاتر از آن است پاك مى باشد; مثلاً با آفتابه آب را بر شىء نجس بريزد.(2)**

**3- اگر آب قليل از پايين با فشار به بالا رود; مانند فوّاره اگر نجاست به قسمت بالاى آن برسد پايين نجس نمى شود و اگر نجاست به پايين برسد بالا هم نجس مى شود.(3)**

**4- آب قليلى كه براى برطرف كردن عين نجاست روى چيز نجس ريخته مى شود و از آن جدا مى گردد نجس است و بايد از آبى كه بعد از برطرف شدن عين نجاست براى تطهير چيز نجس روى آن مى ريزند و از آن جدا مى شود اجتناب كنند.(4)**

**176**

**احكام آب كر**

**جارى**

**چاه و باران**

**1- تمام اقسام آبهاى مطلق ـ بجز آب قليل ـ تا زمانى كه بو يا رنگ يا مزه نجاست نگرفته باشد پاك است و هر گاه بر اثر برخورد با نجاست بو يا رنگ يا مزه نجاست بگيرد نجس مى شود. بنابراين آب جارى، چاه، كر، و حتّى باران در اين حكم مشتركند.(5)**

**2- آب لوله هاى ساختمانها كه متصل به منبع كر مى باشد در حكم آب كر است .(6)**

**177**

**برخى از خصوصيات باران**

**اگر بر چيز نجسى كه عينِ نجس در آن نيست يكبار ببارد پاك مى شود. اگر بر فرش و لباس نجس ببارد پاك مى شود و فشار لازم ندارد. اگر بر زمين نجس ببارد پاك مى شود. هر گاه باران در جايى جمع شود اگر چه كمتر از كر باشد چنانچه تا موقعى كه باران مى بارد چيز نجسى راج در آن بشويند البته تا زمانى كه بو يا رنگ يا مزه نجاست نگرفته است پاك است .(7)**

**178**

**احكام شك در آب**

**1- مقدار آبى كه معلوم نيست كر است يا نه : با برخورد نجاست نجس نمى شود اما ساير احكام آب كر را ندارد.**

**2- مقدار آبى كه پيشتر كر بوده و معلوم نيست قليل شده يا نه : حكم آب كر را دارد.**

**3- آبى كه معلوم نيست پاك است يا نجس : پاك مى باشد.**

**4- آبى كه پاك بوده و شك در آن است كه نجس شده يا نه : حكم آب پاك را دارد.**

**5- آبى كه نجس بوده ولى معلوم نيست پاك شده يا نه : حكم آب نجس را دارد.**

**6- آبى كه مطلق بوده و معلوم نيست مضاف شده است يا نه : حكم آب مطلق را دارد.(8)**

**179**

**دو حكم كلّى :**

**1- مطهّرات تمام چيزهاى نجس را پاك مى كند يعنى تمام اشياء نجس قابل پاك شدن است هر چند بااستحاله(9\* .**

**2- هيچ كدام از آبهاى مضاف پاك كننده نيست و با برخورد با نجاست نجس مى شود.(10)**

**1ـ توضيح المسائل م 26**

**2ـ همان م 26**

**3ـ همان .**

**4ـ توضيح المسائل م 27**

**5ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 13 م 4**

**6ـ توضيح المسائل م 35**

**7ـ توضيح المسائل م 37 ،40،41 ،42**

**8ـ العروة الوثقى ج 1ص 49 تحريرالوسيله ج 1ص 15 م 15**

**9ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 114 م 1و ص 121**

**10ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 12 م 1**

**180**

**چگونگى تطهير اشياء نجس با آب**

**آب مايهء زندگى و از جمله مطهراتى است كه همه روزه تمام افراد با آن سر و كار دارند و در تطهير بسيارى از چيزهاى نجس بكار مى رود.**

**تطهير اشياء نجس (1):**

**الف ـ ظرف :**

**1- با آب كر: يك مرتبه**

**2- با آب قليل : سه مرتبه : بجز ظرفى كه به شراب نجس شده يا سگ يا خوك از آن چيز روان خورده است .**

**ب ـ غيرظرف :**

**1 به بول نجس شده :**

**-- با آب كر: يك مرتبه**

**-- با آب قليل : دو مرتبه**

**2 به غير بول نجس شده :**

**-- با آب كر: يك مرتبه**

**-- با آب قليل : يك مرتبه**

**1ظرفى كه سگ آن را ليسيده يا از آن چيز روان (مايع ) خورده است**

**به احتياط واجب 2 مرتبه**

**به احتياط واجب 2 مرتبه**

**بايد قبل از تطهير آن را خاكمال كرد**

**2ظرفى كه خوك از آن چيز روان خورده است 7مرتبه به احتياط واجب 7 مرتبه**

**خاكمال كردن آن احتياط مستحب است 3ظرفى كه به شراب نجس شده است 3 مرتبه و بهتر است7رتبه بشويند يك مرتبه**

**خاكمالى لازم نيست (2)**

**181**

**چند نكته :**

**الف : براى تطهير اشياء نجس**

**ابتدا بايد عين نجس را برطرف كرد سپس به همان تعداد كه در نمودار آمده است حآن را آب كشيد. مثلاً; ظرف نجس را بعد از برطرف كردن آلودگى اگر يك مرتبه در آب كر بشويند كافى است .**

**ب : فرش و لباس و چيزهايى مانند فرش و لباس كه آب را به خود مى گيرد و قابل فشردن است چنانچه باذآب قليل تطهير مى كنند بايد بعد از هر بار شستن آن را بفشارند تا آبهاى داخلش بيرون بيايد و يا به گونه اى ديگرث آبِ آن گرفته شود و در آب كر و جارى هم احتياط واجب آن است كه آب داخل آن گرفته شود.**

**ج : آب جارى و چاه در احكامى كه براى تطهير اشياء نجس بيان شد مانند آب كر است .تطهير ظرف نجس ظرف نجس را مى توان اين گونه آب كشيد: با آب كر: يك بار در آب فرو برده بيرون آورند. با آب قليل : آن را سه مرتبه پر از آب كرده خالى كنند**

**يا سه مرتبه قدرى آب در داخلش بريزند و هر مرتبه پآب را به طورى در آن بگردانند كه به جاهاى نجس برسد و بيرون بريزند.(3)**

**182**

**دو مسأله :**

**1 خاكى كه براى خاكمال استعمال مى شود بايد پاك باشد.2 ظرفى كه خوك ليسيده به احتياط واجب حكم ظرفى دارد كه از آن چيز روان خورده .(4)**

**183**

**استفتاء**

**س 1 آيا لباس شستن با هر نوع ماشين لباسشويى خانگى پاك كننده مى باشد يا خير؟ اگر پاك مى كند شرايطآن به چه صورت است ؟**

**ج ـ اگر بعد از زوال عين نجاست يك مرتبه با آب لوله يا دو مرتبه با آب قليل مى شويد پاك مى كند.(5)**

**س 2 در رابطه با لباسشويى هاى عمومى با توجه به اينكه در هر منطقه و محله افرادى كه طهارت اسلامى راخرعايت نمى كنند كم و بيش وجود دارند (هر چند اين امر يقينى نيست ليكن احتمال آن زياد است ) آيا لباسهايى كه 0ر اين لباسشويى ها شسته مى شوند پاكند يا خير؟**

**ج ـ اگر لباس را پاك تحويل داده اند و شك داشته باشند كه نجس شده پاك است و همچنين اگر لباس نجس ث بوده و كسى كه متصدى شستن است بگويد تطهير نموده است محكوم به طهارت است .(6) تطهير آب نجس 1 براى تطهير آب قليلى كه نجس شده بايد به آب كر يا جارى يا چاه متصل گردد يا باران بر آن ببارد و با آن خ مخلوط شود و اگر بو يا رنگ يا مزه نجاست گرفته بايد به قدرى آب با آن مخلوط شود تا بو و رنگ و مزه اش ازبين برود.(7)**

**2 براى تطهير آب كر يا جارى يا چاه بايد به قدرى آب كر يا جارى يا چاه بر آن افزوده شود يا باران بر آن خببارد كه بو و رنگ و مزهء نجاست از بين برود بنابراين اگر با افزودن ماده اى شيميايى رنگ و بو و طعم آن عوض !گردد پاك نمى شود.)(8)**

**تطهير زمين نجس تطهير زمين (9)**

**1 با آب كر:ابتدا آلودگى را برطرف كرده سپس آب كر يا جارى بر آن گرفته به مقدارى كه تمام جاهاى نجس را فراگيرد.2 با آب قليل :1 زمين به گونه اى است كه آب بر آن جارى نمى شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و مى خورد): با آب قليل پاك نمى شود.2 آب بر زمين جارى مى شود: جائى كه آب جارى شده پاك مى شود و جايى كه آب جمع شده**

**184**

**نجس است .هنگام تطهير زمين اگر آبهاى جارى شده و به داخل چاه مى رود يا از آن محل بيرون مى رود تمام جاهايى كه آب جارى شده پاك مى شود.(10)**

**آب كشيدن حبوبات 1 اگر ظاهر آن نجس شده : با فرو بردن در آب كر يا جارى و يا ريختن آب قليل (جارى كردن ) بر آن پاك مى شود. 2 اگر باطن آن هم نجس شده : پاك نمى شود نه با آب قليل و نه با آب كر.(11) 3 در صورتى كه نجس شدن باطن آن مورد شك است : تطهير ظاهر آن كافى است .(12)**

**چند مسأله :1 اگر موى سر و صورت را كه زياد است با آب قليل آب بكشند بايد فشار دهند تا آبهاى جمع شده بين موهاجدا شود.(13)**

**2 گوشت و دنبه اى كه نجس شده مثل چيزهاى ديگر آب كشيده مى شود و همچنين اگر بدن يا لباس چربى آكمى داشته باشد كه از رسيدن آب به آنها جلوگيرى نكند.**

**(14)**

**3 اگر چيزى با بول پسربچهء شيرخوارى كه غذا خور نشده و شير خوك نخورده نجس شود**

**چنانچه يك مرتبه آب روى آن بريزند كه به تمام جاهاى نجس برسد پاك مى شود و در فرش و لباس و مانند اينها هم فشار لازم ندارد.(15)**

**1ـ توضيح المسائل م 150 ،159 ،160 ،162**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 126ـ فصل فى المطهرات و توضيح المسائل م 150و 162**

**3- ـ توضيح المسائل م 150و 155**

**4ـ توضيح المسائل م 150و 152و 153**

**5صـ استفتائات ج 1 ص 119 س 327**

**6ـ استفتائات ج 1 ص 120 س 329**

**7ـ العروة الوثقى ج 1 فصل فى المياه ص 43 م 2و تحريرالوسيله ج 1 فصل فى المياه ص 14 م 11**

**8ـ همان و استفتائات ج 1 ص 119 س 324**

**9ـ توضيح المسائل م 179ـ 180**

**10ـ همان م 180**

**11- تحريرالوسيله ج 1 ص 128 م 5و 6ـ العروة الوثقى ج 1 ص 115 م 20**

**12ـ توضيح المسائل م 165**

**13 ـ توضيح المسائل م 173**

**14ـ توضيح المسائل م 175**

**15ـ توضيح المسائل م 161**

**186**

**شرايط مطهّر بودن آب**

**1- مطلق باشد.**

**2- پاك باشد.**

**3- هنگام تطهير شىء نجس مضاف نشود.**

**4- هنگام تطهير شىء نجس بو يا رنگ يا مزه نجاست نگيرد.**

**5- پس از آب كشيدن چيز نجس عين نجاست در آن نباشد.**

**1- توضيح المسائل م 149**

**187**

**استفتاء**

**س ـ اگر شخصى در عبادات يا طهارت و نجاست دچار وسواسى شده باشد و زياد شك كند تكليف شرعى او چيست ؟**

**ج ـ نبايد به شكهاى خود اعتنا كند و اگر اعتنا كند كار حرامى كرده است و هر عمل را بيش از يك بار نبايد انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شك در نجاست چيزى يا صحّت عمل كرد بايد بنابر طهارت و صحّت بگذارد و اگر بر خلاف آن عمل كرد جايز نيست .(1)**

**1- استفتائات ج 1 ص 111 س 298**

**189**

**چگونگى پاك كنندگى زمين و شرايط آن**

**1- اگر كف پا يا كف كفش هنگام راه رفتن نجس شود و به سبب تماس با زمين آلودگى ها برطرف گردد پاك مى شود. پس زمين فقط پاك كنندهء كف پا و كف كفش است آنهم با اين شرايط:**

**-- زمين پاك باشد.**

**-- زمين خشك باشد**

**(تر نباشد).**

**-- زمينى پاك كننده است كه خاك ، شن، سنگ آجر، فرش و مانند اينها باشد.(1)**

**2- اگر بر اثر تماس ته كفش يا كف پا با زمين نجاست برطرف شود پاك مى گردد ولى بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود(2).**

**3- اين اشياء پاك كننده نيست :**

**-- موزائيك -- آسفالت -- فرش -- زمينى كه با چوب فرش شده است -- حصير -- سبزه و گياه مگر به قدرى كم باشد كه چيزى به حساب نيايد و عرفاً بگويند بر زمين راه مى رود.(3)**

**4- بنابر احتياط واجب زمين موارد زير را پاك نمى كند: دست و زانوى معلولانى كه با دست يا زانو راه مى روند. نعل چهارپايان . نوك عصا. جوراب (مگر جورابى كه كف آن از پوست باشد). ته پاى مصنوعى . چرخ اتومبيل .(4)**

**190**

**چند مسأله :**

**1- بعد از آن كه كف پا يا ته كفش پاك شد مقدارى از اطراف آن هم كه معمولاً به گل آلوده مى شود اگر زمين يا; خاك به آن اطراف برسد پاك مى گردد.(5)**

**2- داخل كفش و مقدارى از كف پا كه به زمين نمى رسد با راه رفتن پاك نمى شود.(6)**

**3- لازم نيست كف پا و ته كفشِ نجس تر باشد بلكه اگر خشك هم باشد با راه رفتن پاك مى شود.(7)**

**1ـ توضيح المسائل م 183 192**

**2ـ العروة الوثقى ج 1 فصل فى المطهرات ص 124**

**3ـ همان ص 125**

**4ـ همان ص 126و توضيح المسائل م 188**

**5ـ توضيح المسائل م 187**

**6ـ توضيح المسائل م 190**

**7ـ توضيح المسائل م 186**

**191**

**چگونگى پاك كنندگى آفتاب و شرايط آن**

**آفتاب هم با شرايطى كه خواهد آمد اين موارد را پاك مى كند: زمين . ساختمان و چيزهايى كه در آن بكار رفته است ; مانند در و پنجره . درخت و گياه .(1)**

**192**

**شرايط مطهّر بودن آفتاب**

**چيز نجس تر باشد; به قدرى كه اگر چيزى به آن برسد تر شود. با تابش آفتاب خشك شود اگر مرطوب بماند پاك نشده است . چيزى مانند ابر يا پرده مانع تابش آفتاب نباشد مگر آن كه رقيق و نازك باشد و از تابش آفتاب جلوگيرى نكند. آفتاب به تنهايى آن را خشك كند; مثلاً با كمك باد خشك نشود. هنگام تابش آفتاب عين نجاست و در آن نباشد پس اگر عين نجاست هست پيش از تابش آفتاب برطرف آنچه خودبخود نجس است مانند خون <<عين نجاست >> است . شود. قسمت بيرون و درون ديوار يا زمين را يكباره خشك كند پس اگر روى آن امروز خشك شود و درون آن فردا تنها روى آن پاك مى شود.**

**193**

**دو مسأله :**

**1 اگر زمين و مانند آن نجس شود ولى رطوبتى نداشته باشد مى توانيم مقدارى آب يا چيز ديگرى كه سبب مرطوب شدن آن شود**

**بر آن بريزيم تا آفتاب بتابد و آن را پاك كند(2).**

**2 ريگ و خاك و گل و سنگ تا زمانى كه بر زمين است و جزء آن به حساب مى آيد با آفتاب پاك مى شود و اگر جدا شد با آفتاب پاك نمى شود و همچنين ميخ و چوب و مانند آن تا وقتى كه بر ديوار است و جزء آن به حساب مى آيد حكم ساختمان را دارد و اگر جدا شد اين حكم را ندارد و آفتاب پاكش نمى كند.(3)**

**1- العروة الوثقى ج 1 ص 129 و تحرير الوسيله ج 1 ص 130**

**2- العروة الوثقى ج 1 ص 129تا 131و تحريرالوسيله ج 1 ص 130**

**3- تحريرالوسيله ج 1 ص 130 م 10**

**195**

**استحاله**

**1- اگر جنس چيز نجس به گونه اى عوض شود كه به صورت چيز پاكى درآيد پاك مى شود و گويند استحاله شده است ; مانند اين موارد:**

**ـ مردار تبديل به خاك شود.**

**ـ دانهء نجس تبديل به گياه گردد.**

**ـ چوب نجس بسوزد و خاكستر شود.**

**ـ مواد سوختى بسوزد و دود شود.**

**ـ شراب سركه شود(1).**

**2- اگر جنس چيز نجس عوض نشود و فقط تغيير شكل دهد پاك نمى شود; مثل : اينكه : ـ گندم نجس را آرد كنند يا نان بپزند.**

**ـ انگور نجس سركه شود.(2)**

**3- چيز نجسى كه معلوم نيست استحاله شده يا نه نجس است .(3)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 131و توضيح المسائل م 195**

**2ـ توضيح المسائل م 197**

**3ـ همان م 195و 199**

**196**

**انتقال**

**اگر خون بدن انسان يا حيوانى كه خون جهنده دارد به بدن انسان يا حيوانى كه خون جهنده ندارد منتقل شود و جزء بدن آن حيوان به حساب آيد پاك مى گردد و همچنين اگر جزئى از بدن انسان يا حيوان به بدن انسان ديگر يا حيوان زندهء غير نجس العين منتقل شود و جزء آن به حساب آيد پاك مى گردد; مثل اينكه :**

**ـ خون بدن انسان به بدن پشه يا مگس منتقل شود.**

**ـ جزئى از بدن حيوانى (مانند چشم ) را جدا كرده و به بدن انسان منتقل كنند.**

**ـ مقدارى از گوشت بدن را بريده و به جاى ديگر بدن پيوند دهند.(1)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 131 توضيح المسائل م 205**

**198**

**اسلام**

**1 اگر كافر شهادتين بگويد مسلمان مى شود و با اسلام تمام بدن او (حتى عرق و آب دهانش ) پاك مى گردد; يعنى بگويد:**

**<<اشهد ان لا اله الاّ الله ـ اشهد انّ محمّداً رسول الله >>(1).**

**2 اگر كافر شهادتين بگويد و انسان نداند كه قلباً مسلمان شده يا نه پاك است . ولى اگر بداند كه قلباً مسلمان نشده بنابراحتياط واجب بايد از او اجتناب كرد(2).**

**3 اگر بدن كافر با نجاست ديگرى (عارضى ) نجس شده باشد; مثلاً جايى از بدن او زخم شده و به خون آلوده است آن نجاست با اسلام پاك نمى شود.(3)**

**4 لباسهايى كه قبل از اسلام با رطوبت بدن كافر نجس شده با اسلام پاك نمى شود. بلكه لباسهايى هم كه در هنگام اسلام آوردن به تن دارد و با رطوبت بدن نجس شده بنابراحتياط واجب بايد از آنها اجتناب كرد(4).**

**1-تحريرالوسيله ج 1 ص 131 توضيح المسائل م 207**

**2ـ همان م 209**

**3ـ العروة الوثقى ج 1 فصل فى المطهرات ص 141الثامن .**

**4ـ توضيح المسائل م 208**

**199**

**تبعيّت**

**1 تبعيّت آن است كه شىء نجسى به واسطهء پاك شدن چيز ديگرى پاك شود.**

**2 در موارد زير اشياء نجس به تبعيّت پاك مى شود. شراب سركه شود ظرف آن هم پاك مى شود حتى جاهايى كه هنگام جوش آمدن نجس شده . و حتى اگر پشت ظرف هم نجس شده باشد. پس از اتمام سه غسل ميّت تختى كه ميّت را بر آن خوابانده اند و دست غسال و پارچه اى كه بر ميت انداخته اند (لنگ ) پاك مى شود. كسى كه چيزى را تطهير مى كند اگر دست و آن چيز با هم آب كشيده شود .دست او هم پاك مى شود و احتياج به تطهير مجدّد ندارد(1).**

**برطرف شدن عين نجاست :در دو مورد اگر عين نجس برطرف شود ،چيز نجس پاك مى شود و احتياج به آب كشيدن ندارد:**

**1 بدن حيوان : مثلاً منقار مرغى كه نجاست خورده هنگامى كه نجس برطرف شود منقارش پاك است .**

**2 باطن بدن انسان : مانند داخل دهان و بينى و گوش ; بنابراين اگر هنگام مسواك كردن از لثه ها خون بيايد يا شخصى غذاى نجس بخورد زمانى كه در دهان غذاى نجس و خون نباشد يا به قدرى كم است كه با آب دهان مخلوط شده و از بين برود پاك است و آب كشيدن داخل دهان لازم نيست .(2)**

**200**

**استفتاء**

**س ـ اگر دهان خونى شود و در دهان دندان مصنوعى طورى باشد كه به دندان طبيعى چسبيده باشد و نشود آن را براى آب كشيدن به بيرون از دهان آورد آيا نحوهء تطهيرش مانند دندان طبيعى است ؟**

**ج ـ بنابراحتياط واجب حكم دندان طبيعى را ندارد و بايد تطهير شود.(3)**

**1- تحريرالوسيله ج 1 ص 131و توضيح المسائل م 211ـ 215**

**2- توضيح المسائل م 216ـ 217**

**3- استفتائات ج 1 ص 99 س 258**

**202**

**استبراء حيوان نجاستخوار**

**1 بول و غايط حيوانى كه به خوردن نجاست انسان عادت كرده نجس است له جهر چند حلال گوشت باشدله ج .**

**2 اگر بخواهند بول و غايط چنين حيوانى پاك شود بايد آن را استبراء كنند يعنى مدّتى آن را از نجاست بازداشته و غذاى پاك به آن بدهند.**

**3 براى استبراء حيوانات بنابراحتياط واجب بايد مدتهاى زير مراعات شود. شتر 40روز گاو 20روز گوسفند 10روز مرغابى 5روز مرغ خانگى 3روز(1).**

**1- تحريرالوسيله ج 1 ص 132**

**203**

**غايب شدن مسلمان**

**اگر بدن يا لباس مسلمان يا چيز ديگرى كه در اختيار اوست (مانند ظرف و فرش ) نجس شود و آن مسلمان غائب گردد**

**اگر انسان احتمال بدهد آن چيز را تطهير كرده محكوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نيست(1) .**

**1ـ توضيح المسائل م 221 تحريرالوسيله ج 1 ص 132**

**205**

**احكام تخلّى (توالت رفتن )**

**چون يكى از مسائل تخلّى تطهير مخرج بول و غايط است احكام تخلى را در پايان مبحث مطهرات مى آوريم :**

**واجب : پوشاندن عورت از ديگران حتى ديوانه و بچهء مميّز (بجز همسر) حرام : رو به قبله يا پشت به آن بودن .**

**206**

**مستحب :**

**1 جايى بنشيند كه كسى او را نبيند.**

**2 هنگام وارد شدن به توالت با پاى چپ داخل شود.**

**3 هنگام بيرون آمدن اوّل پاى راست را بيرون بگذارد.**

**4 هنگام تخلّى سر را بپوشاند.**

**5 سنگينى بدن را روى پاى چپ بيندازد.**

**207**

**مكروه :**

**1 توقف زياد**

**2 روبروى خورشيد يا ماه بودن .**

**3 روبروى باد.**

**4 حرف زدن مگر در حال ضرورت و گفتن ذكر.**

**5 تطهير با دست راست .**

**6 خوردن و آشاميدن در حال تخلى .**

**7 ايستاده بول كردن(1) .**

**1ـ العروة الوثقى**

**ج 1 فصل فى مستحبات التخلى و مكروهاته ص 178 ،179 ،180 ،181 ،182و توضيح المسائل م 57 ،59 ،78 ،79 ،80**

**208**

**مكانهايى كه تخلى در آنها حرام است :**

**1 در كوچه هاى بن بست كه صاحبان آنها اجازه نداده باشند.**

**2 در ملك كسى كه اجازهء تخلى نداده است .**

**3 در جايى كه براى افراد خاصى وقف شده است .**

**4 بر قبر مؤمنان در صورتى كه بى احترامى به آنان باشد.(1)**

**مكانهايى كه تخلّى در آنها مكروه است :**

**1 در جاده خيابان كوچه درب خانه .**

**2 زير درختى كه ميوه مى دهد.**

**3 بر زمين سخت .**

**4 در لانه جانوران .**

**5 در آب .(2)و احتياط واجب آن است كه بچه را به هنگام تخلّى رو به قبله يا پشت به آن ننشانند ولى اگر خود بچه بنشيند جلوگيرى از او واجب نيست .(3)**

**1 ـ توضيح المسائل م 64**

**2 ـ توضيح المسائل م 79و 80**

**3 ـ توضيح المسائل م 63**

**210**

**تطهير مخرج بول و غايط**

**1 مخرج بول با غير آب (سنگ كلوخ پارچه و... ) پاك نمى شود.**

**2 براى تطهير مخرج بول بعد از برطرف شدن بول يك بار شستن آن كافى است .**

**3 پاك شدن مخرج غايط با غير آب : محل تأمل است (به احتياط واجب پاك نمى شود) ولى مى توان با آن حال له جپس از برطرف كردن نجاست و قبل از تطهير با آب له ج نماز خواند.(1)**

**4 بر مردان مستحب است بعد از بيرون آمدن بول استبراء كنند و چنانچه انسان بعد از بول استبراء كند و بعد آبى از او خارج شود و شك كند بول است يا نه حكم بول ندارد (كيفيت استبراء در رساله توضيح المسائل آمده است ).(2)**

**1- ـ توضيح المسائل م 66و 68**

**2- ـ همان م 72و 73**

**211**

**وقت نماز**

**براى آشنايى با مسائل و احكام وقت نماز ابتدا يادآور مى شويم كه نماز يا واجب است يا مستحب نمازهاى واجب هم دو دسته اند; بعضى از آنها تكليف هر روز مى باشد و در هر شبانه روز در زمانهاى خاصى بايد بجا آورده شود و برخى ديگر نمازهايى هستند كه گاهى از اوقات به سببى خاص واجب مى شود و برنامه هميشگى و هر روزه نمى باشد.**

**212**

**نمازهاى واجب(1) :**

**1- هر روز (يوميّه ):**

**- صبح**

**- ظهر**

**- عصر**

**- مغرب**

**- عشاء**

**2- مقطعى :**

**- آيات**

**- طواف واجب**

**- ميّت**

**- قضاى پدر بر پسر بزرگتر**

**- نمازى كه با نذر واجب مى شود.ن ص**

**1ـ توضيح المسائل**

**نمازهاى واجب .**

**214**

**وقت نمازهاى يوميّه**

**براى نمازهاى يوميّه سه وقت است :**

**1- وقت مخصوص**

**2- وقت مشترك**

**3- وقت فضيلت براى آشنايى با اوقات نماز شناخت اين زمانها لازم است :**

**215**

**فجر دوّم**

**نزديك اذان صبح از طرف مشرق سفيده اى رو به بالا حركت مى كند كه آن را <<فجر اوّل >> گويند هنگامى كه آن سفيده پهن شد <<فجر دوّم >> و ابتداى وقت نماز صبح است(1) .**

**216**

**ظهر**

**اگر چوب يا چيزى مانند آن را عمود بر زمين قرار دهيم وقتى كه سايه آن به كمترين مقدار رسيد و رو به افزايش گذاشت <<ظهر شرعى >> و ابتداى وقت نماز ظهر است .(2)**

**217**

**مغرب**

**<<مغرب >> موقعى است كه سرخى طرف مشرق كه بعد از غروب آفتاب پيدا مى شود از بين برود.(3)**

**218**

**نيمه شب**

**اگر فاصلهء بين غروب آفتاب و اذان صبح را دو نيم كنيم وسط آن <<نيمه شب >> و آخر وقت نماز عشاء است .(4)**

**219**

**وقت نماز صبح**

**از اذان صبح (طلوع فجر دوّم ) تا طلوع آفتاب وقتِ مخصوص نماز صبح است و چون نماز ديگرى در اين 0قت واجب نيست وقت مشتركى ندارد.(5)**

**220**

**وقت مخصوص و مشترك نماز ظهر و عصر**

**1- از اذان ظهر تا مغرب وقت خواندن نماز ظهر و عصر است كه از اوّل آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت چمخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در اين وقت خوانده شود باطل است . و در آخر وقت به مقدار خواندن جنماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصلهء بين اين دو زمان وقت مشترك بين ظهر وح عصر است كه هر دو نماز را مى توان خواند ولى نماز ظهر بايد قبل از نماز عصر خوانده شود.(6)**

**2- اگر كسى تا وقت مخصوص عصر نمازظهر را نخوانده باشد نماز ظهر او قضا شده و بايد نماز عصر رابخواند.(7)**

**221**

**وقت مخصوص و مشترك نماز مغرب و عشا**

**1- از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است كه از اوّل آن به مقدار خواندن يك نمازسه ركعتى وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نمازحعشا است و فاصلهء اين زمان وقت مشترك بين مغرب و عشا است كه هر دو نماز را مى توان خواند ولى نماز عشا0ايد پس از نماز مغرب خوانده شود.(8)**

**2- وقت مخصوص نمازهاى چهار ركعتى براى مسافر به مقدار خواندن دو ركعت نماز است و براى كسى كه ؟مسافر نيست به اندازهء خواندن چهار ركعت نماز است .(9)**

**3-اگر عمداً يا به واسطهء عذرى مانند فراموشى يا خواب ماندن يا حائض بودن نماز مغرب يا عشا را تاژنصف شب نخواند بنابر احتياط واجب بايد تا قبل از اذان صبح بدون اين كه نيّت ادا يا قضا كند بجا آورد.(10)**

**4-وقت نماز جمعه كه در روز جمعه به جاى نماز ظهر خوانده مى شود اوّل ظهر است و احتياط واجب آن 2ست كه از اوايل وقت تأخير نيندازد.(11)**

**222**

**وقت فضيلت نمازهاى يوميّه**

**وقت فضيلت زمانى است كه اگر نماز در آن وقت خوانده شود ثواب بيشترى دارد.**

**223**

**وقت فضيلت نماز ظهر:**

**از اول ظهر است تا زمانى كه سايهء پديد آمدهء شاخص ؟ به اندازهء طول شاخص افزوده شاخص جسم ميله مانندى را گويند كه به طور قائم بر سطح افقى نصب شده باشد مثلاً چوبى كه عمود بر زمين باشد. گردد; مثلاً اگر طول شاخص يك متر باشد و هنگام ظهر 20سانتى متر سايه داشته باشد پايان وقت فضيلت نماز5هر وقتى است كه سايهء شاخص به 120سانتى متر برسد.**

**224**

**وقت فضيلت نماز عصر:**

**پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانى كه سايهء شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.**

**225**

**وقت فضيلت نماز مغرب :**

**از اول مغرب است تا زمانى كه سرخى طرف مغرب از بين برود.**

**226**

**وقت فضيلت نماز عشا:**

**شروع آن از پايان وقت فضيلت نماز مغرب است و پايان آن ثلث شب ; به عبارت ديگر8ز هنگام برطرف شدن سرخى طرف مغرب تا گذشتن 13شب .**

**227**

**وقت فضيلت نماز صبح :**

**وقت فضيلت نماز صبح از اذان صبح است تا زمانى كه هوا روشن شود.(12)**

**1ـ توضيح المسائل م 741**

**5 ـ همان م 741**

**6ـ همان م 731**

**7ـ توضيح المسائل م 731**

**8ـ توضيح المسائل م 736**

**9ـ توضيح المسائل م 737**

**10ـ توضيح المسائل م 740**

**11ـ توضيح المسائل م 734**

**12ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 137**

**228**

**احكام وقت نماز**

**1- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود يا عمداً نماز را قبل از وقت شروع كند باطل است .(1)**

**2- اگر انسان يقين كند يا دو مرد عادل بگويند وقت نماز شده و نماز را شروع كند و: در بين نماز متوجه شود هنوز وقت داخل نشده نمازش باطل است . در بين نماز متوجه شود اكنون وقت نماز شده نمازش صحيح است . پس از نماز بفهمد تمام نماز قبل از وقت بوده نمازش باطل است . پس از نماز متوجه شود بخشى از نماز قبل از وقت خوانده شده نمازش صحيح است .(2)**

**3- مستحب است انسان نماز را اول وقت بخواند و در روايات بر اين مطلب سفارش بسيارى شده است و هر چه به اول وقت نزديكتر باشد بهتر است مگر آن كه تأخير آن از جهتى بهتر باشد; مثلاً صبر كند كه نماز را به جماعت بخواند.(3)**

**4- اگر وقت نماز تنگ باشد كه با خواندن مستحبّات بخشى از نماز بعد از وقت خوانده مى شود بايد مستحبات را بجا نياورد; مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند وقت مى گذرد بايد قنوت نخواند.(4)**

**5- اگر انسان نماز ظهر و عصر را قبل از سفر در اول وقت آن بخواند و سپس با هواپيما مسافرت را آغاز كند و زمانى به مقصد برسد كه هنوز ظهر آن روز فرا نرسيده باشد لازم نيست نماز ظهر و عصر را دوباره بخواند و همچنين اگر زمانى برسد كه هنوز وقت نماز ظهر و عصر باقى است(5) .**

**6- اگر پس از طلوع آفتاب با اين كه نماز صبح آن روز را نخوانده است سفر را آغاز كند و قبل از طلوع آفتاب به مقصد برسد بايد نماز صبح آن روز را به نيّت ادا بخواند.(6)**

**7- اگر نماز ظهر و عصر را نخوانده باشد و پس از مغرب (كه نمازش قضا شده ) با هواپيما مسافرت را آغاز كند و پس از اوج گرفتن هواپيما خورشيد را ببيند بايد داخل هواپيما قبل از آنكه وقت بگذرد نماز را به نيّت ادا بخواند حتى اگر به مقدار خواندن يك ركعت از نماز وقت باقى باشد.(7)**

**229**

**8- اگر هنگام حركت هواپيما وقت نماز فرا نرسيده ; مثلاً پرواز قبل از اذان صبح باشد و در هواپيما وقت نماززفرا رسيده و تمام مى شود; يعنى قبل از طلوع آفتاب به مقصد نمى رسد بايد نماز را داخل هواپيما بخواند. يادآورى مى شود كه اگر هواپيما به قدرى از شهر فاصله گرفته است كه ديوارهاى آن ديده نمى شود و در همين فاصله به طور معمول صداى اذان آنجا شنيده نمى شود بايد نماز را شكسته بخواند.**

**230**

**استفتاء**

**س 1 بيدار نمودن افراد خانواده براى نماز صبح با چه كيفيّتى مجاز است ؟**

**ج ـ اگر بيدار نكردن آنها موجب سهل انگارى و استخفاف به امر نماز باشد بايد آنها را بيدار نمايد.(8)**

**س 2 هنگامى كه ميهمانى براى ما مى آيد و وقت نماز خواندن هم شده است ما بايد كداميك را از نظر اسلام درح آن شرايط كه مهمان آمده ارجحيّت بيشترى بدان دهيم آيا بايد پس از كمى كه پيش مهمان نشستيم از او عذرج بخواهيم و به خواندن نماز مشغول شويم و يا اينكه هنگامى كه مهمان رفت نمازمان را بخوانيم ؟**

**ج ـ مستحب است نماز را اوّل وقت بخوانند.(9)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 137 م 744**

**2ـ العروة الوثقى ج 1 ص 530و فصل فى احكام الاوقات م 3و توضيح المسائل م 744**

**3ـ توضيح المسائل م 751**

**4ـ توضيح المسائل م 747**

**5ـ همان م 3**

**6ـ تحريرالوسيله ج 2 ص 632 م 4**

**7ـ همان .**

**8ـ استفتاآت ج 1 ص 133 س 25**

**9ـ همان ص 26**

**232**

**قِبله**

**1- خانهء كعبه**

**<<قبله ء>> مسلمانان است و نمازگزار بايد رو به آن نماز بخواند. دفن ميّت و ذبح حيوان نيز بايد رو به قبله باشد.**

**2- كسى كه بيرون شهر مكه و دور از آن است اگر طورى بايستد كه بگويند رو به قبله نماز مى خواند كافى است(1) .**

**3- كسى كه نماز واجب را ايستاده مى خواند بايد طورى بايستد كه بگويند رو به قبله ايستاده و لازم نيست زانوها و نوك پاى او هم رو به قبله باشد.(2)**

**233**

**راههاى تشخيص قبله**

**خود انسان يقين كند; يعنى جهت قبله را مى داند. دو نفر عادل بگويند. كسى كه از روى قاعدهء علمى قبله را مى شناسد و مورد اطمينان است بگويد. گمانى كه از محراب مساجد و قبور مسلمين حاصل شود(3).**

**234**

**تابش خورشيد و تعيين قبله**

**در دو روز از سال ; يعنى روزهاى 6خرداد و 24تير هنگام ظهر خورشيد كاملاً عمود بر كعبه مى تابد و در ساير مناطق جهان مى توان به كمك خورشيد جهت قبله را مشخص كرد; يعنى اگر هنگام ظهر شرعى (به وقت مكّه ) رو به خورشيد بايستيم به سمت قبله قرار مى گيريم و دقيق تر آن كه ; اگر در آن دو روز هنگام ظهر (به وقت مكّه ) در هر جاى كرهء زمين شاخصى نصب كنيم سايهء آن از نوك سايه به سمت پايهء شاخص جهت قبله خواهد بود.(4)**

**1ـ توضيح المسائل م 776**

**2ـ توضيح المسائل م 777**

**3ـ توضيح المسائل م 782**

**4ـ مجلهء نور علم ش 8 ص 9**

**235**

**وظيفهء كسى كه جهت قبله را نمى داند**

**اگر انسان در موقعيتى قرار بگيرد كه پس از تلاش براى پيدا كردن قبله نتواند جهت آن را تشخيص دهد به هر طرف كه گمان دارد جهت قبله است نمازش را بخواند و اگر گمان هم پيدا نشد و به طور كلى قبله بر او نامعلوم باشدچنانچه وقت دارد بايد به چهار طرف نماز بخواند و اگر بدين مقدار وقت ندارد به سه طرف و با كمبود وقت به دو طرف و در كمتر از آن به يك طرف نماز بخواند. در صورتى كه نمازگزار بعد از نماز متوجه شد رو به قبله نبوده اگر:**

**انحراف از قبله به قدرى نبوده كه به سمت راست يا چپ قبله نماز خوانده باشد نمازش صحيح است . و در صورتى كه به سمت راست يا چپ قبله بوده :**

**ـ اگر در وقت نماز متوجه شود بايد نماز را اعاده كند.**

**ـ اگر پس از وقت متوجه شود نمازِ خوانده شده صحيح است ولى احتياط مستحب است كه قضاى آن را بجا آورد(1).**

**236**

**توضيح :**

**چنانچه به چهار طرف نماز بخواند به يقين يكى از آنها رو به قبله يا با كمى انحراف از قبله خواهد بود. و اگر به سه يا دو طرف نماز خوانده باشد و يكى از آنها رو به قبله يا كمى با انحراف باشد كافى است . در صورتى كه نمازگزار در بين نماز متوجه شود رو به قبله نيست .اگر انحراف به حدّ سمت راست يا چپ قبله يا پشت به قبله نباشد بايد به سمت قبله بگردد و نماز را ادامه دهد و صحيح است . و در صورتى كه انحراف به حدّ سمت راست يا چپ قبله يا پشت به آن باشد .اگر وقت نماز وسعت دارد بايد اين نماز را بر هم زند و دوباره شروع كند.**

**ـ وقت نماز تنگ است بايد به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد و احتياط مستحب است قضاى آن را نيز بجا آورد.(2) حكم كلّى تمام نمازها بايد رو به قبله انجام شود مگر نماز مستحب كه اگر رو به قبله هم نباشد صحيح است ولى اگر رو به قبله باشد ثواب بيشترى دارد.(3)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 141 م 4**

**2ـ همان .**

**3ـ تحريرالوسيله ص 113 م 6**

**238**

**لباس نمازگزار**

**يكى از مسائلى كه قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است مسأله پوشش است و اكنون به بيان مقدار پوشش و شرايط آن مى پردازيم :**

**239**

**مقدار پوشش در نماز**

**1- مردان ; بايد عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.(1)**

**2- زنان ; بايد تمام بدن را بپوشانند بجز:**

**-- دستها تا مچ .**

**-- پاها تا مچ .**

**-- صورت به مقدارى كه در وضو بايد شسته شود.(2)**

**3- بر زنان پوشاندن دستها و پاها و صورت به مقدارى كه در مسألهء پيش گفته شد در نماز واجب نيست يادآورى مى شود**

**براى بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نيست ولى از نگاه نامحرم بايد بپوشانند. تفصيل احكام نگاه كردن در درس 62خواهد آمد.**

**گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.(3)**

**4- لباس نمازگزار بايد داراى اين ويژگى ها باشد:**

**-- پاك باشد (نجس نباشد).**

**-- مباح باشد (غصبى نباشد).**

**-- از اجزاء مردار نباشد; مثلاً از پوست حيوانى كه مطابق دستور اسلام ذبح نشده تهيه نگرديده باشد حتى كمربند و كلاه .**

**-- از حيوان حرام گوشت نباشد; مثلاً از پوست پلنگ يا خوك تهيه نشده باشد.**

**-- اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف يا ابريشم خالص نباشد.(4)]**

**5- اگر لباس نمازگزار از اجزاى حيوان حرام گوشت تهيه شده باشد هر چند اجزاى بى روح آن مانند پشم يا مو ،نمازخواندن با آن باطل است .(5)**

**6- هيچ جزئى از حيوان حرام گوشت نبايد همراه نمازگزار باشد هر چند لباس نباشد بنابراين اگر بند ساعت تيا كمربند يا دكمه يا بند لباس از حيوان حرام گوشت باشد نماز باطل است .(6)**

**7- لباسى كه از پشم و كرك و موى حيوان حلال گوشت تهيه شده نماز خواندن با آن صحيح است چون نه اًنجس است و نه از اجزاى روح دار مردار و نه حيوان حرام گوشت .(7)**

**8- در كشورهاى غيراسلامى لباسهايى كه از اجزاى روح دار حيوان تهيه شده است نماز خواندن با آن باطل )است مگر آن كه ذبح شرعى آن محرز شود.**

**9- اگر قسمتى از لباس و حتى جزء كوچكى از آن از مردار باشد نماز با آن باطل است .(8)**

**10- چيزى كه از اجزاى روح دار مردار ـ حتى مردار حيوان حلال گوشت ـ تهيه شده**

**240**

**هر چند لباس نباشد بنابر6حتياط واجب نبايد همراه نمازگزار باشد.(9)**

**11- اگر انسان شك داشته باشد كه لباس از حيوان حلال گوشت است يا حرام گوشت چه در كشور اسلامى ب و چه غيراسلامى تهيه شده باشد نماز خواندن با آن مانعى ندارد.(10)**

**12 اگر از روى فراموشى با لباسى كه از حيوان حرام گوشت است نماز بخواند و بعد از آن متوجه شود ؟بنابراحتياط واجب بايد آن نماز را دوباره بخواند.(11)**

**13 علاوه بر لباس بدن نمازگزار نيز بايد پاك باشد.(12)**

**241**

**استفتاء**

**س ـ اگر خانمى با لباس محفوظ;مثل مانتوى گشاد و شلوار و روسرى يا مقنعهء بزرگ نماز بخواند درست است يا خير؟**

**ج ـ اشكال ندارد.(13)**

**1ـ توضيح المسائل م 788**

**2ـ همان م 789**

**3ـ توضيح المسائل م 789**

**4ـ همان م 798**

**5ـ توضيح المسائل م 824**

**6 ـ همان .**

**7 ـ توضيح المسائل م 823**

**8ـ توضيح المسائل م 821**

**9ـ توضيح المسائل م 822**

**10ـ توضيح المسائل م 827**

**11ـ توضيح المسائل م 830**

**12ـ توضيح المسائل م 799و 800**

**13ـ استفتاآت ج 1 ص 137 س 35**

**242**

**حكم نماز خواندن با بدن و لباس نجس**

**243**

**در اين موارد**

**نماز خواندن با بدن يا لباس نجس باطل است :**

**--عمداً با بدن يا لباس نجس نماز بخواند.**

**-- در ياد گرفتن احكام شرعى كوتاهى كرده و به جهت ندانستن مسأله با بدن يا لباس نجس نماز خوانده است .(1)**

**-- نجس بودن بدن يا لباس را مى دانسته ولى هنگام نماز فراموش كرده و با آن نماز خوانده است .(2)**

**244**

**در اين موارد**

**اگر با بدن يا لباس نجس نماز بخواند صحيح است**

**-- نداند بدن يا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.(3)**

**-- به واسطهء زخمى كه در بدن اوست بدن يا لباسش نجس شده و آب كشيدن يا عوض كردن آن هم دشوار است .**

**-- لباس يا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولى مقدار آلودگى كمتر از دِرهَم است . يك درهم تقريباً به اندازهء يك سكهء دو ريالى است .**

**-- ناچار باشد كه با بدن يا لباس نجس نماز بخواند; مثلاً آب براى تطهير ندارد.(4)ِ**

**245**

**چند مسأله :**

**1- اگر لباسهاى كوچك نمازگزار; مثل دستكش و جوراب نجس باشد يا دستمال كوچكِ نجسى در جيب داشته باشد چنانچه از اجزاء مردار يا حرامگوشت نباشد اشكال ندارد.(5)**

**2- پوشيدن عبا و لباس سفيد و پاكيزه ترين لباسها و استعمال بوى خوش و دست كردن انگشترى عقيق در نماز مستحب است .(6)**

**3- پوشيدن لباس سياه و چرك و تنگ و لباسى كه نقش صورت دارد و باز بودن دكمه هاى لباس در نماز مكروه است .(7) حكم كلّى طهارت بدن و لباس در تمام نمازها شرط است بجز نماز ميّت .(8)**

**1ـ توضيح المسائل م 800**

**2ـ توضيح المسائل م 803**

**3ـ توضيح المسائل م 802**

**4ـ توضيح المسائل م 848**

**5ـ توضيح المسائل م 861**

**6ـ توضيح المسائل م 864**

**7ـ توضيح المسائل م 865**

**8ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 143 م 8**

**247**

**شرايط مكان نمازگزار و حكم آن**

**مكانى كه انسان بر آن نماز مى خواند بايد داراى شرايط زير باشد:**

**-- مباح باشد.**

**-- بى حركت باشد.**

**-- تنگ و سقف آن كوتاه نباشد تا بتواند قيام و ركوع و سجود را به طور صحيح انجام دهد.**

**-- جايى كه پيشانى را مى گذارد پاك باشد.**

**-- مكان نمازگزار اگر نجس است طورى تر نباشد كه به بدن يا لباس نمازگزار سرايت كند.**

**-- جايى كه پيشانى را مى گذارد از جاى زانوها و بنابر احتياط واجب از جاى انگشتان پا بيش از چهار انگشت بسته پست تر يا بلندتر نباشد.(1)**

**248**

**احكام مكان نمازگزار**

**1- يكى از شرايط مكان نمازگزار مباح بودن آن است پس در اين مكانها نماز باطل است :**

**-- نماز در ملك ديگران بدون اجازه صاحبش .**

**-- نماز در ملكى كه منفعت آن از ديگرى است ; مثلاً نماز خواندن در خانه اى كه اجاره داده شده بدون اجازهء مستأجر.**

**-- نماز خواندن در ملكى كه شريك دارد و سهم او جدا نيست (ملك مُشاع ) بدون اجازه شريك .**

**-- اگر با عين پولى كه خمس و زكات آن را نداده ملكى بخرد و در آن نماز بخواند.**

**-- نماز خواندن در ملك ميّتى كه خمس يا زكات بدهكار است .**

**-- نماز خواندن در ملك ميّتى كه به مردم بدهكار است .**

**-- نماز خواندن در ملك ميّتى كه قرض ندارد ولى بعضى از ورثهء او صغير يا ديوانه باشند يا غايب باشند بدون اجازهء قيّم .**

**-- نماز خواندن بر تخت و فرش غصبى .**

**249**

**كسى كه در مسجد نشسته اگر ديگرى جاى او را غصب كند و در آنجا نماز بخواند**

**بنابر احتياط واجب بايد4وباره نمازش را در محل ديگرى بخواند.(2) 2- در زمين بسيار وسيعى كه دور از ده و چراگاه حيوانات است اگر چه صاحبش راضى نباشد نماز خواندن ح و نشستن و خوابيدن در آن اشكال ندارد و در زمينهاى زراعتى هم كه نزديك ده است و ديوار ندارد اگر چه ح صاحبان آن صغير و ديوانه باشند نماز و عبور و تصرفات جزيى اشكال ندارد ولى اگر يكى از صاحبان ناراضى باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است .(3)**

**3- در جاهايى كه نمى داند غصبى است يا نه نماز خواندن اشكال ندارد.(4)**

**4- اگر در جايى كه نمى داند غصبى است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبى بوده نمازش صحيح است .(5)**

**5- يكى از شرايط مكان نمازگزار بى حركت بودن آن است بنابراين نماز خواندن در هواپيما ،كشتى ،قطار وچاتومبيل در حال حركت اگر سبب تكان خوردن بدن بشود مثلاً لرزش زياد دارد صحيح نيست ولى اگر انسان خ ناچار شود كه در آن حال نماز بخواند مثلاً اگر بخواهد صبر كند تا در هنگام توقف نماز بخواند وقت مى گذرد وخنماز قضا مى شود بايد نماز را در آن حال بخواند ولى ساير شرايط نماز را در حدّ امكان مراعات كند; يعنى اين گونه عمل كند: براى نماز وضو بگيرد و اگر نتواند بايد تيمم كند و چنانچه تيمم هم ممكن نباشد احتياط مستحب است 0ماز را بخواند و بعد قضاى آن را به جا آورد. اگر مى تواند بايد نماز را ايستاده بخواند و اگر نه در حال نشسته نماز بخواند. جهت قبله را مراعات كند پس اگر آن وسيلهء نقليه به طرف ديگر بگردد نمازگزار نيز بايد خود را با قبله تطبيق دهد. سجده بر كاغذ نيز صحيح است**

**چنانچه مهر يا خاك يا سنگ براى سجده ندارد بر آن سجده مى كند. اگر برخى از شرايط نماز را نتواند مراعات كند بايد به هر نحو كه مى تواند نماز را بخواند.(6)**

**6- در حال ناچارى نماز خواندن در مكان غصبى و در جايى كه سقف آن كوتاه است و يا جايش تنگ است ;9انند سنگر و در مكان ناهموار اشكال ندارد. ل(7)**

**250**

**7- انسان بايد رعايت ادب را بكند و جلوتر از قبر پيغمبر (ص ) و امام (ع ) نماز نخواند.(8)**

**8- بنابر احتياط مستحب زن بايد عقب تر از مرد باشد و جاى سجدهء او از جاى ايستادن مرد كمى عقب ترباشد.(9)**

**9- اگر زن برابر مرد يا جلوتر باشد و پرده يا ديوار و مانند آن بين آنها فاصله نشود و با هم وارد نماز شوند بهتر آن است كه نماز را دوباره بخوانند.(10)**

**10- بودن مرد و زن نامحرم در جاى خلوت جايز نيست و احتياط در نماز نخواندن در آن جاست ليكن اگرلله خواند نمازش باطل نيست .(11)**

**11- كسى كه در محل عبور مردم نماز مى خواند يا كسى روبروى اوست مستحب است جلوى خود چيزى أبگذارد و اگر چوب يا ريسمان يا تسبيح هم باشد كافى است .(12)**

**12- مستحب است انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر اين مسأله سفارش بسيار شده است .كـ همان م 893**

**251**

**استفتاء**

**س ـ نماز خواندن در بانكها و ادارات و امثال آن و مدارس كه اغلب وضعيت ملكى آنها مشخص نيست چه صورتى دارد؟**

**ج ـ اگر علم به غصب بودن محل ندارند اشكال ندارد.(13)**

**1ـ توضيح المسائل مكان نمازگزار.**

**2ـ توضيح المسائل م 866تا 877**

**3ـ توضيح المسائل م 879**

**4ـ توضيح المسائل م 869و تحريرالوسيله ج 1 ص 147 م 1**

**5 - توضيح المسائل م 870**

**6ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 108 م 7و ص 151 م 15**

**7ـ تحريرالوسيله ج 1 المقدمة الرابعة فى المكان م 1 و توضيح المسائل م 883**

**8ـ توضيح المسائل م 884**

**9ـ توضيح المسائل م 886**

**10ـ توضيح المسائل م 887**

**11 ـ همان م 886تا 889**

**12ـ توضيح المسائل م 899**

**13ـ استفتاآت ج 1 ص 147 س 69**

**252**

**احكام مسجد**

**اين كارها در رابطه با مسجد حرام است :**

**زينت كردن مسجد با طلا (بنا بر احتياط واجب(1) .**

**فروش مسجد هر چند خراب شده باشد و حتى فروختن زمين(2) .**

**نجس كردن مسجد و چنانچه نجس شود بايد فوراً تطهير كنند.(3)**

**بردن خاك و ريگ از مسجد مگر خاكهاى زيادى .(4)**

**253**

**اين كارها دربارهء مسجد مستحب است :**

**زودتر از همه به مسجد رفتن و ديرتر از همه از مسجد بيرون آمدن .**

**چراغ مسجد را روشن كردن .**

**تميز كردن مسجد.**

**هنگام وارد شدن ابتدا پاى راست را داخل مسجد گذاشتن .**

**هنگام بيرون آمدن از مسجد اوّل پاى چپ را بيرون گذاشتن .**

**خواندن دو ركعت نماز مستحبىِ تَحيّت و احترام مسجد.**

**خوشبو كردن خود و پوشيدن بهترين لباسها براى رفتن به مسجد.(5)**

**اين كارها دربارهء مسجد مكروه است :**

**گلدسته ها را بيش از پشت بام مسجد بالا بردن .**

**عبور از مسجد به عنوان محل عبور; بدون آن كه در آنجا نماز بخواند.**

**انداختن آب دهان و بينى در مسجد. خوابيدن در مسجد مگر در حال ناچارى . فرياد زدن در مسجد و صدا را بلند كردن**

**مگر براى اذان . خريد و فروش در مسجد. سخن گفتن از امور دنيا. رفتن به مسجد**

**براى كسى كه سير يا پياز خورده و بوى دهانش مردم را آزار مى دهد.(6)**

**همسايه مسجد اگر عذرى نداشته باشد مكروه است در غير مسجد نماز بخواند. مستحب است انسان با كسى كه در مسجد حاضر نمى شود غذا نخورد در كارها با او مشورت نكند ؟همسايه او نشود از او زن نگيرد و به او زن ندهد.**

**1ـ همان م 908**

**2ـ همان م 909**

**3ـ همان م 900**

**4ـ العروة الوثقى ج 1 كتاب الصلاة فصل 15فى بعض احكام المسجد الرابع .**

**5ـ توضيح المسائل م 912و 913**

**6 ـ العروة الوثقى ج 1 كتاب الصلاة فصل 15فى بعض احكام المسجد ص 600**

**7ـ توضيح المسائل م 896و 897**

**255**

**ترتيب اولويت مساجد براى نماز خواندن**

**از نظر ثواب**

**1- مسجدالحرام .**

**2- مسجد النبى (ص ) در مدينهء منوره .**

**3- مسجد كوفه .**

**4- مسجد بيت المقدس .**

**5- مسجد جامع هر شهر.**

**6- مسجد محله .**

**7- مسجد بازار.(1)**

**براى زنها نماز خواندن در خانه بهتر است ولى اگر بتوانند كاملاً خود را از نامحرم حفظ كنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند(2).**

**نماز در حرم امامان (ع ) مستحب بلكه بهتر از مسجد است و نماز در حرم اميرالمؤمنين (ع ) برابر دويست هزار نماز است .(3)**

**1ـ ـ توضيح المسائل م 893**

**2ـ همان م 894**

**3ـ همان م 895**

**256**

**جاهايى كه نماز خواندن در آنها مكروه است :**

**-- حمام .**

**-- زمين نمكزار.**

**-- مقابل درى كه باز است .**

**-- در جاده و خيابان و كوچه**

**اگر براى كسانى كه عبور مى كنند زحمت نباشد و اگر زحمت باشد حرام است ولى نماز باطل نيست .**

**-- مقابل آتش و چراغ .**

**-- در آشپزخانه و هر جا كه كورهء آتش باشد.**

**-- مقابل چاه و چاله اى كه محل بول است .**

**-- روبروى عكس و مجسمهء انسان يا حيوان مگر آن كه روى آن پرده بكشند.**

**-- در جايى كه عكس باشد هر چند روبروى نمازگزار نباشد.**

**-- در اطاقى كه شخص جنب در آن باشد.**

**-- مقابل قبر و روى آن و بين دو قبر.**

**-- در قبرستان .(1)**

**1ـ توضيح المسائل م 898**

**258**

**احكام اذان و اقامه**

**1- بر نمازگزار مستحب است قبل از نمازهاى يوميه ابتدا اذان و بعد از آن اِقامه بگويد(1).**

**2- اذان و اقامه بايد در وقتِ نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگويد باطل است .(2)**

**3- اقامه بايد بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگويد صحيح نيست(3) .**

**4- بين جمله هاى اذان و اقامه بايد زياد فاصله نشود و اگر بين آنها بيشتر از معمول فاصله بيندازد بايد دوباره آن را از سر بگيرد.(4)**

**5- اگر براى نماز جماعتى اذان و اقامه گفته باشند كسى كه با آن جماعت نماز مى خواند نبايد براى نماز خود اذان و اقامه بگويد.(5)**

**6- مستحب است كسى را كه براى گفتن اذان معين مى كنند عادل وقت شناس و صدايش بلند باشد.(6)**

**7- مستحب است در روز اوّلى كه بچه به دنيا مى آيد در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگويند.(7)**

**259**

**حكم كلّى**

**هيچ يك از نمازهاى مستحبى اذان و اقامه ندارد(8).**

**1ـ توضيح المسائل م 918**

**2ـ همان م 935**

**3ـ همان م 931**

**4ـ همان م 920**

**5ـ همان م 923**

**6ـ توضيح المسائل م 941**

**7ـ همان م 917**

**8ـ العروة الوثقى ج 1 ص 601**

**260**

**واجبات نماز**

**1- نماز با گفتن <<الله اكبر>> آغاز مى شود و با سلام به پايان مى رسد.**

**2- آنچه در نماز انجام مى شود يا واجب است يا مستحب .**

**3- واجبات نماز يازده چيز است كه برخى ركن و برخى غير ركن است .**

**261**

**واجبات نماز(1)**

**ركن :**

**1- نيّت**

**2- قيام**

**3- تكبيرةالاحرام**

**4- ركوع**

**5- سجود**

**غير ركن :**

**1- قرائت**

**2- ذكر**

**3- تشهد**

**4- سلام**

**5- ترتيب**

**6- موالات**

**262**

**فرق بين رُكن و غيررُكن :**

**اركان نماز اجزاء اساسى آن به شمار مى آيد و چنانچه يكى از آنها بجا آورده نشود يا اضافه شود هر چند بر) اثر فراموشى هم باشد نماز باطل است . واجبات ديگر گرچه انجام آن ها لازم است ولى چنانچه از روى فراموشى كم يا زياد شود نماز باطل نيست .(2)**

**1ـ توضيح المسائل**

**واجبات نماز.**

**2ـ توضيح المسائل م 942**

**264**

**واجبات نماز**

**265**

**پ نيّت**

**1- نمازگزار از آغاز تا پايان نماز**

**بايد بداند چه نمازى مى خواند و آن را براى انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.(1**

**2- به زبان آوردن نيت لازم نيست ولى چنانچه به زبان هم بگويد اشكال ندارد.(2**

**3- نماز بايد از هر گونه ريا و خودنمايى بدور باشد; يعنى نماز را تنها براى انجام دستور خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز يا قسمتى از آن براى غير خدا باشد باطل است .(3**

**4- اگر نمازگزار غير از اطاعت امر الهى قصد ديگرى هم در نماز خواندن داشته باشد با سه شرط اشكال ندارد: قصد ريا و خودنمايى نداشته باشد. قصد قربت و اطاعت الهى اصل باشد و نيّت ديگر فرع و ضميمه .**

**ضميمه هم امرى مباح يا مطلوب باشد. بنابراين اگر براى اطاعت الهى نماز بخواند و در ضمن به ديگرى هم نماز خواندن ياد دهد اشكال ندارد.(4**

**266**

**عدول از نيّت**

**1- برگرداندن نيّت از يك نماز به نماز ديگر در اين موارد اشكال ندارد: از نماز عصر به نماز ظهر در صورتى كه بين نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده يا باطل بوده واجب است نيّت را به نماز ظهر برگرداند. از قضاى عصر به قضاى ظهر. از عشاء به مغرب . از قضاى عشاء به قضاى مغرب . از اداء به قضاء. از جماعت به فرادا.**

**2- برگرداندن نيّت در اين موارد صحيح نمى باشد:**

**از نماز ظهر به نماز عصر.**

**از مغرب به عشاء.**

**از قضاء به اداء.**

**از فرادا به جماعت (بنابراحتياط واجب ).**

**از مستحبى به واجب .**

**از مستحب به نماز مستحبى ديگر.**

**از واجب به مستحب**

**مگر در اين دو مورد:**

**الف : در ظهر روز جمعه براى كسى كه خواندن سورهء جمعه را فراموش كرده و سورهء ديگرى شروع كرده و به نصف آن سوره رسيده يا از نصف گذشته است .**

**ب : مشغول نماز واجب باشد و داخل در ركوع ركعت سوم نشده باشد و نماز جماعت بر پا شود و خوف آن داشته باشد كه از جماعت عقب بماند.(5**

**267**

**تكبيرْ الاحرام**

**تكبير اوّل نماز را <<تكبيرْ الاحرام >> مى گويند. چون با همين تكبير است كه بسيارى از كارها كه قبل از نماز جايز بوده بر نمازگزار حرام مى شود; مانند خوردن و آشاميدن خنديدن و گريستن .**

**268**

**واجبات تكبيرْالاحرام :**

**1- به عربى صحيح گفته شود.**

**2- هنگام گفتن <<الله اكبر>> بدن آرام باشد.**

**3- تكبيرْالاحرام را طورى بگويد كه اگر مانعى در كار نباشد خودش بشنود; يعنى بسيار آهسته نگويد.**

**4- بنابراحتياط واجب آن را به چيزى كه پيش از آن مى خواند وصل نكند.(6 مستحب است موقع گفتن تكبيرْالاحرام و تكبيرهاى بين نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.(7**

**269**

**قيام**

**قيام يعنى ايستاده بودن كه در بعضى موارد از اركان نماز است و ترك آن نماز را باطل مى كند ولى افرادى كه نمى توانند ايستاده نماز بخوانند وظيفه اى دارند كه در مسائل آينده خواهد آمد.**

**270**

**اقسام قيام :**

**271**

**ركن :**

**1 قيام هنگام تكبيرْالاحرام**

**2 قيام پيش از ركوع (متصّل به ركوع )**

**272**

**غيرركن :**

**1 قيام هنگام قرائت**

**2 قيام بعد از ركوع .(8**

**273**

**احكام قيام**

**1 واجب است پيش از گفتن تكبيرْالاحرام و بعد از آن مقدارى بايستد تا يقين كند كه تكبير را در حال قيام گفته است .(9**

**2 قيام متصل به ركوع بدان معنى است كه در حالت ايستاده به ركوع برود بنابراين اگر ركوع را فراموش كند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده يادش بيايد بايد كاملاً بايستدسپس به ركوع برود و پس از آن سجده ها را بجا آورد.(10**

**3 امورى كه در حال قيام بايد از آن پرهيز شود: بدن را حركت دادن . به طرفى خم شدن . به جايى يا چيزى تكيه كردن . پاها را زياد باز گذاشتن . پاها را از زمين بلند كردن .(11**

**4 نمازگزار بايد هنگام ايستادن هر دو پا را بر زمين بگذارد ولى لازم نيست سنگينى بدن روى هر دو پا باشد و اگر روى يك پا هم باشد اشكال ندارد.(12**

**5 اگر انسان در نماز بخواهد كمى جلو يا عقب برود يا كمى بدن را به طرف راست يا چپ حركت دهد بايد به هنگام حركت چيزى نگويد.(13**

**6 حركت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشكال ندارد گرچه احتياط مستحب آن است كه آنها را هم حركت ندهد.(14**

**7 اگر هنگام خواندن حمد و سوره يا تسبيحات بى اختيار به قدرى حركت كند كه از حال آرام بودن خارج شود احتياط واجب آن است كه بعد از آرام گرفتن بدن آنچه را در حال حركت خوانده دوباره بخواند.(15**

**8 كسى كه به هيچ وجه نتواند ايستاده نماز بخواند بايد نشسته و رو به قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند بايد خوابيده بخواند.(16**

**9 كسى كه خوابيده نماز مى خواند بايد به پهلوى راست رو به قبله بخوابد و اگر نمى تواند به پهلوى چپ رو به قبله بخوابد و اگر آن هم ممكن نيست به پشت بخوابد به طورى كه كف پاهاى او رو به قبله ];ّّباشد.(17**

**274**

**10 واجب است بعد از ركوع به طور كامل بايستد و سپس به سجده برود و چنانچه اين قيام عمداً ترك شود نماز باطل است .(18**

**275**

**استفتاء**

**س 1 براى شخص مريض كه نشسته نماز مى خواند قيام متصل به ركوع چه وضعى دارد؟**

**ج ـ بايد از حالت نشسته به ركوع رود.(19**

**س 2 آيا تكانهاى مختصر هنگام خواندن اذكار نماز چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود باعث اشكال در نماز مى شود؟**

**ج ـ اشكال ندارد.(20**

**276**

**قرائت**

**1 در ركعت اوّل و دوّم نمازهاى واجب يوميّه انسان بايد اوّل حمد و بعد از آن يك سورهء تمام بخواند.(21**

**2 در ركعت سوم و چهارم نماز بايد سورهء حمد يا سه مرتبه تسبيحات اربعه خوانده شود و اگر يك مرتبه هم بخواند كافى است .(22**

**3 اگر نمازگزار در ركعت سوم و چهارم حمد بخواند بنابر احتياط واجب بايد <<بسم الله الرحمن الرحيم >> آن را نيز آهسته بگويد.(23**

**277**

**احكام قرائت**

**1 در ركعت سوم و چهارم نماز حمد يا تسبيحات بايد آهسته خوانده شود ولى حكم حمد و سوره در ركعت اول و دوم نماز به اين شرح است :(24**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نماز | نمازگزار | حكم |
| ظهر و عصر | مرد(25) وزن | بايد آهسته بخوانند |
| مغرب |  |  |
| عشاء |  |  |
| صبح | مرد | بايد بلند بخواند |  |
| مغرب |  |  |  |
| عشاء |  |  |  |
| صبح | زن | اگر نامحرم صداى او را نمى شنود مى تواند بلند بخواند و اگر مى شنود |  |

**بنابراحتياط واجب بايد آهسته بخواند**

**2- اگر در جايى كه بايد نماز را بلند بخواند**

**عمداً آهسته بخواند يا در جايى كه بايد آهسته بخواند**

**عمداً بلند بخواند نمازش باطل است**

**ولى اگر از روى فراموشى يا ندانستن مساءله باشد صحيح است .(26**

**3- اگر در بين خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه كرده است**

**(مثلاً مى بايست بلند بخواند ولى آهسته خوانده است ) لازم نيست مقدارى را كه خوانده دوباره بخواند.(27**

**4- انسان بايد نماز را ياد بگيرد كه غلط نخواند و كسى كه اصلاً نمى تواند صحيح آن را ياد بگيرد بايد هر طور كه مى تواند بخواند و احتياط مستحب است كه نماز را به جماعت بجا آورد.(28**

**5- احتياط مستحب آن است كه در نماز وقف به حركت و وصل به سكون ننمايند.(29**

**6- اگر در نماز يكى از چهار سوره اى را كه آيهء سجده دارد عمداً بخواند نمازش باطل است .(30**

**7- اگر بعد از حمد مشغول خواندن سورهء <<قل هو الله احد>> يا سورهء <<قل يا ايها الكافرون >> شود نمى تواند آن را رها كند و سورهء ديگرى بخواند ولى در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روى فراموشى به جاى سورهء جمعه و منافقون يكى از اين دو سوره را بخواند تا به نصف نرسيده مى تواند آن را رها كند و سورهء جمعه و منافقون را بخواند.(31**

**8- اگر در نماز غير سورهء <<قل هو الله احد>> و <<قل يا ايها الكافرون >> سورهء ديگرى بخواند تا به نصف نرسيده مى تواند رها كند و سورهء ديگرى بخواند.(32**

**9- اگر مقدارى از سوره را فراموش كند**

**278**

**مى تواند آن سوره را رها كند و سورهء ديگرى بخواند گرچه از نصف گذشته باشد يا سوره اى كه مى خواند <<قل هو الله احد>> يا <<قل يا ايها الكافرون >> باشد.(33**

**10- اگر انسان كلمه اى را صحيح بداند; مثلاً كلمه <<عبده >> را در تشهد <<عبده >> مى دانسته و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است لازم نيست دوباره نماز را بخواند.(34**

**11- در اين موارد نمازگزار نبايد در ركعت اول و دوم سوره بخواند و تنها به خواندن حمد اكتفا مى كند: وقت نماز تنگ باشد.**

**ناچار باشد كه سوره نخواند; مثلاً بترسد كه اگر سوره را بخواند دزد يا درنده يا چيز ديگرى به او صدمه مى زند.(35**

**12- در تنگى وقت بايد تسبيحات اربعه را يك مرتبه بگويد.(36**

**13- احتياط واجب آن است كه براى ياد دادن واجبات نماز مزد نگيرند ولى براى مستحبات آن اشكال ندارد.(37**

**279**

**استفتاء**

**س ـ با توجه به اينكه تلفظ حرف <<ض >> در تجويد چند قول است بفرماييد شما به كدام قول عمل مى كنيد؟ يك قول مى گويد: كه برخورد نوك زبان با دندان آسيا و يك قول هم مى گويد: كه برخورد كناره ءبُن زبان با دندان آسيا.**

**ج ـ شناختن مخارج حروف طبق قول علماء تجويد واجب نيست بايد تلفظ هر حرف به نحوى باشد كه در عرف عرب صدق كند آن حرف ادا شده .(38**

**280**

**جابجايى حمد و تسبيحات**

**1- در دو ركعت اوّل به خيال اين كه در دو ركعت آخر است تسبيحات بگويد:**

**الف : اگر پيش از ركوع بفهمد بايد حمد و سوره را بخواند و نماز صحيح است .**

**ب : اگر در ركوع يا پس از آن بفهمد نماز را ادامه مى دهد و صحيح است .**

**2- در دو ركعت آخر:**

**به خيال اينكه ركعت اوّل است حمد بخواند نمازش صحيح است .مى خواست حمد بخواند تسبيحات به زبانش آمد يا مى خواست تسبيحات بخواند حمد به زبانش آمد بايد رها كند و دوباره حمد يا تسبيحات بخواند ولى اگر عادتش خواندن چيزى بوده كه به زبانش آمده و در خزانهء قلبش آن را قصد داشته مى تواند همان را تمام كند و نمازش صحيح است . عادت دارد تسبيحات بخواند ولى بدون قصد مشغول خواندن حمد مى شود بايد آن را رها كند و دوباره مشغول خواندن حمد يا تسبيحات شود.(39**

**281**

**بعضى از مستحبات قرائت :(40**

**1- در ركعت اول پيش از حمد بگويد: <<اعوذ بالله من الشّيطان الرّجيم >>.**

**2- در ركعت اول و دوم نماز ظهر و عصر <<بسم الله الرّحمن الرّحيم >> را بلند بگويد.**

**3- حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آيه وقف كند; يعنى آن را به آيه بعد نچسباند.**

**4- در حال خواندن حمد و سوره به معناى آن توجه داشته باشد.**

**5- در تمام نمازها در ركعت اول سورهء <<انّا انزلناه >> و در ركعت دوم سوره <<قل هو الله احد>> را بخواند.**

**6- اگر نماز را به جماعت مى خواند بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا مى خواند بعد از تمام شدن حمد خودش بگويد: <<الحمد لله رب العالمين >>.**

**7- بعد از خواندن سورهء قل هو الله احد يك يا دو يا سه مرتبه بگويد: <<كذلك الله ربّى >> يا سه مرتبه بگويد: <<كذلك الله ربّنا>>.**

**282**

**ذكر**

**يكى از واجبات ركوع و سجده ذكر است يعنى گفتن <<سبحان الله >> يا <<الله اكبر>> و مانند آن كه تفصيل هر يك خواهد آمد.**

**283**

**ركوع**

**1- در هر ركعت بعد از قرائت نمازگزار بايد به اندازه اى خم شود كه بتواند دست را به زانو بگذارد و اين عمل را <<ركوع >> مى گويند.(41**

**284**

**واجبات ركوع :**

**1- خم شدن به مقدارى كه بيان شد.**

**2- ذكر.**

**3- آرامش بدن در حال گفتن ذكر ركوع .**

**4- ايستادن بعد از ركوع .**

**5- آرامش بدن بعد از ركوع .(42**

**285**

**ذكر ركوع**

**در ركوع**

**هر ذكرى گفته شود كافى است ولى احتياط واجب آن است كه به قدر سه مرتبه <<سبحان الله >> يا يك مرتبه <<سبحان ربّى العظيم و بحمده >> كمتر نباشد.(43**

**286**

**آرامش بدن در ركوع**

**1 در ركوع بايد به مقدار ذكر واجب بدن آرام باشد.(44**

**2 اگر پيش از آن كه به مقدار ركوع خم شود و بدن آرام گيرد عمداً ذكر ركوع را بگويد نمازش باطل است .(45**

**3 اگر پيش از تمام شدن ذكر واجب عمداً سر از ركوع بردارد نمازش باطل است .(46**

**287**

**ايستادن و آرامش بعد از ركوع**

**بعد از تمام شدن ذكر ركوع بايد بايستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پيش از ايستادن يا پيش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است .(47**

**288**

**وظيفه كسى كه نمى تواند به طور معمول ركوع انجام دهد**

**1 كسى كه نمى تواند به مقدار ركوع خم شود بايد به هر اندازه كه مى تواند خم شود.**

**2 كسى كه در حالت ايستاده اصلاً نتواند خم شود بايد نشسته ركوع كند.**

**3 كسى كه نشسته ركوع مى كند بايد به قدرى خم شود كه صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدرى خم شود كه صورت نزديك جاى سجده برسد.**

**289**

**فراموش كردن ركوع**

**1 اگر ركوع را فراموش كند و پيش از آنكه به سجده برسد يادش بيايد بايد بايستد بعد به ركوع رود و چنانچه به حالت خميدگى به ركوع برگردد نمازش باطل است .(48**

**2 اگر بعد از آن كه پيشانى به زمين برسد يادش بيايد كه ركوع نكرده بنابر احتياط واجب بايد بايستد و ركوع را بجا آورد و نماز را تمام كند و دوباره بخواند.(49**

**290**

**برخى از مستحبات ركوع :**

**ذكر ركوع را سه يا پنج يا هفت مرتبه بلكه بيشتر بگويد. پيش از رفتن به ركوع در حالى كه راست ايستاده تكبير بگويد.**

**در حال ركوع بين دو قدم (روى زمين ) را نگاه كند. پيش از ذكر ركوع يا بعد از آن صلوات بفرستد. بعد از ركوع هنگامى كه ايستاد و بدن آرام گرفت بگويد: <<سمع الله لمن حمده >>(50**

**291**

**سجود**

**1 نمازگزار بايد در هر ركعت از نمازهاى واجب و مستحب بعد از ركوع دو سجده بجا آورد.(51**

**2 سجده آن است كه پيشانى و كف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست ) را بر زمين بگذارد.**

**292**

**واجبات سجده :**

**1- گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمين .**

**2- ذكر.**

**3- آرامش بدن در حال ذكر سجده .**

**4- سر برداشتن و نشستن و آرامش بين دو سجده .**

**5- بر زمين بودن هفت عضو در هنگام ذكر.**

**6- مساوى بودن جاهاى سجده (پست و بلند نبودن ).**

**7- گذاشتن پيشانى بر چيزى كه سجده بر آن صحيح است .**

**8- پاك بودن جايى كه پيشانى را مى گذارد.**

**9- موالات بين دو سجده .**

**10- مواظبت بر عربى بودن ذكر و حفظ ترتيب و موالات آن .(52**

**ذكر:**

**در سجده هر ذكرى بگويد كافى است ولى احتياط واجب آن است كه مقدار ذكر از سه مرتبه <<سبحان الله >> يا يك مرتبه <<سبحان ربّى الاعلى و بحمده >> كمتر نباشد.(53**

**آرامش :**

**1 در سجده بايد به مقدار ذكر واجب بدن آرام باشد و موقع گفتن ذكر مستحب نيز اگر آن را به قصد ذكرى كه براى سجده دستور داده اند بگويد آرام بودن بدن لازم است .(54**

**2 اگر پيش از آن كه پيشانى به زمين برسد و آرام گيرد عمداً ذكر را بگويد نماز باطل است و چنانچه از روى فراموشى باشد بايد دوباره در حال آرام بودن ذكر را بگويد.(55**

**293**

**سر برداشتن از سجده :**

**1- بعد از تمام شدن ذكر سجدهء اول بايد بنشيند تا بدن آرام گيرد و دوباره به سجده رود.(56**

**2- اگر پيش از تمام شدن ذكر عمداً سر از سجده بردارد نماز باطل است .(57**

**3- اگر پيشانى بى اختيار از جاى سجده بلند شود چنانچه ممكن باشد بايد نگذارد دوباره به جاى سجده برسد و اين يك سجده حساب مى شود چه ذكر سجده را گفته باشد يا نه و اگر نتواند سر رانگهدارد و بى اختيار دوباره به جاى سجده برسد با هم يك سجده حساب مى شود و اگر ذكر نگفته باشد بايد بگويد.(58**

**294**

**بر زمين بودن هفت عضو:**

**1- اگر موقعى كه ذكر سجده را مى گويد يكى از هفت عضو را عمداً از زمين بردارد نماز باطل مى شود ولى موقعى كه مشغول گفتن ذكر نيست اگر غير از پيشانى جاهاى ديگر را از زمين بردارد ودوباره بگذارد اشكال ندارد.(59**

**2- اگر همراه با انگشتان شست پا انگشتان ديگر هم بر زمين باشد مانع ندارد.(60**

**295**

**مساوى بودن مواضع سجده :**

**1- جاى پيشانىِ نمازگزار بايد از جاى زانوهايش پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.(61**

**2- احتياط واجب آن است كه جاى پيشانى نمازگزار از جاى انگشتان پايش هم پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.(62**

**گذاشتن پيشانى بر چيزى كه سجده بر آن صحيح است :**

**1- در سجده بايد پيشانى را بر زمين يا آنچه از زمين مى رويد ولى خوراكى و پوشاكى نيست قرار دهد.(63**

**2- نمونه هايى از چيزهايى كه سجده بر آنها صحيح است :**

**خاك**

**سنگ**

**گل پخته**

**گچ**

**چوب**

**چمن .**

**3- جايى كه انسان بايد تقيّه كند مى تواند بر فرش و مانند آن سجده نمايد و لازم نيست براى نماز به جاى ديگر برود.(64**

**4 سجده بر چيزهاى معدنى ; مانند طلا و نقره و عقيق و فيروزه صحيح نيست :(65**

**5- سجده كردن براى غير خداوند حرام است .(66**

**6- سجده بر چيزهايى كه از زمين مى رويد و خوراك حيوان است ; مثل علف و كاه صحيح است .(67**

**7- سجده بر كاغذ اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحيح است .(68**

**8- براى سجده**

**296**

**بهتر از هر چيز تربت حضرت سيدالشهداء (ع ) مى باشد و بعد از آن بدين ترتيب :**

**خاك**

**سنگ**

**گياه .(69**

**9- اگر در سجده اول**

**مُهر به پيشانى بچسبد و بدون اينكه مُهر را بردارد دوباره به سجده رود نماز باطل است .(70**

**297**

**استفتاء**

**س ـ نماز خواندن بر مهر شكسته صحيح مى باشد يا نه ؟**

**ج ـ اشكال ندارد.(71 كم يا زياد كردن سجده عمداً: نماز باطل است .**

**سهواً:**

**دو سجده در يك ركعت : نماز باطل است .**

**يك سجده :**

**زياد شود ــ نماز صحيح است .**

**كم شود: 1 قبل از ركوع ركعت بعد يادش بيايد بايد برگردد و بجا آورد و نماز صحيح است .**

**2 در ركوع ركعت بعد يا پس از آن يادش بياييد نماز صحيح است ولى پس از سلام نماز بايد آن را قضا كند و دو سجدهء سهو بجا آورد.(72**

**298**

**وظيفهء كسى كه نمى تواند بطور معمول سجده كند**

**1كسى كه نمى تواند پيشانى را به زمين برساند بايد به قدرى كه مى تواند خم شود و مهر را بر جاى بلندى ; مثل بالش بگذارد و پيشانى را طورى بر آن بگذارد كه بگويند سجده كرده است ولى بايد كف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمين بگذارد.73**

**2 اگر نمى تواند خم شود بايد براى سجده بنشيند و با سر اشاره كند ولى احتياط واجب آن است كه مهر را بالا بياورد و پيشانى را بر آن بگذارد.(-74**

**299**

**بعضى از مستحبات سجده :**

**1 در اين موارد**

**مستحب است تكبير بگويد:**

**بعد از ركوع و قبل از سجدهء اول .**

**بعد از سجدهء اول**

**در حالى كه نشست و بدنش آرام گرفت .**

**قبل از سجدهء دوم**

**در حالى كه نشسته است و بدنش آرام است .**

**بعد از سجدهء دوم .**

**2 طول دادن سجده ها مستحب است .**

**3 گفتن <<استغفر الله ربّى و اتوب اليه >> بعد از سجدهء اول در حالى كه بدنش آرام گرفت مستحب است .**

**4 صلوات فرستادن در سجده ها مستحب است .(75**

**300**

**سجده واجب قرآن**

**1 در چهار سورهء قرآن آيهء سجده وجود دارد(76 كه اگر انسان آن آيه را بخواند يا وقتى كه ديگرى آن را مى خواند به آن گوش دهد بعد از تمام شدن آن آيه بايد فوراً سجده كند.(77**

**2 چنانچه سجده را فراموش كند هر وقت يادش آمد بايد سجده كند.(78**

**3 اگر آيهء سجده را از ضبط صوت بشنود لازم نيست سجده كند.(79**

**];ّّ 4 اگر آيه سجده را از بلندگو يا راديو يا تلويزيون بشنود**

**چنانچه صداى انسان را مى رساند و از نوار استفاده نمى شود يعنى همان وقت كه صدا پخش مى شود شخصى در حال خواندن آن آيه است واين وسيله صداى او را مى رساند واجب است سجده كند.(80**

**5 هنگام سجده براى اين آيه ها نمى شود بر چيزهاى خوراكى و پوشاكى سجده كرد ولى مراعات ساير شرايط سجده لازم نيست .(81**

**6 گفتن ذكر در اين سجده واجب نيست اما مستحب مى باشد.(82**

**301**

**تشهّد**

**1 در ركعت دوم و آخر نماز**

**نمازگزار بايد بعد از سجده دوم بنشيند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند يعنى بگويد:**

**<<اشهد ان لا اله الاّ الله وحده لا شريك له و اشهد انّ محمّدا عبده و رسوله اللّهمّ صلّ على محمّد و ال محمّد>>.(83**

**2 اگر تشهد را فراموش كند و بايستد و پيش از ركوع يادش بيايد كه تشهد را نخوانده بايد بنشيند و تشهد را بخواند و دوباره بايستد و آنچه بايد در آن ركعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام كند و اگردر ركوع يا بعد از آن يادش بيايد بايد نماز را تمام كند و بعد از سلام نماز تشهد را قضا كند و بنابر احتياط واجب دو سجدهء سهو بجا آورد.(84**

**302**

**سلام**

**1 در ركعت آخر هر نماز پس از تشهد بايد سلام دهد و نماز را به پايان ببرد.**

**2 مقدار واجب سلام يكى از اين دو جمله است :**

**<<السّلام علينا و على عباد الله الصّالحين >>.**

**<<السّلام عليكم و رحمْ الله و بركاته >>.(85**

**3 مستحب است قبل از اين دو سلام بگويد:**

**<<السّلام عليك ايّها النّبىّ و رحمْ الله و بركاته >>.**

**و هر سه را نيز بگويد.(86**

**303**

**ترتيب**

**1 نماز بايد بدين ترتيب خوانده شود: تكبيرْالاحرام**

**قرائت**

**ركوع**

**سجود**

**و در ركعت دوم پس از سجود**

**تشهد بخواند و در ركعت آخر**

**پس از تشهد سلام دهد.**

**2 اگر ركنى از نماز را فراموش كند و ركن بعد از آن را بجا آورد; مثلاً پيش از آن كه ركوع كند دو سجده نمايد نماز باطل است .(87**

**3 اگر ركنى را فراموش كند و چيزى را كه بعد از آن است و ركن نيست بجا آورد; مثلاً پيش از آن كه دو سجده كند تشهد بخواند**

**بايد ركن را به جا آورد و آنچه را كه به اشتباه پيش از آن خوانده دوباره بخواند.(88**

**4 اگر چيزى را كه ركن نيست فراموش كند و ركن بعد از آن را بجا آورد; مثلاً حمد را فراموش كند و مشغول ركوع شود**

**نمازش صحيح است .(89**

**304**

**مُوالات**

**1 موالات يعنى پشت سر هم بودن اجزاى نماز و فاصله نينداختن بين آنها.**

**2 اگر بقدرى بين اجزاى نماز فاصله بيندازد كه نگويند نماز مى خواند نمازش باطل است .(90**

**3 طول دادن ركوع و سجود و خواندن سوره هاى بزرگ موالات را به هم نمى زند.(91**

**1- توضيح المسائل م 943و 944**

**2-همان م 943**

**3-همان م 946ـ 947**

**4-تحريرالوسيله ج 1 كتاب الصلاْ فصل فى افعال الصلاْ ص 157 م 3**

**5-تحريرالوسيله ج 1 ص 159 م 12و 13 فصل فى صلاْ الجماعْ ص 266 م 6و 7**

**6-توضيح المسائل**

**م 948و 949و 951و 952**

**7-توضيح المسائل م 955**

**8-توضيح المسائل م 958**

**9-توضيح المسائل م 959**

**10-توضيح المسائل م 960**

**11-همان م 961و 963و 964**

**12-همان م 963**

**13-توضيح المسائل م 965**

**14-همان م 967**

**15-همان م 968**

**16-توضيح المسائلم 970و 971**

**17-توضيح المسائل م 971**

**18-تحريرالوسيله ج 1 ص 162 م 1 و العروْ الوثقى ج 1 ص 665 الرابع .**

**19-استفتاآت ج 1 ص 153 س 92**

**20-همان ص 154 س 93**

**21-توضيح المسائل م 978**

**22-توضيح المسائل م 1005**

**23-توضيح المسائل م 1008**

**24-توضيح المسائل م 992تا 994و 1007**

**25-احكامى كه براى مردان گفته مى شود پسرها هم همين احكام را دارند. و همچنين احكامى كه براى بانوان گفته مى شود**

**دختران هم همين احكام را دارند.**

**26-توضيح المسائل م 995**

**27-همان .**

**28-توضيح المسائل م 997**

**29-توضيح المسائل م 1004**

**30-توضيح المسائل م 983**

**31-توضيح المسائل م 988**

**32-توضيح المسائل م 990**

**33-توضيح المسائل م 991**

**34-توضيح المسائل م 1001**

**35-توضيح المسائل م 979**

**36-توضيح المسائل م 1006**

**37-توضيح المسائل م 999**

**38-استفتاآت ج 1 ص 160 س 119**

**39-توضيح المسائل م 1011تا 1013**

**40-توضيح المسائل م 1017و 1018**

**41-توضيح المسائل م 1022**

**42-العروْالوثقى ج 1ـ ص 664**

**43-توضيح المسائل م 1028**

**44-توضيح المسائل م 1030**

**45-توضيح المسائل م 1032**

**46-توضيح المسائل م 1033**

**47-توضيح المسائل م 1040**

**48-توضيح المسائل م 1041**

**49-توضيح المسائل م 1042**

**50-توضيح المسائل م 1029و 1043**

**51-توضيح المسائل م 1045**

**52-العروْالوثقى ج 1 ص 673**

**53-توضيح المسائل م 1049**

**54-توضيح المسائل م 1050**

**55-توضيح المسائل م 1051و 1052**

**56-توضيح المسائل**

**305**

**م 1056**

**57-توضيح المسائل م 1051**

**58-توضيح المسائل م 1071**

**59-توضيح المسائل م 1054**

**60-تحريرالوسيله ج 1 ص 173 م 2 و العروْ الوثقى ج 1 ص 676 م 7**

**61-توضيح المسائل م 1057**

**62-توضيح المسائل م 1057**

**63-توضيح المسائل م 1076**

**64-توضيح المسائل م 1072**

**65-توضيح المسائل م 1076**

**66-توضيح المسائل م 1090**

**67-توضيح المسائل م 1078**

**68-توضيح المسائل م 1082**

**69-توضيح المسائل م 1083**

**70-توضيح المسائل م 1086**

**71-استفتاآت ج 1 ص 165 س 138**

**72-توضيح المسائل م 1046و 1047و 1244و 1245**

**73-توضيح المسائل م 1068**

**74-توضيح المسائل م 1069**

**75-توضيح المسائل م 1091**

**76-نام سوره هاى سجده دار قرآن و شماره آيات آن در درس 10گذشت .**

**77-توضيح المسائل م 1093**

**78-توضيح المسائل م 1093**

**79-توضيح المسائل م 1096**

**80-توضيح المسائل م 1096**

**81-توضيح المسائل م 1097**

**82-توضيح المسائل م 1099**

**83-توضيح المسائل م 1100**

**84-توضيح المسائل م 1102**

**85-توضيح المسائل م 1105**

**86-توضيح المسائل م 1105**

**87-توضيح المسائل م 1109**

**88-توضيح المسائل م 1110**

**89-توضيح المسائل م 1111**

**90- توضيح المسائل م 1114**

**91-توضيح المسائل م 1116**

**306**

**قنوت**

**1- مستحب است در ركعت دوم نماز بعد از حمد و سوره و پيش از ركوع قنوت بخواند.**

**ـ در نماز جمعه در هر ركعت يك قنوت 0**

**ـ در نماز آيات پنج قنوت**

**ـ در نماز عيد فطر و قربان در ركعت اوّل پنج قنوت و در ركعت دوّم چهار قنوت . و در نماز وتر كه يك ركعت**

**است خواندن قنوت پيش از ركوع مستحب است .(1)**

**2- در قنوت هر دعا يا ذكرى بگويد اگر چه يك <<سبحان الله >> باشد كافى است و مى تواند اين دعا را بخواند.**

**<<ربّنا اتنا فى الدّنيا حسنة و فى الاخرة حسنة وقنا عذاب النّار>>.(2)**

**3- اگر نمازگزار بخواهد قنوت بخواند بنابر احتياط واجب بايد دستها را بلند كند و مستحب است دستها را تا مقابل صورت بالا آورد و كف دستها رو به آسمان باشد.(3)**

**307**

**تعقيب نماز**

**مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقيب شود يعنى ذكر و دعا و قرآن بخواند.**

**1- بهتر است در حال تعقيب رو به قبله باشد.**

**2- لازم نيست تعقيب به عربى باشد ولى بهتر است چيزهايى را كه در كتابهاى دعا دستور داده اند بخواند.**

**3- گفتن تسبيح حضرت زهرا; يعنى : 34مرتبه <<الله اكبر>> و 33مرتبه <<الحمد لله >> و 33مرتبه <<سبحان الله >> مستحب است .(4)**

**308**

**استفتاء**

**س ـ آيا بعد از نمازها شعارهاى اسلامى بگوييم يا تسبيحات حضرت زهرا (عليهاالسلام ) را؟ با توجه به تأكيد فراوان روايات درباره تسبيحات حضرت زهرا بعد از نماز.**

**ج ـ اختيار با نمازگزار است و جمع بين هر دو بهتر است .(5)**

**1ـ توضيح المسائل م 1117و م 1512**

**2ـ توضيح المسائل م 1119**

**3ـ توضيح المسائل م 1118**

**4ـ توضيح المسائل م 1122**

**5ـ استفتاآت ج 1 ص 167 ص 148**

**309**

**مُبطلات نماز**

**آنگاه كه نمازگزار تكبيرةالاحرام مى گويد و نماز را شروع مى كند تا پايان آن بعضى از كارها بر او حرام مى شود كه اگر در نماز يكى از آنها را انجام دهد نمازش باطل است مبطلات نماز عبارت است از: از بين رفتن يكى از شرطهاى نماز. پيش آمدن چيزى كه وضو يا غسل را باطل مى كند.**

**خوردن و آشاميدن . سخن گفتن . خنديدن . گريستن . روى از قبله برگرداندن . كم يا زياد كردن اركان نماز. بر هم زدن صورت نماز. دستها را بر هم گذاشتن . آمين گفتن بعد از حمد. پيش آمدن يكى از شكهايى كه مبطل نماز است .(1) شكهايى كه نماز را باطل مى كند به تفصيل خواهد آمد.**

**1ـ توضيح المسائل م 1126**

**311**

**احكام مبطلات نماز**

**1- اگر در بين نماز يكى از شرايط صحيح بودن آن از بين برود; مثلاً در بين نماز بفهمد مكانش غصبى است نماز باطل است .(1)**

**2- اگر در بين نماز وضويش باطل شود يا يكى از موجبات غسل پيش آيد نماز باطل است .(2)**

**3- اگر در بين نماز خوابش ببرد نمازش باطل مى شود.(3)**

**4- اگر در حال سجده از خواب بيدار شود و شك كند كه در سجده آخر نماز است يا در سجدهء شكر بايد نماز را دوباره بخواند.(4)**

**312**

**سخن گفتن**

**1- اگر نمازگزار عمداً كلمه اى بگويد و بخواهد با آن معنايى را برساند نمازش باطل است اگر چه آن كلمه معنايى نداشته باشد و يك حرف هم باشد.(5)**

**2- سرفه كردن و آروغ زدن و آه كشيدن نماز را باطل نمى كند ولى گفتن <<آخ >> و <<آه >> و مانند اينها كه دو حرف است**

**اگر عمدى باشد نماز را باطل مى كند.(6)**

**3- در نماز نبايد به كسى سلام كرد ولى اگر كسى به نمازگزار سلام كند واجب است جواب او را بدهد و بايد سلام را مقدم بدارد; مثلاً بگويد: <<السّلام عليك >> يا <<السّلام عليكم >> و نبايد <<عليكم السّلام >> بگويد.(7)**

**4- اگر كلمه اى را به قصد ذكر بگويد; مثلاً بگويد: <<الله اكبر>> و در موقع گفتن آن صدا را بلند كند كه چيزى را به ديگرى بفهماند اشكال ندارد ولى اگر به قصد اين كه چيزى به كسى بفهماند بگويد اگر چه قصد ذكر هم داشته باشد نماز باطل است چون قصد غير ذكر اصل است و قصد ذكر فرع بر آن(8) .**

**313**

**استفتاء**

**س ـ اگر كسى به نمازگزار سلام كند و فقط بگويد: <<سلام >> نمازگزار چگونه بايد پاسخ دهد؟**

**ج ـ جواب واجب است و در جواب يا بايد به لفظ <<سلام >> اكتفا كند يا بگويد: <<سلام عليكم >>.(9)**

**314**

**خنديدن و گريستن**

**1- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد نمازش باطل است .**

**2- لبخند زدن نماز را باطل نمى كند.**

**3- اگر نمازگزار براى كار دنيا عمداً با صدا گريه كند نمازش باطل است .**

**4- گريهء بدون صدا و گريه از ترس خدا يا براى آخرت ـ هر چند با صدا باشد ـ نماز را باطل نمى كند.(10)**

**315**

**روى از قبله برگرداندن :**

**1- اگر عمداً به مقدارى روى خود را از قبله برگرداند به طورى كه نگويند رو به قبله است نمازش باطل است .**

**2- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست يا چپ قبله برگرداند احتياط واجب آن است كه نماز را دوباره پبخواند. ولى اگر به طرف راست يا چپ قبله نرسيده است نماز صحيح است .(11)**

**316**

**بر هم زدن صورت نماز**

**اگر در بين نماز كارى كند كه صورت نماز را بر هم زند; مثل دست زدن به هوا پريدن و مانند اينها هر چند5ز روى فراموشى باشد نماز باطل مى شود.(12)**

**2 اگر در بين نماز به قدرى ساكت بماند كه نگويند نماز مى خواند نمازش باطل مى شود.(13)**

**3 رها كردن نماز واجب (شكستن نماز) حرام است مگر در حال ناچارى ; مانند اين موارد:**

**-- حفظ جان**

**-- حفظ مال**

**-- جلوگيرى از ضرر مالى و بدنى 4 شكستن نماز براى پرداخت بدهى مردم با اين شرايط اشكال ندارد:**

**-- طلبكار طلب خود را مى خواهد.**

**-- وقت نماز تنگ نيست ; يعنى مى تواند پس از پرداخت بدهى نماز را در وقتِ آن بخواند.**

**-- در بين نماز نمى تواند بدهى را بپردازد.(14)**

**5 اگر در بين نماز متوجه شود كه مسجد نجس است و: وقت نماز تنگ است : بايد نماز را تمام كند و پس از نماز مسجد را تطهير كند. وقت نماز وسعت دارد: اگر نمى تواند در بين نماز مسجد را تطهير كند بايد نماز را رها كند و مسجد را تطهير نمايد و بعد نماز را بخواند.(15)**

**6 شكستن نماز براى مالى كه اهميّت ندارد مكروه است .(16)**

**317**

**دستها را بر هم گذاشتن**

**اگر نمازگزار مثل بعضى افراد كه شيعه نيستند در حال نماز دستها را روى هم بگذارد نماز باطل است .(17)**

**318**

**آمين گفتن**

**اگر بعد از حمد عمداً <<آمين >> بگويد نماز باطل است ولى اگر اشتباهاً يا از روى تقيّه بگويد نمازش باطل نيست .(18)**

**1ـ توضيح المسائل م 1126**

**2ـ همان .**

**3ـ همان .**

**4ـ توضيح المسائل م 1129**

**5ـ توضيح المسائل ص 154**

**6ـ توضيح المسائل م 1133**

**7ـ توضيح المسائل م 1137**

**8ـ توضيح المسائل م 1134**

**9ـ استفتائات ج 1 ص 300 س 560**

**10ـ توضيح المسائل ص 156هفتم و هشتم از مبطلات نماز.**

**11ـ توضيح المسائل م 1131**

**12ـ توضيح المسائل ص 156 نهم از مبطلات نماز.**

**13ـ توضيح المسائل م 1152**

**14ـ توضيح المسائل م 1159تا 1161**

**15ـ توضيح المسائل م 1162**

**16ـ توضيح المسائل م 1160**

**17 ـ توضيح المسائل ص 153 سوم از مبطلات نماز.**

**18 ـ توضيح المسائل ص 154 چهارم از مبطلات نماز.**

**319**

**چيزهايى كه در نماز مكروه است**

**1- برهم گذاشتن چشمها.**

**2- بازى كردن با انگشتان و دستها.**

**3- سكوت كردن هنگام خواندن حمد يا سوره يا ذكر براى شنيدن حرف كسى .**

**4- هر كارى كه خضوع و خشوع را از بين ببرد.**

**5 برگرداندن صورت به طرف راست يا چپ به مقدار كم (چون اگر زياد باشد نماز را باطل مى كند).(1)**

**1ـ توضيح المسائل م 1157**

**321**

**شكيّات نماز**

**322**

**اقسام شك در نماز(1)**

**1- شك در اجزاى نماز:**

**-- شك در انجام جزء**

**-- شك در صحت جزء**

**2- شك در ركعات نماز:**

**-- شكهايى كه نماز را باطل مى كند**

**-- شكهايى كه نماز را باطل نمى كند**

**-- شكهايى كه نبايد به آنها اعتنا كرد**

**3- شك در اصل نماز:**

**-- شك در انجام نماز**

**-- شك در صحّت نماز**

**323**

**شك در اجزاى نماز**

**اگر در انجام جزئى از اجزاى نماز شك كند; يعنى نمى داند آن جزء را به جا آورده است يا نه اگر جزء بعدى را شروع نكرده است ; يعنى هنوز از محل آن جزء نگذشته است ; بايد آن را بجا آورد. ولى اگر از محل آن گذشته است ; به چنين شكى اعتنا نمى شود و نماز را ادامه مى دهد و صحيح است ; مثلاً اگر پس از سجده قبل از شروع كردن تشهد شك كند يك سجده به جا آورده يا دو سجده بايد يك سجدهء ديگر بجا آورد ولى اگر تشهد را شروع كرده باشد لازم نيست سجدهء ديگرى انجام دهد و نماز صحيح است .(2) اگر در صحّت جزئى از نماز شك كند; يعنى نمى داند جزئى كه بجا آورده صحيح انجام شده يا نه بنا مى گذارد بر صحيح بودن آن و نماز را ادامه مى دهد و صحيح است ; مثلاً در صحّت كلمه ياآيه اى كه خوانده است شك مى كند به شك خود اعتنا نمى كند.(3) اگر هنگام رفتن به سجده شك كند كه ركوع كرده يا نه به شك خود اعتناء نكند.(4) اگر در حال برخاستن شك كند كه سجده را بجا آورده يا نه بايد برگردد و بجا آورد ولى اگر شك كند تشهد بجا آورده يا نه به شك خود اعتناء نكند.(5)**

**324**

**شك در ركعات**

**شكهايى كه نماز را باطل مى كند: شك در تعداد ركعات نمازهاى دو ركعتى ; مثل نماز صبح و نماز مسافر. شك در تعداد ركعات نماز مغرب . شك بين يك و بيشتر از يك . شك بين دو و بيشتر از آن پيش از تمام شدن دو سجده . نداند چند ركعت خوانده است . به علاوه شك بين <<2و 5 ـ <<3و 6 ـ <<4و 6 نيز نماز را باطل مى كند.(6)**

**مساءله : اگر يكى از شكهاى باطل كننده براى نمازگزار پيش آيد نمى تواند نماز را به هم بزند ولى اگر بقدرى فكر كند كه شك پا برجا شود به هم زدن نماز مانعى ندارد.(7)**

**325**

**شكهايى كه نماز را باطل نمى كند:**

**اگر در نماز چهار ركعتى يكى از اين شكها براى نمازگزار پيش آمد بايد طبق وظيفه اى كه گفته مى شود عمل كند و نمازش صحيح است .**

**326**

**شك در ركعات نماز چهار ركعتى (8)**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| شك | درحال قيام | در ركوع | بعداز ركوع | در سجده | بعدازسجده دوم | وظيفه نماز گزار در مواردى كه نمازصحيح است |
| بين 2 و3 | باطل | باطل | باطل | باطل | صحيح | بنابر سه گذاشته ويك ركعت ديگر مى خواندو پس از سلام | يك ركعت نماز احتياط ايستاده | يا دو ركعت نشسته مى خواند |
| بين 2 و4 | باطل | باطل | باطل | باطل | صحيح | بنابر چهار مى گذارد ونماز را تمام مى كند و بعد از نماز دو ركعت نماز احتياط ايستاده مى خواند. |  |  |
| بين 2 و 3 و4 | صحيح | صحيح | صحيح | صحيح | صحيح | بنابر چهار مى گذارد و نماز را تمام مى كندو بعد از نماز | دو ركعت نماز احتياط ايستاده و دو ركعت نشسته بجا مى آورد |  |
| بين 3 و4 | صحيح | صحيح | صحيح | صحيح | صحيح | بنا را بر چهار مى گذارد و نماز را تمام مى كند و بعد از نماز يك ركعت نماز احتياط ايستاده يا دو ركعت نشسته مى خواند |  |  |
| بين 4 و 5 | صحيح | باطل | باطل | باطل | صحيح | اگر در حال قيام شك پيش آمده |  |  |
| بدون ركوع مى نشيند و نماز را تمام مى كند ويك ركعت نماز احتياط ايستاده يا دوركعت نشسته مى خواند واگر در حالت نشسته پيش آمده است | بنارا بر چهار مى گذارد و نماز را تمام مى كند وبعدازنماز دو سجده سهو بجا مى آورد. |  |  |  |  |  |  |  |

**بجز مواردى كه در جدول آمده موارد ديگرى نيز هست كه كمتر اتفاق مى افتد و حكم آنها از آنچه بيان شد و قواعدى كه خواهد آمد روشن مى شود.**

**327**

**چند قانون كلّى**

**1- اگر يكى از شكهاى صحيح پيش آيد نبايد نماز را بشكند بلكه بايد مطابق وظيفه اى كه گفته شد عمل كند و اگر نماز را بر هم بزند معصيت كرده است .(9)**

**2- اگر يكى از شكهاى صحيح پيش آيد بايد مقدارى فكر كند پس اگر يقين يا گمان به يك طرف پيدا كرد همان طرف را بگيرد و نماز را تمام كند و گرنه به دستورهايى كه گفته شد عمل كند.**

**3- در شكهاى صحيح بايد بنا را بر بيشتر گذاشت مگر آنكه يكى از اطراف شك از چهار گذشته باشد مثلاً در شك بين 4و 5بنا بر بيشتر گذاشته نمى شود.**

**4- نماز احتياط براى رفع كمبود احتمالى نماز است بنابراين در شك بين 3و 4 كه احتمال كمبود يك ركعت است يك ركعت نماز احتياط لازم است ولى در شك بين 2و 4 دو ركعت نماز احتيا ط لازم است .**

**5- سجدهء سهو در موارد احتمال زيادى سهوى است پس در شك بين 4و 5بعد از سجدهء دوم و شك بين 5و 6در حالت ايستاده سجده سهو لازم است .**

**6- در مواردى كه يك ركعت نماز احتياط واجب است مى توان به جاى آن دو ركعت نشسته خواند.**

**7- در مواردى كه دو ركعت نماز احتياط واجب است نمى توان به جاى آن چهار ركعت نشسته خواند.**

**8- اگر براى نمازگزار در حالت ايستاده يكى از شكهاى صحيح پيش آيد بجز شك 3و 4 در بقيه موارد بايد بدون ركوع بنشيند و پس از نشستن از هر طرف شك يك عدد كم مى شود; مثلاً در شك بين 4و 5ايستاده پس از نشستن به شك 3و 4بر مى گردد و همان وظيفه را بايد انجام دهد.(10)**

**328**

**شكهايى كه نبايد به آنها اعتنا كرد**

**شك بعد از محل (توضيح آن در <<شك در اجزاء>> گذشت ). شك پس از سلام . شك بعد از وقت نماز. شك كثيرالشك .**

**شك امام و ماءموم در نماز جماعت . شك در نماز مستحبى .(11)**

**329**

**توضيح**

**شك بعد از سلام**

**1- اگر پس از سلام نماز شك كند كه نمازش صحيح بوده يا نه ; مثلاً شك كند در ركعت دوم يك سجده به جا آورده يا دو سجده**

**يا پس از سلام نماز چهار ركعتى شك كند چهار ركعت خوانده يا پنج ركعت به شك خود اعتنا نمى كند و لازم نيست نماز را دوباره بخواند.(12)**

**2- اگر پس از سلام شك كند و دو طرف شك باطل باشد; مثل آن كه شك كند نماز چهار ركعتى را سه ركعت خوانده يا پنج ركعت**

**نمازش باطل است .(13)**

**330**

**شك بعد از وقت**

**3- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شك كند كه نماز خوانده يا نه ; مثلاً در شب شك كند نماز ظهر و عصر را خوانده يا نه به شك خود اعتنا نمى كند.**

**4- اگر بعد از گذشتن وقت شك كند نمازى كه خوانده صحيح بوده يا نه به شك خود اعتنا نمى كند.(14)**

**331**

**شك كثيرالشك**

**كثيرالشك كسى است كه در يك نماز سه مرتبه شك كند يا در سه نماز پشت سر هم مثلاً نماز صبح ظهر و عصر شك كند.(15)**

**332**

**وظيفهء كثيرالشك**

**333**

**الف - شك در ركعات نماز:**

**1- طرف بيشتر شك نماز را باطل نمى كند; مثلاً در نماز چهار ركعتى شك بين سه و چهار برايش پيش مى آيد: بنا را بر بيشتر مى گذارد.**

**2- طرف بيشتر شك نماز را باطل مى كند: بنا را بر كمتر مى گذارد; مثلاً در شك بين چهار و پنج بنا را بر چهار مى گذارد.**

**334**

**ب ـ شك در اجزاى نماز:**

**1- انجام آن نماز را باطل نمى كند: بايد بنا بگذارد كه آن را بجا آورده ; مثلاً شك كند يك سجده بجا آورده يا دو سجده : بنا مى گذارد بر انجام دو سجده .**

**2- انجام آن نماز را باطل مى كند: بايد بنا بگذارد كه آن را انجام نداده ; مثلاً شك كند يك ركوع به جا آورده يا دو تا: بنا مى گذارد بر انجام يك ركوع .(16)**

**335**

**شك امام و ماءموم**

**در نماز جماعت اگر امام جماعت شك كند ولى ماءموم شك نداشته باشد و مثلاً با گفتن <<الله اكبر>> امام را مطّلع كند امام جماعت به شك خود اعتنا نمى كند و همچنين اگر ماءموم شك كند ولى امام جماعت شك نداشته باشد همانگونه كه امام جماعت نماز را انجام مى دهد او هم عمل مى كند و صحيح است .(17)**

**336**

**شك در نماز مستحبى (18)**

**337**

**وظيفهء نمازگزار:**

**1- در ركعات نماز مستحبى شك كند: مانند وظيفه اى كه براى كثيرالشك گفته شد عمل مى كند.**

**2- در اجزاء نافله شك كند خواه ركن باشد يا غير ركن : محل آن نگذشته : بايد آن را بجا آورد. محل آن گذشته : به شك اعتنا نمى كند.**

**338**

**شك در اصل نماز(19)**

**339**

**شك در انجام نماز**

**قبل از گذشتن وقت ــ بايد نماز را بخواند.**

**پس از گذشتن وقت ــ لازم نيست آن نماز را بخواند.**

**340**

**شك در صحّت نماز**

**ــ اعتنا نمى شود.**

**341**

**مساءله :**

**كسى كه در انجام نماز كثيرالشك است حكم افراد عادى را دارد ولى وسواسى به شك خود اعتنا نمى كند هر چند در وقت نماز شك كند.(20)**

**342**

**حكم گمان در نماز**

**در اصل نماز: حكم شك را دارد.(21)**

**در ركعات نماز: حكم يقين را دارد.(22)**

**در اجزاء و افعال نماز: در مواردى كه با وظيفهء شك مخالف است بنابر احتياط واجب**

**بايد احتياط كند; مثلاً اگر در حال قيام قبل از رفتن به سجده گمان به انجام ركوع دارد ولى يقين ندارد(23)**

**ركوع رابجا مى آورد و نماز را هم اعاده مى كند.(24)**

**1- بحث شكيات بجز آنچه از توضيح المسائل مى باشد از تحريرالوسيله ج 1 ص 198تا 200آورده شده است .**

**2- همان و توضيح المسائل م 1168**

**3- همان .**

**4- توضيح المسائل م 1171**

**5- همان م 1172**

**6- توضيح المسائل م 1165**

**7- توضيح المسائل م 1166**

**8- توضيح المسائل م 1199و العروْ الوثقى ج 2 ص 20 م 3**

**9- توضيح المسائل م 2000**

**10- توضيح المسائل م 1199**

**11- توضيح المسائل م 1167**

**12- توضيح المسائل م 1179**

**13- توضيح المسائل م 1179**

**14- توضيح المسائل م 1180و 1181**

**15- همان م 1184**

**16- تحريرالوسيله ج 1 كتاب الصلاْ القول فى الشكوك التى لا اعتبار بها ص 207و توضيح المسائل م 1185**

**17- همان .**

**18- همان م 1193و 1195**

**19- تحريرالوسيله ج 1 كتاب الصلاْ القول فى الشك ص 198ـ 206**

**20- همان ص 200 م 8**

**21- همان ص 198 م 1**

**22- همان ص 209 م 1**

**23- در اين فرض اگر شك مى داشت به شك خود اعتناء نمى كرد و ركوع بجا نمى آورد پس وظيفهء شك ترك ركوع است ولى گمان به انجام ركوع دارد.**

**24- همان .**

**343**

**نماز احتياط**

**1- در مواردى كه نماز احتياط واجب مى شود; مثل شك بين 3و 4 بايد بعد از سلام نماز بدون آن كه صورت نماز را بهم بزند يا مبطلى از مبطلات نماز را انجام دهد برخيزد و بدون اذان و اقامه تكبير بگويد و نماز احتياط را بخواند.(1)**

**344**

**فرق نماز احتياط با نمازهاى ديگر:**

**-- نيّت آن را نبايد به زبان آورد.**

**-- سوره و قنوت ندارد (هر چند دو ركعتى باشد).**

**-- حمد را بايد آهسته بخواند (بنابر احتياط واجب ).**

**2- اگر يك ركعت نماز احتياط واجب باشد پس از سجده ها تشهد مى خواند و سلام مى دهد و اگر دو ركعت واجب شده باشد نبايد در ركعت اول تشهد و سلام بخواند بلكه بايد يك ركعت ديگر هم (بدون تكبيرةالاحرام ) بخواند و در پايان ركعت دوم تشهد خوانده سلام مى دهد.(2)**

**3- اگر پس از سلام نماز نماز احتياط را عمداً يا سهواً نخواند بنابر احتياط واجب بايد نماز احتياط را بخواند و نماز را هم اعاده كند.(3)**

**4- كسى كه نشسته نماز مى خواند اگر شكى برايش پيش آيد كه بايد دو ركعت نماز احتياط ايستاده بخواند يا شكى كند كه بايد براى آن يك ركعت نماز احتياط ايستاده يا دو ركعت نشسته بخواند بايد دو ركعت نشسته بجا آورد.(4)**

**345**

**استفتاء**

**س ـ كسى كه وظيفه اش خواندن نماز به طور خوابيده است اگر شك بين 3و 4كند بايد يك ركعت نماز احتياط بخواند يا دو ركعت ؟ يا بستگى به نيّت دارد؟**

**ج ـ مخيّر است بين يك ركعت خوابيده به جاى يك ركعت ايستاده يا دو ركعت خوابيده به جاى دو ركعت نشسته(5) .**

**1ـ همان القول فى ركعات الاحتياط ص 210 م 1و 2**

**2ـ توضيح المسائل م 1215و 1216**

**3ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 210 م 1**

**4ـ توضيح المسائل م 1212**

**5 استفتائات ج 1 ص 168 س 155**

**347**

**سجدهء سهو**

**1- در مواردى كه سجده سهو واجب مى شود بايد بعد از سلام نماز به سجده رود و بگويد: بسم الله و بالله اللّهم صلّ على محمّد و آل محمّد و بهتر است بگويد: بسم الله و بالله السّلام عليك ايّها النّبى و رحمة الله و بركاته و بعد بنشيند و دوباره به سجده رود و يكى از ذكرهاى بالا را بگويد سپس بنشيند و تشهد و سلام را بجا آورد(1).**

**2- سجده سهو تكبيرةالاحرام ندارد.**

**3- موارد سجده سهو:**

**348**

**واجب :**

**1- در بين نماز سهواً حرف بزند.**

**2- يك سجده را فراموش كند و پس از وارد شدن به ركوع ركعت بعد يادش بيايد.**

**3- در نماز چهار ركعتى شك بين 4و 5در حالت نشسته يا 5و 6در حالت ايستاده پيش آيد.(2)**

**349**

**احتياط واجب :**

**1- سلام بى جا; مثلاً در ركعت سوم نماز چهار ركعتى سهواً سلام بدهد.**

**2- تشهد را فراموش كند. احتياط مستحب : مقدارى از سلام واجب نماز بى جا گفته شود.(3)**

**4- اگر چيزى را كه غلط خوانده دوباره صحيح بخواند سجدهء سهو واجب نيست(4) .**

**5 اگر در نماز سهواً مدتى حرف بزند و تمام آن يك مرتبه حساب شود دو سجدهء سهو كافى است(5) .**

**1ـ توضيح المسائل م 1250**

**2ـ يادآورى مى شود اگر در حالت ايستاده شك بين 5و 6پيش آيد نمازگزار بايد بدون ركوع بنشيند كه در اين صورت به شك بين 4و 5در حالت نشسته برگشت مى كند.**

**3ـ توضيح المسائل م 1236و 1242**

**4ـ توضيح المسائل م 1239**

**5ـ توضيح المسائل م 1240**

**350**

**اجزاى فراموش شدهء نماز**

**1- اگر يكى از اجزاء واجب نماز عمداً ترك شود نماز باطل است و اگر واجبات غير ركنى سهواً ترك شود نماز باطل نيست و قضا كردن آن لازم نيست به جز تشهد و يك سجده كه سهواً ترك شده باشد.(1)**

**2- اگر نمازگزار سجده يا تشهد را فراموش كند بنابراحتياط واجب پس از سلام نماز بدون آن كه صورت نماز را بر هم بزند بايد قضاى آن را بجا آورد و سپس سجدهء سهوى كه لازم شده است بجا آورد.(2)**

**3- اگر بين نماز و قضاى تشهد يا سجده كارى كند كه عمدى و سهوى آن نماز را باطل مى كند; مثلاً پشت به قبله كند بايد قضاى سجده را به جا آورد و نمازش صحيح است(3) .**

**4- كسى كه بايد سجده يا تشهد را قضا كند اگر براى كار ديگرى هم سجدهء سهو بر او واجب شده باشد بايد بعد از نماز سجده يا تشهد را قضا كند بعد سجدهء سهو را بجا آورد.(4)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 212 م 1**

**2ـ همان .**

**3ـ توضيح المسائل م 1255**

**ـ توضيح المسائل م 1261**

**352**

**نماز مسافر**

**انسان بايد در سفر با شرايطى كه خواهد آمد نمازهاى چهار ركعتى را دو ركعت (يعنى شكسته ) به جا آورد:**

**1 سفر او كمتر از هشت فرسخِ شرعى (1) نباشد.**

**2 از اوّل مسافرت قصد پيمودن هشت فسخ را داشته باشد.**

**3 به حدّ ترخّص برسد.**

**4 در بين راه پيش از رسيدن به چهار فرسخ از قصد خود بر نگردد.**

**5 نخواهد پيش از رسيدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد يا ده روز يا بيشتر در جايى بماند.**

**6 براى كار حرام سفر نكند و خود سفر هم حرام نباشد.**

**7 بيابانگرد نباشد.**

**8 شغل او مسافرت نباشد.(2)**

**353**

**شرط اوّل**

**1 كسى كه رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است اگر رفتن او كمتر از چهار فرسخ نباشد بايد نماز را شكسته بخواند ولى اگر رفتن كمتر از چهار فرسخ باشد مثلاً سه فرسخ مى رود و پنج فرسخ برمى گردد بايد نماز را تمام بخواند.(3)**

**2 اگر شك كند كه سفرش هشت فرسخ است يا كمتر: اگر تحقيق كردن برايش مشقت ندارد: بنابر احتياط واجب بايد تحقيق كند. اگر تحقيق كردن برايش مشقت دارد: بايد نمازش را تمام بخواند(4).**

**3 اگر بين دو محلى كه فاصلهء آنها كمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد كند گرچه روى هم رفته هشت فرسخ شود بايد نماز را تمام بخواند.(5)**

**4 اگر شهر ديوار دارد بايد ابتداى هشت فرسخ را از ديوار شهر حساب كند و اگر ديوار ندارد بايد از خانه هاى آخر شهر حساب كند.(6)**

**5 اگر به جايى مى رود كه دو راه دارد; يك راه آن كمتر از هشت فرسخ است و راه ديگرش هشت فرسخ يا بيشتر اگر از راهى كه هشت فرسخ است برود بايد نماز را شكسته بخواند و اگر از راهى كه هشت فرسخ نيست برود بايد نماز را چهار ركعتى بخواند.(7)**

**354**

**شرط دوم**

**1 اگر از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جايى مسافرت كند كه كمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسيدن به آن جا تصميم بگيرد كه سفر را ادامه دهد پس اگر بخواهد: هشت فرسخ ديگر برود يا چهار فرسخ برود و برگردد و مجموعِ رفت و برگشت كمتر از هشت فرسخ نباشد بايد نماز را شكسته بخواند. به جايى برود كه با مقدار راهِ آمده هشت فرسخ مى شود و خود به تنهايى هشت فرسخ نيست چون از اوّل قصد هشت فرسخ را نداشته نمازش تمام است .(8)**

**2 كسى كه در سفر به اختيار ديگرى است مانند فرزند كه همراه پدر و مادر به سفر مى رود يا سربازى كه با فرمانده است چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است بايد نماز را شكسته بخواند.(9)**

**355**

**شرط سوم**

**1 كسى كه به مسافرت مى رود وقتى كه به حدّ ترخص رسيد بايد نماز را شكسته بخواند; يعنى حداقل به مقدارى دور شود كه ديوارهاى آنجا را نبيند و اذان آنجا را هم نشنود و چنانچه كمتر از اين مقدار دور شود بايد تمام بخواند.(10)**

**2 هرگاه شهر يا روستا در بلندى باشد كه از دور ديده شود يا به قدرى گود باشد كه اگر انسان كمى دور شود ديوار آن را نبيند**

**كسى كه از آن شهر يا روستا مسافرت مى كند وقتى به اندازه اى دور شودكه اگر آن شهر و زمين هموار بود ديوارش از آنجا ديده نمى شد بايد نماز را شكسته بخواند و نيز اگر پستى و بلندى خانه ها بيشتر از معمول باشد بايد ملاحظهء معمول را بنمايد.(11)**

**3 اگر از محلى مسافرت مى كند كه خانه و ديوار ندارد وقتى به جايى برسد كه اگر آن محل ديوار داشت از آنجا ديده نمى شد و اذان آنجا را نيز نمى شنود بايد نماز را شكسته بخواند.(12)**

**4 كسى كه به سفر مى رود اگر به جايى برسد كه اذان را نشنود ولى ديوار شهر را ببيند يا ديوارها را نبيند و صداى اذان را بشنود چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند بنابر احتياط واجب بايد هم شكسته و هم تمام بخواند.(13)**

**5 مسافرى كه به وطنش بر مى گردد وقتى ديوار وطن خود را ببيند و صداى اذان آن را بشنود بايد نماز را تمام بخواند ولى اگر به جايى مى رود كه مى خواهد ده روز در آنجا بماند بنابراحتياط واجب بايد نماز را تاءخير بيندازد تا به منزل برسد يا نماز را هم تمام و هم شكسته بخواند.(14)**

**356**

**شرط چهارم**

**اگر در بين راه از ادامهء سفر منصرف شود: پيش از رسيدن به چهار فرسخ منصرف شود بايد نماز را تمام بخواند. بعد از رسيدن به چهار فرسخ :**

**1 بخواهد همانجا بماند و بعد از ده روز برگردد ـ 2 مردّد شود كه بماند يا برگردد: نماز را تمام بخواند.**

**3 بخواهد برگردد بايد نماز را شكسته بخواند.(15)**

**357**

**شرط پنجم**

**1 كسى كه مى خواهد در بين راه پيش از پيمودن هشت فرسخ از وطن خود عبور كند يا ده روز در محلى بماند بايد نماز راتمام بخواند چون با رسيدن به وطن يا جايى كه ده روز مى ماند سفر تمام مى شود و اين سفر كمتر از هشت فرسخ است .(16)**

**2 اگر در سفر پيش از رسيدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد يا جايى ده روز در محلى بماند اگر باقيماندهء سفر هشت فرسخ باشد يا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد بايد در باقيمانده ءسفر نماز را شكسته بخواند.(17)**

**358**

**شرط ششم**

**1 اگر سفر به خودى خود حرام باشد; مثل فرار از جبههء جهاد يا براى كار حرام باشد; مانند سفر براى سرقت در چنين سفرى نماز تمام است .(18)**

**2 كسى كه سفر او حرام نيست و براى كار حرام هم سفر نمى كند اگر چه معصيتى انجام دهد; مثلاً غيبت كند بايد نماز را شكسته بخواند.(19)**

**359**

**شرط هفتم**

**1 صحرانشينانى كه در بيابانها گردش مى كنند و هر جا آب و خوراك براى خود و حيوانهايشان پيدا كنند مى مانند و بعد از چندى به جاى ديگر مى روند در اين سفرها بايد نماز را تمام بخوانند.(20)**

**2 اگر صحرانشين براى زيارت يا حج يا تجارت و مانند اينها مسافرت كند بايد نماز را شكسته بخواند.(21)**

**360**

**شرط هشتم**

**1 كسى كه شغل او مسافرت است ; مانند خلبان ملوان و راننده در سفرهايى كه شغل اوست بايد در غير سفر اوّل نماز را تمام بخواند ولى در سفر اوّل هر چند طول بكشد نمازش شكسته است .(22)**

**2 كسى كه شغلش مسافرت است اگر براى كار ديگرى ; مثلاً براى زيارت يا حج مسافرت كند بايد نماز را شكسته بخواند ولى اگر مثلاً راننده مسافران را مى برد و كرآيْ مى گيرد و خودش نيز زيارت مى كند بايد نمازش را تمام بخواند.(23)**

**3 راننده و دوره گردى كه در دو سه فرسخى شهر رفت و آمد مى كند شغل او مسافرت نيست و چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخى برود بايد نماز را شكسته بخواند.(24)**

**4 كسى كه شغلش مسافرت است اگر ده روز يا بيشتر در وطن يا غيروطن بماند و به مسافرت شغلى نرود بايد در سفر اوّلى كه بعد از ده روز مى رود نماز را شكسته بخواند.(25)**

**361**

**استفتاء**

**س ـ شخصى در يك شركت ناظر خريد است چند سال است كه هر روز صبح از وطن خود به محل كار كه بيش از حدّ شرعى فاصله دارد مى رود و غروب بر مى گردد و گاهى شخصاً رانندگى مى كند آيا اين شخص مسافر است يا دائم السفر؟**

**ج ـ در محل كار و بين راه حكم مسافر دارد.(26)**

**1- شت فرسخ شرعى تقريباً 45كيلومتر است .**

**2- توضيح المسائل نماز مسافر.**

**3- توضيح المسائل م 1272**

**4- توضيح المسائل م 1274**

**5- توضيح المسائل م 1278**

**6- توضيح المسائل م 1280**

**7- توضيح المسائل م 1279**

**8- توضيح المسائل نماز مسافر شرط دوم .**

**9- توضيح المسائل م 1284**

**10- توضيح المسائل نماز مسافر شرط هشتم .**

**11- توضيح المسائل م 1320**

**12- توضيح المسائل م 1321**

**13- توضيح المسائل م 1318**

**14- توضيح المسائل م 1319**

**15- توضيح المسائل نماز مسافر شرط سوّم و مساءله 1287و 1288**

**16- توضيح المسائل نماز مسافر شرط چهارم .**

**17- توضيح المسائل م 1294**

**18- توضيح المسائل نماز مسافر شرط پنجم .**

**19- توضيح المسائل م 1296**

**20- توضيح المسائل نماز مسافر شرط ششم .**

**21- توضيح المسائل م 1306**

**22- توضيح المسائل نماز مسافر شرط هفتم .**

**23- توضيح المسائل م 1307**

**24- توضيح المسائل م 1311**

**25- توضيح المسائل م 1312و 1313**

**26- استفتاآت ج 1 ص 246 ص 379**

**362**

**مكانهايى كه نماز تمام است**

**1- در وطن .**

**2- در جايى كه مى داند ده روز مى ماند يا بنا دارد بماند.**

**3- در جايى كه سى روز با ترديد مانده ; يعنى معلوم نبوده است كه مى ماند يا مى رود و تا سى روز به همين حالت مانده و از آنجا به جايى هم نرفته است در اين صورت بايد بعد از سى روز نماز را تمام بخواند.(1**

**363**

**وطن كجاست ؟**

**1- وطن جايى است كه انسان براى اقامت و زندگى خود اختيار كرده است مثلاً يك شهر يا روستا خواه در آنجا به دنيا آمده و وطن پدر و مادرش باشد يا خودش آن جا را براى زندگى اختيار كرده است .(2**

**2- تا انسان قصد ماندنِ هميشگى در غيروطن اصلى خودش را نداشته باشد آنجا وطن او حساب نمى شود.(3**

**3- اگر قصد دارد در محلى كه وطن اصلى او نيست مدتى بماند و بعد به جاى ديگرى برود آنجا وطن او حساب نمى شود; مانند دانشجويى كه مدتى براى تحصيل در شهرى مى ماند.(4**

**4- كسى كه در دو محل زندگى مى كند; مثلاً شش ماه در شهرى و شش ماه در شهر ديگر مى ماند و هر دو را براى زندگى هميشگى اختيار كرده است . هر دو وطن اوست . و اگر بيشتر از دو محل رابراى زندگى خود اختيار كرده باشد اشكال دارد و بايد احتياط مراعات شود.(5**

**5- اگر انسان بدون قصد ماندن هميشگى در جايى آن قدر بماند كه مردم او را اهل آنجا بدانند آن جا براى او حكم وطن را دارد.(6**

**6- اگر به جايى برود كه پيشتر وطن او بوده ولى هم اكنون از آن جا صرف نظر كرده است نبايد نماز را تمام بخواند اگر چه وطن ديگرى هم براى خود اختيار نكرده باشد.(7**

**364**

**استفتاء**

**س ـ در مورد همسر و يا فرزندى كه تكليف شده و در منزل تابع شوهر و يا پدر خود مى باشند آيا در مساءلهء ترك وطن تابع پدر و يا شوهر خود هستند و اگر پدر و يا شوهر ترك وطن نمود آنها هم همان حكم را پيدا مى كنند و يا بايد مستقلاً تصميم بگيرند؟**

**ج ـ زن و فرزندى كه از حدّ تبعيّت بالطبع بيرون آمده و صاحب اراده است در اتخاذ وطن و اعراض از آن و قصد اقامه تابع نيست و ميزان تصميم خود او است .(8**

**365**

**قصد ده روز**

**1- مسافرى كه قصد كرده ده روز در محلى بماند اگر بيش از ده روز در آنجا بماند تا وقتى كه مسافرت نكرده بايد نمازش را تمام بخواند و لازم نيست دوباره قصد ماندن ده روز كند.(9**

**2- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:**

**الف : قبل از خواندن نماز چهار ركعتى از قصد خود برگردد: بايد نماز را شكسته بخواند.**

**ب : بعد از خواندن يك نماز چهار ركعتى از قصد خود برگردد: تا وقتى كه در آنجا هست بايد نماز را تمام بخواند.(10**

**366**

**استفتاء**

**س ـ عده اى كه سالهاست در منطقه اى ساكن عمارات و ساختمانهاى دولتى بوده و خود نيز از كاركنان دولت هستند اخيراً در بين آنان شايع شده كه چون شما نمى دانيد چند مدت در اينجا خواهيد بودنماز و روزهء شما قصر است و بعضى هم اكنون در خانه هاى مسكونى خود نمازهاى خود را شكسته مى خوانند آيا در فتاوى امام امت چنين موردى هست يا خير؟**

**ج ـ اگر وطن اصلى آنها نيست و قصد ماندن هميشه در آنجا ندارند بدون قصد ماندن ده روز در آنجا حكم مسافر دارند.(11**

**367**

**مسافرى كه نمازش را تمام خوانده**

**اگر:**

**الف : نمى دانست كه مسافر بايد نماز را شكسته بخواند: نمازى كه خوانده صحيح است .(12**

**ب : حكم سفر را مى دانست ولى بعضى از جزئيّات را نمى دانست يا نمى دانست كه مسافر است : نمازى را كه خوانده بايد دوباره بخواند.(13**

**368**

**غيرمسافرى كه نمازش را شكسته خوانده است : كسى كه بايد نماز را تمام بخواند اگر شكسته به جا آورد در هر صورت نمازش باطل است .(14**

**ـ1توضيح المسائل شرط چهارم و مسئله 1328ـ 1335ـ 1353**

**ـ2توضيح المسائل م 1329**

**ـ3توضيح المسائل م 1331**

**ـ4توضيح المسائل م 1330**

**ـ5توضيح المسائل م 1332**

**ـ6توضيح المسائل م 1331**

**ـ7توضيح المسائل م 1334**

**ـ8استفتاآت ج 1 ص 264 س 428**

**ـ9توضيح المسائل م 1347**

**ـ10توضيح المسائل م 1342**

**ـ11استفتاآت ج 1 ص 260 س 417**

**ـ12توضيح المسائل م 1359**

**ـ13توضيح المسائل م 1360ـ 1361ـ 1362**

**ـ14توضيح المسائل م 1363**

**370**

**مكانهايى كه مىتوان نماز را تمام يا شكسته خواند**

**در اين مكانها مسافر مى تواند نماز را تمام يا شكسته بخواند:**

**-- مسجد الحرام**

**-- مسجد النبى (ص) در مدينهء منوّره**

**-- مسجد كوفه**

**-- حرم امام حسين (ع )(1).**

**1ـ توضيح المسائل م 1356**

**371**

**نماز قضا**

**انسان بايد نمازهاى واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه بدون عذر نمازى از او قضا شود گناهكار است و بايد توبه كرده قضاى آن را هم به جا آورد.**

**1- در دو مورد به جا آوردن قضاى نماز واجب است :**

**نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد. بعد از وقت متوجه شود نمازى كه خواندهباطل بوده است .(1).**

**2- كسى كه نماز قضا دارد نبايد در خواندن آن كوتاهى كند ولى واجب نيست فوراً آن را به جا آورد.(2).**

**3- حالتهاى مختلف انسان نسبت به نماز قضا:**

**-- مى داند نماز قضا ندارد: چيزى واجب نيست .**

**-- شك دارد نماز قضا دارد يا نه : چيزى واجب نيست .**

**-- احتمال مى دهد نماز قضايى دارد يا نمازهايى را كه خوانده صحيح نبوده : مستحب است احتياطاً قضاى آن را به جا آورد.**

**-- مى داند نماز قضا دارد ولى شمارهء آنها را نمى داند; مثلاً نمى داند چهار تا بوده يا پنج تا: چنانچه كمتر را بخواند كافى است .**

**-- شمارهء آنها را فراموش كرده : اگر مقدار كمتر را بخواند كفايت مى كند.**

**-- شماره آن را هم مى داند: بايد قضاى آن را به جا آورد.(3) .**

**4- قضاى نمازهاى يوميّه لازم نيست به ترتيب خوانده شود; مثلاً كسى كه يك روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده**

**لازم نيست اوّل نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا كند.0 ولى در نمازهايى كه اداى آنها بايد(4) به ترتيب خوانده شود; مثل نماز ظهر و عصر يك روز بايد قضاى آن را نيز به ترتيب به جا آورد.**

**5- نماز قضا را با جماعت مى توان خواند; چه نماز امام جماعت ادا باشد و چه قضا و لازم نيست هر دو يك نماز را بخوانند; مثلاً اگر نماز قضاى صبح را با نماز ظهر يا عصر امام بخواند اشكال ندارد.(5)**

**6- اگر مسافرى كه بايد نماز را شكسته بخواند نماز ظهر يا عصر يا عشاء از او قضا شود بايد آن را دو ركعتى به اًجا آورد**

**372**

**اگر چه در غير سفر بخواهد قضاى آن را به جا آورد.(6)**

**7- در سفر نمى توان روزه گرفت حتى روزهء قضا ولى نماز قضا مى توان به جا آورد و تفصيل اين مسأله در روزه گرفتن در سفر در چند مورد استثنا شده و صحيح است كه از جمله آنها روزهء نذرى است به شرط آن كه نذر كرده باشد در سفرآبگيرد يا روزه معينى را نذر كرده روزه بگيرد و آن روزه مسافر است . بحث روزهء مسافر خواهد آمد.(7)**

**8 اگر در سفر بخواهد نمازهايى را كه در غير سفر قضا شده به جا آورد بايد نمازهاى ظهر و عصر و عشاء را چهار ركعتى قضا كند.(8)**

**9 نماز قضا را در هر وقت مى توان به جا آورد; يعنى قضاى نماز صبح را مى توان ظهر يا شب خواند.(9)**

**373**

**استفتاء**

**س 1- شخصى كه مدت 2يا 3روز بى هوش بوده آيا نمازهايى را كه در اين مدت نخوانده قضا لازم است ياخير؟**

**ج ـ اگر تمام وقت بى هوش بوده و به دست خود بيهوش نشده قضا ندارد.(10)**

**س 2- پدر و مادر من پسرى بزرگتر از من داشتند كه در سنين كودكى (دو سالگى ) مرده است و بعد از مرگ اوخ اولاد ارشد پدر و مادر من هستم آيا بعد از مرگ پدر ومادرم طبق مسائل موجود در توضيح المسائل نماز و روزه 8ضاى پدرم بر من (كه پسر دوّمش هستم ) واجب است يا نه ؟**

**ج ـ در فرض مرقوم شما پسر بزرگتر هستيد.(11)**

**1ـ توضيح المسائل م 1370ـ 1371**

**2ـ توضيح المسائل م 1372**

**3ـ توضيح المسائل م 1374و 1383**

**4ـ توضيح المسائل م 1375**

**5ـ توضيح المسائل م 1388**

**6ـ توضيح المسائل م 1368**

**7ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 224 م 5و العروة الوثقى ج 1 ص 734 م 10**

**8ـ توضيح المسائل م 1368**

**9ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 293 م 1 العروةالوثقى ج 1 ص 734 م 10**

**10ـ استفتاآت ص 173 س 176**

**11ـ استفتاآت ج 1 ص 187 س 218**

**375**

**نماز قضاى پدر**

**1- تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد شخص ديگر نمى تواند نماز برايش انجام دهد(1).**

**2- پس از مرگ پدر نمازها و روزه هايى را كه به جا نياورده بر پسر بزرگتر او واجب است آن نمازها و روزه ها را قضا كند و احتياط مستحب است نماز و روزه هايى را كه از مادرش قضا شده به جا آورد.(2) .**

**3- حالتهاى مختلف پسر نسبت به نماز قضاى پدر:**

**الف : مى داند پدر نماز قضا داشته است :**

**-- تعداد آن را هم مى داند: بايد آنها را قضا كند.**

**-- تعداد آن را نمى داند: اگر مقدار كمتر را به جا آورد كافى است .**

**-- شك دارد كه خودش به جا آورده است يا نه : بنابر احتياط واجب بايد قضا كند(3)..**

**ب : شك دارد كه پدر نماز قضا داشته است يا نه : چيزى بر او واجب نيست(4).**

**4- اگر پسر بخواهد نماز پدر يا مادر را بخواند بايد به تكليف خود عمل كند; مثلاً نماز قضاى صبح و مغرب و عشاء را بايد بلند بخواند.(5)**

**5- اگر پس از مرگ پدر**

**پسر بزرگتر پيش از آن كه نماز و روزهء پدر را قضا كند از دنيا برود بر پسر دوم چيزى واجب نيست(6).**

**376**

**استفتاء**

**س ـ كسى كه خودش نماز و روزهء قضا دارد آيا مى تواند نماز و روزهء استيجارى به عهده بگيرد و در صورت توانستن آيا از دو نفر هم مى تواند قبول كند؟**

**ج ـ مانع ندارد(7).**

**1ـ توضيح المسائل م 1387**

**2ـ توضيح المسائل م 1390**

**3ـ توضيح المسائل م 1390 ـ 1392**

**4ـ توضيح المسائل م 1391**

**5ـ توضيح المسائل م 1395**

**6ـ توضيح المسائل م 1398**

**7ـ استفتاآت ج 1 ص 192 س 232**

**377**

**نماز جماعت**

**وحدت امّت اسلامى از مسائلى است كه اسلام به آن اهميّت بسيار داده است و براى حفظ و ادامهء آن برنامه هاى ويژه اى دارد كه يكى از آنها نماز جماعت است .**

**378**

**اهميّت نماز جماعت**

**گذشته از آن كه در روايات براى نماز جماعت اجر و پاداش بسيارى وارد شده است با دقّت در برخى از مسائل فقهى به اهميّت اين عبادت پى مى بريم و در اينجا به برخى از آنها اشاره مى كنيم :**

**1- مستحب است نمازهاى واجب به خصوص نمازهاى يوميّه را به جماعت بخوانند.**

**2- شركت در نماز جماعت براى هر كس مستحب است به ويژه براى همسايهء مسجد.**

**3- مستحب است انسان صبر كند كه نماز را به جماعت بخواند.**

**4- نماز جماعت هر چند اوّل وقت خوانده نشود از نماز فُراداى اوّل وقت بهتر است .**

**5- نماز جماعتى كه مختصر خوانده مى شود از نماز فرادايى كه طول بدهد بهتر است .**

**6- سزاوار نيست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترك كند.**

**7- حاضر نشدن در نماز جماعت از روى بى اعتنايى به آن جايز نيست .**

**8- وقتى كه جماعت بر پا مى شود مستحب است كسى كه نمازش را فرادا خوانده دوباره به جماعت بخواند.**

**9- امام يا ماءموم مى تواند نمازى را كه به جماعت خوانده دوباره به جماعت بخواند در صورتى كه جماعت دوّم و اشخاص آن غير از اوّل باشد.(1)**

**379**

**استفتاء**

**س ـ اگر كسى در نماز جماعت توجه كافى نداشته باشد ولى در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بيشترى برخوردار باشد مى تواند در منزل نماز بخواند به جاى جماعت ؟**

**ج ـ مانع ندارد و جماعت بهتر است .(2)**

**1- توضيح المسائل م 1399تا 1404**

**2- استفتاآت ج 1 ص 277 س 476**

**381**

**شرايط نماز جماعت**

**هنگام برپايى نماز جماعت شرايط زير بايد مراعات شود: ماءموم از امام جلوتر نايستد و احتياط واجب آن است كه كمى عقب تر بايستد. جايگاه امام جماعت از جايگاه ماءمومين بالاتر نباشد. فاصلهء امام و ماءموم و فاصلهء صف ها زياد نباشد. بين امام و ماءموم و همچنين بين صف ها چيزى مانند ديوار يا پرده مانع نباشد ولى نصب پرده بين صف مردها و زنها اشكال ندارد.(1)**

**382**

**توضيح :**

**ماءمومين بايد با امام جماعت مرتبط باشند و ارتباط آنها يا بدون واسطه است كه بين امام و ماءموم نبايد بيش از يك گام فاصله باشد;**

**يعنى از محل سجدهء ماءموم تا محل ايستادن امام يا با واسطه ساير ماءمومين كه از جلو يا سمت راست يا چپ بايد اين ارتباط برقرار باشد و اين ارتباط دو شرط دارد: بين نمازگزار و صف جلو يا كسى كه طرف راست يا چپ او قرار دارد بيش از يك گام فاصله نباشد. اگر در صف اوّل ايستاده نبايد مقابل او مانعى باشد كه نتواند امام جماعت را ببيند پس اگر امام جماعت در محراب باشد كسانى كه دو طرف محراب پشت ديوار مى ايستند و امام جماعت را نمى بينند نمى توانند اقتدا كنند. ولى اگر مانعى در كار نباشد و به جهت طولانى بودن صف امام جماعت را نبيند اشكال ندارد. اگر در صفوف بعدى ايستاده است بايد مانعى از ديدن صف جلو وجود نداشته باشد پس اگر صفوف جماعت تا درِ شبستان برسد كسى كه بيرون شبستان مقابل در ايستاده كه صف جلو را مى بيند وكسانى كه پشت سر او ايستاده اند نمازشان صحيح است ولى كسانى كه دو طرف پشت ديوار ايستاده اند و از صف جلو كسى (حتى يك نفر) را نمى بينند نمازشان باطل است .(2)**

**383**

**استفتاء**

**س ـ طبقهء دوّم مسجد ماءمومين زن يا مرد اقتدا مى نمايند و لبهء اين طبقه يك ديوار نيم مترى وجود دارد آيا وجود اين ديوار ضررى به جماعت آنها مى زند يا خير؟**

**ج ـ اشكال ندارد.(3)**

**1- العروْ الوثقى ج 1 ص 777و 778 فصل 46و توضيح المسائل م 1415 م 1432و 1433**

**2- توضيح المسائل م 1411تا 1414و 1435و 1436**

**3- استفتائات ج 1 ص 283 س 498**

**384**

**شرايط امام جماعت**

**385**

**امام جماعت بايد اين شرايط را دارا باشد:**

**بلوغ و عقل .**

**عدالت .**

**رجوليّت (مرد بودن ).**

**نماز را بطور صحيح بخواند.**

**مسلوس و مبطون(1) نباشد.**

**به واسطهء عذرى با لباس نجس نماز نخواند.**

**بيمارى خوره يا پيسى نداشته باشد.(2)**

**386**

**مساءله :**

**كسى كه ايستاده نماز مى خواند نمى تواند به كسى كه نشسته يا خوابيده نماز مى خواند اقتدا كند.(3)**

**387**

**استفتاء**

**س ـ آيا ماءمومى كه قرائتش فصيحتر از امام جماعت است مى تواند براى نماز جماعت به اين امام اقتدا كند؟**

**ج ـ اقتدا صحيح است .(4)**

**س ـ آيا مى شود به ماءمومى كه در نماز چهار ركعتى دو ركعت آن را به جماعت خوانده و دو ركعت باقى مانده را فرادا مى خواند اقتدا كرد؟**

**ج ـ مانع ندارد.(5)**

**1- سلوس كسى است كه كنترل ادرار ندارد و مبطون كسى است كه مدفوع را نمى تواند كنترل كند.**

**2- توضيح المسائل م 1453 1455 1457تا 1459**

**3- توضيح المسائل م 1455**

**4- استفتاآت ج 1 ص 280 س 489**

**5- همان ، ص 294 ، ص 537**

**389**

**نمازها و حالتهاى مختلفى كه جماعت صحيح است :**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| شماره | نماز امام جماعت | نماز ماموم | توضيح |
| 1 | اداى يوميّه | اداى يوميّه | هر كدام از نمازهاى يوميّه را مى توان به ديگرى اقتدا كرد; مثلاً نماز ظهر را به عصر.(45 |
| 2 | قضاى يوميّه | قضاى يوميّه | هر چند هماهنگ نباشد | مثلاً امام جماعت قضاى ظهر را مى خواند و ماءموم قضاى صبح را.(1) |
| 3 | اداى يوميّه | قضاى يوميّه | هر كدام از قضاى يوميه را مى توان به نماز ادا اقتدا كرد; مثلاً نماز قضاى صبح را به اداى ظهر.(2) |  |
| 4 | قضاى يوميه | اداى يوميّه | هر كدام كه باشد | هر چند هماهنگ نباشد. |
| 5 | آيات | آيات | هر چند آيات متحد نباشد; مثلاً يكى نماز براى زلزله مى خواند ديگرى براى صاعقه .(3) |  |
| 6 | عيدين | عيدين | به قصد رجاء در زمان غيبت اشكال ندارد.(4) |  |
| 7 | تمام | شكسته | صحيح | ولى مكروه است ; يعنى ثوابش كمتر است .(5) |
| 8 | شكسته | تمام | صحيح | ولى مكروه است ; يعنى ثوابش كمتر است .(6) |
| 9 | ميّت | ميّت | صحيح است .(7) |  |

**390**

**مساءله :**

**اگر امام جماعت نماز قضاء يوميّهء خود يا ديگرى را مى خواند در صورتى كه نماز قضاى قطعى باشد اقتداى به او اشكال ندارد ولى در صورتى كه احتياطاً نماز را قضا مى كند نمى توان به او اقتدا كرد.(52**

**1- همان م 1409**

**2- همان م 1409**

**3- تحريرالوسيله ج 1 كتاب الصلاْ القول فى صلاْ الاَّيات م 12**

**4- توضيح المسائل م 1407**

**5- همان م 1490**

**6- تحريرالوسيله ج 1 كتاب الطهارْ القول فى الصلاْ على ميّت ص 79**

**7- توضيح المسائل م 1409**

**391**

**نمازها و حالتهاى مختلفى كه جماعت صحيح نيست :**

**1- نمازهاى مستحبى به جز نماز طلب باران و نمازهاى واجب كه به جهتى مستحب شده است ; مانند نماز عيدين در زمان غيبت**

**كه به قصد رجاء به جماعت صحيح است .**

**2- هيچكدام از نمازهاى يوميّه را نمى توان به نمازهاى آيات اموات احتياط اقتدا كرد و عكس آن نيز صحيح نيست(1).**

**3- صحيح بودن نماز طواف نيز به جماعت محل اشكال است .(2)**

**4- اگر انسان نداند نمازى را كه امام جماعت مى خواند نماز واجب يوميّه است يا نماز مستحب نمى تواند به او اقتدا كند(3).**

**392**

**استفتاء**

**س ـ آيا در غير حج شيعيان مى توانند به امام جماعت اهل تسنّن اقتدا نمايند يا خير؟**

**ج ـ مى توانند.(4).**

**1ـ العروةالوثقى ج 1 ص 765و 766 كتاب الصلاة فصل فى صلاة جماعة م 4و 6 تحريرالوسيله**

**ج 1 كتاب الصلاة فصل فى صلاة الجماعة م 1**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 265 م 1**

**3ـ توضيح المسائل م 1410**

**4ـ استفتاآت ج 1 ص 279 س 484**

**394**

**چگونگى اقتدا به امام جماعت**

**395**

**ركعت اوّل**

**1- در بين قرائت ــ مأموم حمد و سوره را نمى خواند و بقيّهء اعمال را با امام جماعت به جا مى آورد.**

**2- در ركوع ــ ركوع و بقيه اعمال را با امام جماعت به جا مى آورد.(1).**

**396**

**ركعت دوّم**

**1- در بين قرائت ــ مأموم حمد و سوره را نمى خواند و با امام قنوت و ركوع و سجده را به جا مى آورد و آنگاه كه امام جماعت تشهد مى خواند بنابر احتياط واجب بايد به صورت نيم خيز بنشيند و اگر نماز دو ركعتى است يك ركعت ديگر به تنهائى بخواند و نماز را تمام كند و اگر سه يا چهار ركعتى است در ركعت دوّم كه امام جماعت در ركعت سوّم مى باشد حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبيحات بخواند) و آنگاه كه امام جماعت ركعت سوّم را تمام كرد و براى ركعت چهارم بر مى خيزد مأموم بايد پس از دو سجده تشهد بخواند و برخيزد و قرائت ركعت سوّم را به جا آورد و در ركعت آخر نماز كه امام جماعت با تشهد و سلام نماز را به پايان مى برد يك ركعت ديگر مى خواند(2).**

**2- در ركوع ــ ركوع را با امام جماعت به جا مى آورد و بقيّهء نماز را همانگونه كه گفته شد انجام مى دهد.**

**3- در قنوت ــ قنوت را با امام جماعت مى خواند و همانند آنچه براى اقتداى در بين قرائت گفته شد عمل مى كند.**

**397**

**ركعت سوّم**

**1- در بين حمد يا تسبيحات ــ چنانچه مى داند كه اگر اقتدا كند براى خواندن حمدِ و سوره و يا حمد تنها وقت دارد مى تواند اقتدا كند و بايد حمد و سوره يا حمد را بخواند و اگر مى داند فرصت ندارد بنابر احتياط]; واجب بايد صبر كند تا امام جماعت به ركوع رود سپس به او اقتدا كند. 2- در ركوع ــ چنانچه در ركوع اقتدا كند ركوع را با امام به جا مى آورد و حمد و سوره براى آن ركعت ساقطب است و بقيهء نماز را همانگونه كه قبلاً بيان شد به جا مى آورد.(3)**

**398**

**ركعت چهارم**

**1- در بين حمد يا تسبيحات ــ حكم اقتدا در ركعت سوّم را دارد و آنگاه كه امام جماعت در ركعت آخر نمازخبراى تشهد و سلام مى نشيند مأموم مى تواند برخيزد و نمازش را به تنهائى ادامه دهد و مى تواند به طور نيم خيز;بنشيند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخيزد.**

**2- در ركوع ــ ركوع و سجده ها را با امام به جا مى آورد (اكنون ركعت چهارم امام و ركعت اوّل مأموم است )‌و بقيّهء نماز را همانگونه كه گذشت انجام مى دهد.(4)**

**1ـ توضيح المسائل م 1427**

**2ـ توضيح المسائل م 1439ـ 1440**

**3ـ توضيح المسائل م 1443ـ 1442و تحريرالوسيله ج 1 ص 271ـ 272 م 5 6ـ 8**

**4ـ همان .**

**399**

**وظيفهء مأموم در نماز جماعت**

**1- مأموم نبايد تكبيرةالاحرام را پيش از امام بگويد بلكه احتياط واجب آن است كه تا تكبير امام تمام نشده تكبير نگويد(1).**

**2- مأموم بايد غير از حمد و سوره همه چيز نماز را خودش بخواند ولى اگر ركعت اوّل يا دوّم او ركعت سوّم يا چهارم امام باشد بايد حمد و سوره را بخواند(2).**

**400**

**چگونگى پيروى مأموم**

**از امام جماعت :**

**-- در اقوال ; مانند حمد سوره ذكر و تشهد جلو افتادن از امام يا عقب افتادن از او اشكال ندارد مگر در تكبيرةالاحرام .**

**-- در اعمال ; مانند ركوع سر برداشتن از ركوع و سجده پيش افتادن جايز نيست پس اگر عمداً قبل از امام به ركوع برود يا از ركوع برخيزد يا به سجده برود معصيت كرده گرچه نمازش صحيح است ولى عقب افتادن اگر زياد نباشد اشكال ندارد(3).**

**401**

**مسأله :**

**اگر موقعى كه امام جماعت در ركوع است اقتدا كند ممكن است يكى از اين حالت ها را داشته باشد:**

**-- قبل از تمام شدن ذكر ركوعِ امام جماعت به ركوع مى رسد ــ نمازش به جماعت صحيح است .**

**-- وقتى به حدّ ركوع مى رسد ذكرِ ركوعِ امام جماعت تمام شده ولى هنوز امام در ركوع است ــ نمازش به جماعت صحيح است .**

**-- به ركوع رود ولى به ركوع امام هم نرسد ــ نمازش به طور فرادا صحيح است .(4) اگر مأموم سهواً پيش از امام :1 به ركوع رود ــ واجب است برخيزد و با امام جماعت به ركوع برود.2 از ركوع برخيزد ــ چنانچه امام در ركوع باشد بايد به ركوع برگردد و با امام سر از ركوع بردارد و در اين آصورت زياد شدن ركوع كه ركن است نماز را باطل نمى كند.(5)**

**3- به سجده رود ــ واجب است سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.(6)**

**4- سر از سجده بردارد ــ بايد به سجده برگردد.(7)**

**1ـ توضيح المسائل م 1467**

**2ـ توضيح المسائل م 1461**

**3ـ توضيح المسائل م 1467ـ 1469و 1470 العروةالوثقى ج 1 ص 785 م 7**

**4ـ توضيح المسائل م 1427**

**5ـ توضيح المسائل م 1471**

**6ـ همان م 1478**

**7ـ العروةالوثقى ج 1 ص 786 م 12و توضيح المسائل م 1472**

**403**

**احكام نماز جماعت**

**1- اگر جاى مأموم بلندتر از امام باشد در صورتى كه بلندى آن به مقدار متعارفِ باشد اشكال ندارد; مثل آن كه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بايستد ولى اگر مثل ساختمانهاى چند طبقهء اين زمان باشد جماعت اشكال دارد.(1) .**

**2- اگر بين كسانى كه در يك صف ايستاده اند بچهء مميز; يعنى بچه اى كه خوب و بد را مى فهمد فاصله شود و فاصله بيش از يك گام باشد و :**

**مى دانند نماز او صحيح است ــ مى توانند اقتدا كند. مى دانند نماز او باطل است ــ نمى توانند اقتدا كنند.. بودن يك كودك در حال نماز هر چند نمازش باطل باشد اشكال ندارد. نمى دانند نمازش صحيح است يا باطل ــ مى توانند اقتدا كنند.(2).**

**3- بعد از تكبير امام جماعت اگر صف جلو آمادهء نماز و تكبير گفتن آنان نزديك باشد كسى كه در صف بعد ايستاده مى تواند تكبير بگويد.(3).**

**4- اگر نماز همهء كسانى كه در صف جلو هستند تمام شود يا همهء آنها نيّت فرادا نمايند اگر فاصله به اندازهء يك قدم بزرگ نباشد نماز صف بعد به طور جماعت صحيح است و اگر بيشتر از اين مقدار باشد فرادا مى شود و صحيح است .(4)**

**5- اگر امام ايستاده باشد و مأموم نداند كه در كدام ركعت است مى تواند اقتدا كند ولى بايد حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد كه امام در ركعت اوّل يا دوّم بوده نمازش صحيح است .(5).**

**404**

**استفتاء**

**س ـ در صف جماعت اگر در يك صف يا صفها بين مردان كه در يك طرف قرار دارند و زنان كه در طرف ديگرند حجابى نباشد آيا نماز آنها اشكال ندارد؟**

**ج ـ اشكال ندارد.(6)**

**405**

**برخى از مستحبات و مكروهات نماز جماعت**

**مستحب است امام در وسط صف بايستد و اهل علم و كمال و تقوا در صف اوّل بايستند.2 مستحب است صفهاى جماعت منظم باشد و بين كسانى كه در يك صف ايستاده اند فاصله نباشد.3 مستحب است بعد از گفتن <<قد قامت الصلوة>> مأمومين برخيزند.4 مستحب است امام جماعت حال مأمومى را كه از ديگران ضعيف تر است رعايت كند و عجله نكند تا افرادح ضعيف برسند و قنوت و ركوع و سجود را طول ندهد مگر آن كه بداند همهء كسانى كه به او اقتدا كرده اند به طولانى شدن مايلند.5 اگر در صف هاى جماعت جا باشد مكروه است انسان تنها بايستد.6 مكروه است مأموم ذكرهاى نماز را طورى بگويد كه امام بشنود.(7)**

**1ـ توضيح المسائل م 1416**

**2ـ توضيح المسائل م 1417**

**3ـ توضيح المسائل م 1418**

**4ـ توضيح المسائل م 1438**

**5ـ توضيح المسائل م 1446**

**6ـ استفتاآت ج 1 ص 280 س 490**

**7ـ توضيح المسائل م 197ـ 198**

**406**

**نماز جمعه**

**يكى از اجتماعات هفتگى مسلمانان <<نماز جمعه >> است و نمازگزاران در روز جمعه مى توانند به جاى نماز ظهر نماز جمعه بخوانند.(1).**

**407**

**اهميّت نماز جمعه**

**امام خمينى قدّس سرّه در اهميّت نماز جمعه چنين نگاشته اند: <<نماز جمعه و دو خطبهء آن**

**مانند حج و نماز عيد فطر و قربان از مراسم بزرگ مسلمانان است ولى متأسفانه مسلمانان از وظايف مهم سياسى اين عبادت غافل و ناآگاهند در صورتى كه انسانى با اندك مطالعه و دقت در احكام كشورى سياسى اجتماعى و اقتصادى اسلام در مى يابد كه اسلام دين سياست است و كسى كه دين را از سياست جدا مى داند نادانى است كه نه اسلام را مى شناسد و نه سياست را(2).**

**1ـ تحريرالوسيله ص 231 م 1**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 234 م 9**

**409**

**چگونگى نماز جمعه و شرايط آن**

**410**

**واجبات :**

**نماز جمعه دو ركعت است ; مانند نماز صبح ولى دو خطبه دارد كه توسط امام جمعه قبل از نماز ايراد مى شود.(1)**

**411**

**مستحبات :**

**1- خواندن حمد و سوره با صداى بلند (توسط امام جمعه ).**

**2- خواندن سورهء <<جمعه >> بعد از حمد در ركعت اوّل (توسط امام جمعه ).**

**3- خواندن سورهء <<منافقون >> پس از حمد در ركعت دوّم (توسط امام جمعه ).**

**4- خواندن دو قنوت ; يكى در ركعت اوّل پيش از ركوع ديگرى در ركعت دوّم پس از ركوع . (2)**

**412**

**شرايط نماز جمعه**

**1- تمام شرايطى كه در نماز جماعت بايد رعايت شود در نماز جمعه هم معتبر است ; مثل اتصال صفوف .**

**2- بايد به جماعت برگزار شود و فرادا صحيح نيست .**

**3- حداقل تعداد افراد براى برپايى نمازجمعه پنج نفر است ; يك نفر امام و چهار نفر مأموم .**

**4- بين دو نماز جمعه حداقل بايد يك فرسخ فاصله باشد.(3)**

**1ـ همان ج 1 كتاب الصلاة فروع تلحق بصلاة الجمعه فرع الخامس .**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 232 الثانى .**

**3ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 231**

**413**

**وظيفهء امام جمعه هنگام ايراد خطبه ها**

**1- بايد ايستاده خطبه بخواند.**

**2- بنابر احتياط واجب با صداى بلند خطبه بخواند; به طورى كه همه مستمعين بشنوند و مى تواند از بلندگو استفاده كند.**

**3- بايد بين دو خطبه كمى بنشيند.**

**4- و مستحب است :**

**-- عمامه بر سر بگذارد.**

**-- نظيف ترين لباسها را بپوشد و خود را معطر كند.**

**-- در آغاز خطبه به مستمعين سلام كند.**

**-- رو به مردم باشد.**

**-- بر چوب يا عصا يا شمشيرى تكيه كند.**

**-- هنگام ايراد خطبه نيز با طهارت باشد.(1)**

**414**

**محتواى خطبه ها**

**415**

**خطبهء اوّل :**

**1- حمد و سپس ثناى الهى را به جا آورد.**

**2- صلوات بر پيامبر و آل او بفرستد (بنابر احتياط واجب ).**

**3- مردم را به تقوا توصيه كند.**

**4- سورهء كوتاهى از قرآن بخواند.**

**416**

**خطبهء دوم :**

**1- حمد و سپاس الهى را به جا آورد.**

**2- بر پيامبر و آل او صلوات بفرستد.**

**3- مردم را به تقوا توصيه كند (بنابر احتياط واجب ).**

**4- سورهء كوتاهى از قرآن بخواند (بنابر احتياط واجب ).**

**5- بر ائمهء مسلمين (ع ) درود بفرستد و براى مردان و زنان مؤمن طلب آموزش كند (بنابر احتياط مستحب ).(2)**

**و سزاوار است اين مطالب را نيز بگويد.1 آنچه مسلمانان در زندگى دنيا و آخرت به آن نياز دارند.2 مردم را از آنچه در جهان مى گذرد و به سود و زيان مسلمانان است آگاه كند.3 از مسائل سياسى و اقتصادى كه در استقلال و آزادى آنان دخالت دارد و چگونگى رفتار آنها با ساير ملت هاسخن بگويد.4 مسلمانان را از دخالت دولت هاى ستمگر و استعمارگر در امور سياسى و اقتصادى كه منجر به بهره كشى از آنان مى شود آگاه كند.(3)**

**1ـتحريرالوسيله ج 1 ص 231 م 12تا 14**

**2ـ تحريرالوسيله ج 1 كتاب الصلاة القول فى شرائط صلاة الجمعه م 7**

**3ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 233و 234 م 7ـ 8ـ 9**

**418**

**ويژگيهاى امام جمعه**

**سزاوار است كه امام جمعه اين ويژگيها را داشته باشد:**

**-- خطيب بليغ باشد و مقتضاى حال را با عبارتهاى فصيح خالى از پيچيدگى بيان كند.**

**-- نسبت به آنچه در كشورهاى اسلامى به ويژه كشور خودش مى گذرد آشنا باشد.**

**-- مصالح اسلام و مسلمين را بشناسد.**

**-- شجاع باشد و سرزنش هيچكس او را از طريق الهى بازندارد.**

**-- در اظهار حق و ابطال باطل صريح باشد.**

**-- آنچه سبب تأثير كلامش در نفوس مى شود مراعات كند; از جمله : در شكل و شمايل صالحان باشد. كردارش با موعظه هايش هماهنگ باشد. از آنچه سبب سرزنش كردن خودش يا مسخره كلامش مى باشد حتى زياد حرف زدن و مزاح كردن بپرهيزد. همهء اينها را براى رضاى خدا و به دور از حب دنيا و رياست مراعات كند.)(1)**

**419**

**استفتاء**

**س ـ آيا شركت بانوان در نمازهاى جماعت و نمازجمعه كراهت دارد يا خير؟**

**ج ـ كراهت ندارد بلكه در بعضى موارد مطلوب است .(2)**

**1ـ تحريرالوسيله ج 1 كتاب الصلاة القول فى شرايط صلاة الجمعه م 14**

**2ـ استفتاآت ج 1 ص 272 س 456**

**420**

**وظيفهء نمازگزاران جمعه :**

**1- بنابر احتياط واجب بايد به خطبه ها گوش دهند.**

**2- احتياط مستحب است از سخن گفتن بپرهيزند و چنانچه سخن گفتن سبب از بين رفتن فايدهء خطبه ها و يا گوش ندادن به آنها شود ترك آن واجب است .**

**3- احتياط مستحب است شنوندگان هنگام ايراد خطبه ها رو به امام جمعه بنشينند و بيش از مقدارى كه در نماز اجازه داده شده به اطراف نگاه نكنند.(1)**

**ـ تحريرالوسيله ج 1 ص 235 م 14**

**422**

**اسباب وجوب نماز آيات**

**يكى از نمازهاى واجب <<نماز آيات >> است كه به سبب برخى حوادث آسمانى يا زمينى واجب مى شود; مانند:**

**-- زلزله**

**-- خسوف (ماه گرفتگى )**

**-- كسوف (خورشيد گرفتگى ) هر چند كسى هم از آن نترسد**

**-- رعد و برق و بادهاى زرد و سرخ و سياه و مانند آن اگر بيشتر مردم بترسند.(1)**

**1ـ توضيح المسائل م 1491و تحريرالوسيله كتاب الصلاة القول فى صلاة الآيات م 1**

**423**

**چگونگى نماز آيات**

**1- نماز آيات دو ركعت است و در هر ركعت پنج ركوع دارد.**

**2- در نماز آيات قبل ازهر ركوع سورهء حمد و سورهء ديگرى از قرآن خوانده مى شود كه در اين صورت در دو ركعت ده حمد و ده سوره خوانده مى شود ولى مى توان يك سوره را پنج قسمت كرده و قبل از هر ركوع يك قسمت از آن را خواند كه در اين صورت در دو ركعت دو حمد و دو سوره خوانده مى شود.(1) در اينجا با تقسيم سورهء <<اخلاص >> چگونگى نماز آيات را مى آوريم .**

**424**

**ركعت اوّل**

**حمد و <<بسم الله الرحمن الرحيم ــ ركوع .**

**قل هو الله احد ــ ركوع .**

**الله الصمد ــ ركوع .**

**لم يلد و لم يولد ــ ركوع .**

**و لم يكن له كفواً احد ــ ركوع .**

**و سپس سجده ها را به جا آورده**

**براى ركعت دوّم بر مى خيزد.**

**425**

**ركعت دوّم**

**ركعت دوّم را نيز مانند ركعت اوّل به جا مى آورد و سپس با تشهد و سلام نماز را به پايان مى برد.(2)**

**1ـ توضيح المسائل م 1507و 1508**

**2ـ توضيح المسائل م 15086**

**427**

**احكام نماز آيات**

**1- اگر يكى از سبب هاى نماز آيات در شهرى اتفاق بيفتد فقط مردم همان شهر بايد نماز آيات بخوانند و بر مردم جاهاى ديگر واجب نيست .(1)**

**2- اگر در يك ركعت از نماز آيات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در ركعت ديگر يك حمد بخواند و سوره را تقسيم كند صحيح است .(2)**

**3- مستحب است پيش از ركوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر تنها يك قنوت پيش از ركوع دهم بخواند كافى است .(3)**

**4- هر يك از ركوع هاى نماز آيات ركن است كه اگر عمداً يا سهواً كم يا زياد شود نماز باطل است .(4)**

**5- نماز آيات را مى توان به جماعت خواند كه در اين صورت حمد و سوره ها را تنها امام جماعت مى خواند.(5)**

**6- اگر سبب وجوب نماز آيات تكرار شود بايد به تعداد همهء آنها نماز آيات خوانده شود مثلاً چندين بار زلزله شود.(6)**

**1ـ توضيح المسائل م 1494**

**2ـ توضيح المسائل م 1509**

**3ـ توضيح المسائل م 1512**

**4ـ توضيح المسائل م 1515**

**5ـ العروةالوثقى ج 1 ص 730 م 13**

**6ـ العروة الوثقى ج 1 ص 731 م 21**

**428**

**غفيله**

**1- نماز مستحب را <<نافِلَه >> گويند.**

**2- نمازهاى مستحب بسيار است و اين نوشته گنجايش تمام آنها را ندارد امّا برخى از آنها را كه اهميت بيشترى دارد مى آوريم :(1)**

**429**

**نماز غفيله**

**يكى از نمازهاى مستحبى نماز <<غُفيله >> است كه پس از نماز مغرب خوانده مى شود.**

**430**

**كيفيّت نماز غفيله**

**نماز غفيله دو ركعت است در ركعت اوّل پس از حمد به جاى سوره اين آيه خوانده مى شود:(2) و ذا النّون اذ ذهب مغاضبا فظنّ أن لن نقدر عليه فنادى فى الظّلمات أن لا اله الاّ أنت سبحانك انّى كنت من الظّالمين فاستجبنا له و نجيناه من الغمّ و كذلك ننجى المؤمنين . و در ركعت دوّم پس از حمد به جاى سوره اين آيه خوانده مى شود: و عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الاّ هو و يعلم ما فى البرّ و البحر و ما تسقط من ورقة الاّ يعلمها و لا حبّة فى ظلمات الارض و لا رطب و لا يابس الاّ فى كتاب مبين . و در قنوت آن اين دعا خوانده مى شود:**

**431**

**اللّهمّ انّى اسألك بمفاتح الغيب الّتى لا يعلمها الاّ انت ان تصلّى على محمّدٍ و آل محمّدٍ و ان تغفر لى ذنوبى**

**حچ اللّهم انت ولىّ نعمتى و به جاى جمله <<أن تغفر لى ذنوبى >> مى تواند حاجت ديگرى از خدا بخواهد.**

**القادر على طلبتى تعلم حاجتى فأسألك بحقّ محمّد و آل محمّد عليه و عليهم السّلام لمّا قضيتها لى .(3)**

**1ـ توضيح المسائل م 764**

**2ـ توضيح المسائل م 775**

**3ـ توضيح المسائل م 775**

**433**

**نافلهء نمازهاى يوميّه**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نام نماز | تعدادركعات نافله | وقت نافله |
| نماز صبح | 2 ركعت | قبل از نماز صبح و احتياط ان است كه قبل از فجر اول نخوانند |
| نماز ظهر | 4 نماز 2 ركعتي (8 ركعت) | قبل از نماز ظهر | از ظهر تا وقتى كه سايهء پديد آمدهء شاخص به مقدار دو هفتم آن برسد |
| نماز عصر | 4 نماز 2 ركعتي (8 ركعت) | پيش از نماز عصر | تا موقعى كه سايهء پديد آمدهء شاخص به مقدار چهار هفتم آن برسد |
| نماز مغرب | 2 نماز 2 ركعتي (4 ركعت) | پس از نماز مغرب تا وقتى كه سرخى طرف مغرب كه پس از غروب آفتاب پديد مى آيد از بين برود |  |
| نماز عشا’ | 2 ركعت نشسته(1) | پس از نماز عشاء تا نصف شب(2) |  |

**17ركعت نماز واجب كه در شبانه روز خوانده مى شود (در غير سفر و روز جمعه ) 23ركعت نافله دارد كه به علاوهء 11ركعت نماز شب جمعاً 34ركعت مى شود يعنى دو برابر تعداد ركتهاى نماز واجب .**

**434**

**دو مسأله :**

**1- در روز جمعه بر شانزده ركعت نافلهء ظهر و عصر چهار ركعت اضافه مى شود.(3)**

**2- نافلهء ظهر و عصر را در سفر نبايد خواند ولى نافلهء عشا را به نيّت اين كه شايد مطلوب باشد (به قصد رجاء) مى توان خواند.(4)**

**1- به نافلهء نماز عشاء نماز وُتيره گفته مى شود و بنابر احتياط واجب بايد نشسته خوانده شود.**

**2ـ توضيح المسائل م 764و 768تا 772**

**3ـ توضيح المسائل م 764**

**4ـ توضيح المسائل م 767**

**435**

**نماز شب**

**نماز شب 11ركعت است كه بدين ترتيب خوانده مى شود:**

**دو ركعت ــ به نيّت نافلهء شب .**

**دو ركعت ــ به نيّت نافلهء شب .**

**دو ركعت ــ به نيّت نافلهء شب .**

**دو ركعت ــ به نيّت نافلهء شب .**

**دو ركعت ــ به نيّت نافلهء شَفع .**

**يك ركعت ــ به نيّت نافلهء وتر.(1)**

**436**

**وقت نماز شب**

**1- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزديك اذان صبح خوانده شود.(2)**

**2- مسافر و كسى كه براى او سخت است نافلهء شب را بعد از نصف شب بخواند مى تواند در اوّل شب به جا آورد.(3)**

**1ـ توضيح المسائل م 765**

**2ـ توضيح المسائل م 773**

**3ـ توضيح المسائل م 774**

**438**

**نماز عيد**

**در دو عيد <<فطر>> و <<قربان >> خواندن نماز مخصوص عيد مستحب است .(1)**

**439**

**وقت نماز عيد**

**1- وقت نماز عيد از طلوع آفتاب تا ظهر است .(2)**

**2- مستحب است نماز عيد قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند.**

**3- مستحب است در عيد فطر بعد از بلند شدن آفتاب افطار كنند و زكات فِطره را هم بدهند سپس نماز عيد را بخوانند.(3)**

**440**

**چگونگى نماز عيد**

**1- نماز عيد فطر و قربان دو ركعت است با نُه قنوت و اينگونه خوانده مى شود:**

**-- در ركعت اوّل نماز پس از حمد و سوره بايد پنج تكبير گفته شود و بعد از هر تكبير يك قنوت و بعد از قنوت پنجم تكبير ديگرى و سپس ركوع و دو سجده .**

**-- در ركعت دوّم پس از حمد و سوره چهار تكبير گفته مى شود و بعد از هر تكبير يك قنوت و بعد از قنوت چهارم تكبير ديگرى و سپس ركوع و دو سجده و تشهد و سلام .(4)**

**-- در قنوت هاى نماز عيد هر دعا و ذكرى بخوانند كافى است ولى بهتر است به اميد ثواب اين دعا را بخوانند:**

**<<اللّهمّ أهل الكبرياء و العظمة و أهل الجود و الجبروت و أهل العفو و الرّحمة و أهل التّقوى و المغفرة أسألك بحقّ هذا اليوم الّذى جعلته للمسلمين عيدا و لمحمّد صلّى الله عليه و آله ذخرا و شرفا و كرامة و مزيدا أن تصلّى على محمّد و آل محمّد و ان تدخلنى فى كلّ خير ادخلت فيه محمّداً و آل محمّد و ان تخرجنى من كلّ سوء أخرجت منه محمّدا و آل محمّد صلواتك عليه و عليهم اللّهمّ انّى أسألك خير ما سألك به عبادك الصّالحون و اعوذبك ممّا استعاذ منه عبادك المخلصون >>.(5)**